

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال دوم، شماره دو (پیاپی: ۵)، تیر ۱۳۹۸

نقش سواد رسانه بر سواد سلامت زنان در استفاده از فضای مجازی؛
مطالعه موردی: زنان شهرستان محمود آباد استان مازندران
فاطمه قادیان انارمرزی

گردشگری فرهنگی راهبردی جهت تقویت هویت ملی جمهوری
اسلامی ایران
محسن جان پرور، ریحانه صالح آبادی، معصومه مهدیی

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر فوتبال بر اعتماد اجتماعی؛ مطالعه
موردی: نوجوانان شهر ایرانشهر
رضا بلوچی، صادق ستوان

مطالعه انسجام‌های معاشرتی، اظهاری، ساختاری و رابطه آن‌ها با
یکدیگر در خانواده‌های تهرانی
خدیجه سفیری، افسانه کمالی، زهرا ملّا

تفاوت بنیادی ساختار و نگرش خانواده امروز و گسست نسلی
کبری رحیمی، سعدالله رحیمی، سودابه موسوی

ارائه راهکارهای پیشگیری و کاهش آسیب در زنان آسیب‌دیده
اجتماعی با تأکید بر آموزش
فریبا نوروزی

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال دوم، شماره دو (پیاپی: ۵)، تیر ۱۳۹۸

ISSN: 2645-4475

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
منیژه ملائی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر داخلی: محدثه ملائی

اعضای علمی تحریریه:

دکتر محمد امیر پناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

دکتر خدیجه اسدی روستانی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر عبدالرسول حسینی فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷

۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی

تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸،
پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۱ ۳۳ ۸۴۰۷ ۹۲



فراخوان پذیرش مقاله

علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی قلمرو بسیار گسترده‌ای از جامعه را در برمی‌گیرد که آگاهی یافتن نسبت به هریک از زیرشاخه‌های آن مستلزم مطالعات گسترده پژوهشگران و متخصصین است. نظر به پیچیدگی مسائل اجتماعی و انسانی، امروزه شاهد چرخش گفتمان‌ها و تغییر دیدگاه‌ها از نگاه تک‌بعدی به رویکردهای چندبعدی و بین‌رشته‌ای هستیم. رویکردها و گونه‌های میان‌رشته‌ای، مبین نسبت و نحوه پیوند و تعامل میان دانش، مفاهیم، روش‌ها، تجارب و ابزارهای مختلف از رشته‌های گوناگون در خصوص موضوع یا مسئله مورد نظر هستند که نوع همکاری، مشارکت و شیوه‌های مواجهه با موضوعات و مسائل پیچیده را به کنش‌گران فعالیت‌های میان‌رشته‌ای نشان می‌دهند.

فصلنامه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» باهدف ترویج دانش علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی از طریق طرح مسائلی اساسی جامعه و کوشش در جهت توصیف، تبیین و حل آن، همچنین بحث و تبادل نظر میان پژوهشگران این حوزه، به انتشار مقالات تخصصی می‌پردازد. از اینرو تحریریه از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌نماید تا با ارسال مقالات علمی در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند.

برای ارسال مقاله به نشریه کافی است تا در وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسنده مسئول تماس گرفته می‌شود.

موضوعات نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات فرهنگی
- مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی



فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال دوم، شماره ۲ (پیاپی: ۵)، تیر ۱۳۹۸

فهرست مقالات

عنوان مقاله	صفحه
نقش سواد رسانه بر سواد سلامت زنان در استفاده از فضای مجازی؛ مطالعه موردی: زنان شهرستان محمود آباد استان مازندران فاطمه قادیان انارمرزی	۱
گردشگری فرهنگی راهبردی جهت تقویت هویت ملی جمهوری اسلامی ایران محسن جان پرور، ریحانه صالح آبادی، معصومه مهدیی	۱۳
بررسی جامعه‌شناختی تأثیر فوتبال بر اعتماد اجتماعی؛ مطالعه موردی: نوجوانان شهر ایرانشهر رضا بلوچی، صادق ستوان	۲۹
مطالعه انسجام‌های معاشرتی، اظهاری، ساختاری و رابطه آن‌ها با یکدیگر در خانواده‌های تهرانی خدیجه سفیری، افسانه کمالی، زهرا ملّا	۳۷
تفاوت بنیادی ساختار و نگرش خانواده امروز و گسست نسلی کبری رحیمی، سعدالله رحیمی، سودابه موسوی	۵۳
ارائه راهکارهای پیشگیری و کاهش آسیب در زنان آسیب‌دیده اجتماعی با تاکید بر آموزش فریبا نوروزی	۵۹

نقش سواد رسانه بر سواد سلامت زنان در استفاده از فضای مجازی مطالعه موردی: زنان شهرستان محمود آباد استان مازندران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۶

کد مقاله: ۲۷۱۲۳

فاطمه قادیان انارمرزی^۱

چکیده

هدف از این پژوهش شناخت مفهوم سواد رسانه‌ای و تبیین مفهوم سواد رسانه‌ای، سواد سلامت، ارزیابی سطح سواد رسانه‌ای و سواد سلامت کاربران زنان شهرستان محمود آباد استان مازندران می باشد. مهم ترین مساله و هدف تحقیق، میزان سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنان و ارتباط بین سواد رسانه‌ای و سواد سلامت در استفاده از فضای مجازی است. بدین منظور بر اساس مبانی نظری تحقیق متغیرها تعریف و فرضیه های تحقیق تدوین گردیده است. با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه داده ها گردآوری شده است. حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شده است و به دنبال آن از طریق نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق به این شرح است: سطح سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنان متوسط می باشد.

واژگان کلیدی: سواد رسانه‌ای، سواد سلامت، اطلاعات سلامت، فضای اجتماعی

۱- عضو کارگروه "پایش محتوایی رسانه ها و فضای مجازی با رویکرد سواد رسانه ای" انجمن سواد رسانه ای ایران و دانشجوی دکتری تخصصی علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان، ایران

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر شبکه اجتماعی فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای در دسترس مردم قرار داده است. یکی از اهداف استفاده از شبکه اجتماعی دسترسی به اطلاعات مربوط به سلامت و بهبود کیفیت سلامت با هزینه‌ای مناسب می‌باشد. این امر مستلزم آن است که تعامل فعال بین شاغلین عرصه سلامت و تکنولوژیست‌های ارتباطی برقرار شود تا زمینه رضایت کاربران اطلاعات سلامت فراهم گردد و نیازهای آنان در این زمینه پیش‌بینی و تامین گردد. اگرچه افراد کم سواد، یا افرادی که از نظر اقتصادی توانایی استفاده از شبکه اجتماعی را ندارند یا در شرایط سخت جامعه قرار دارند از شبکه اجتماعی کمترین استفاده را می‌کنند و به‌نظر می‌رسد اطلاعات سلامت در دسترس همگان قرار ندارد؛ با این حال همچنان این رسانه، قابلیت دسترسی آسان و مناسب به اطلاعات سلامت از قبیل بیماری‌ها و علایم آنها، ناهنجاری‌های جسمی و رفتاری، پیشگیری ابتلا به بیماری‌ها و ارتقای سلامت، آموزش مسائل جنسی و همچنین روش‌های درمانی را دارا می‌باشد.

بیشتر رسانه‌ها از رسانه‌های چاپی گرفته تا رسانه‌های دیجیتالی بیش از پیش راجع به مسائل سلامت بحث و گفتگو می‌کنند و بیشتر به سلامت از بعد فردی توجه می‌کنند یعنی به عنوان مسئولیتی فردی تا بعد اجتماعی. با افزایش تعداد کانال‌های مرتبط با سلامت و بهداشت، امکان استفاده وسیع‌تر از اطلاعات سلامت فراهم شده است. پیشگیری از بیماری‌ها و حفظ سلامت مبنای این کانال است. اغلب این کانال‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که شخصی‌سازی و مدیریت مسائل سلامت افراد امکان‌پذیر شده است. با این وجود باید توجه کرد با اینکه شبکه اجتماعی منبع بسیار خوبی برای کسب اطلاعات سلامت می‌باشد با این حال همه کانال‌ها قابل اعتماد نیستند؛ داشتن سواد رسانه‌ای کافی می‌تواند به فهم بهتری از اطلاعات قابل اعتماد و منابع معتبر کمک کند.

بر خلاف سیستم بهداشت و درمان که اطلاعات و محتوای سلامت را برای جامعه تولید می‌کند، محتوای سلامت موجود در فضای مجازی غالباً نامشخص است و می‌تواند ارتقاءدهنده سلامت باشد یا سلامت را به خطر اندازد. با توجه به اینکه هر روزه بسیاری از افراد اطلاعات سلامت آنلاین را جستجو می‌کنند. غالباً بیشتر آنها به کیفیت اطلاعات داده شده توجهی نمی‌کنند و یا حین جستجو گیج و سر در گم می‌شوند. (xi:Hobbs,R. 2010)

بدون تردید آموزش مفید و موثر در زمینه قابلیت‌ها و روش‌های استفاده از شبکه اجتماعی از مهارت‌های زندگی و نحوه تعامل با دیگران به حساب می‌آید، و می‌بایست از همان ابتدا در آموزش‌های دانش‌آموزان گنجانده شود تا فرهنگ درست استفاده از آن نهادینه شود و رواج یابد. متأسفانه در کشور ما هیچ نهادی متولی آموزش سواد رسانه‌ای، سواد اینترنتی، سواد دیجیتالی و همچنین سواد سلامت به زنان نمی‌باشد و تنها به سواد خواندن و نوشتن بسنده شده است.

وزارت بهداشت و سازمان‌های سیاستگذار در زمینه سلامت، در راستای توانمندسازی افراد به منظور خود مراقبتی و فعالیتهای آگاهانه برای حفظ و ارتقای سلامت افراد و خانواده‌هایشان نیازمند ارزیابی و شناخت میزان سواد رسانه‌ای در زمینه سلامت است؛ تا بتواند با توجه به رویکرد افراد به مبحث سلامت در رسانه‌ها موثرترین روش توانمندسازی را در برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها به کار گیرد. با توجه به اینکه ممانعت از تولید محتوای نامطلوب و انتشار آنها کار بسیار دشواری می‌باشد جستجوی راه‌های افزایش سواد رسانه‌ای در حوزه سلامت، بالقوه می‌تواند به کاهش آثار مضر آنها بیانجامد (۲۰۰۶:۴۵۹ Brown and knight).

این سواد باید به شهروندان کمک کند تا بفهمند چگونه رسانه‌ها ادراک و باورهای آنان را فیلتر می‌کند، فرهنگ عمومی را شکل می‌دهد و بر انتخاب‌های فردی اثر می‌گذارد. همچنین باید آنان را برای تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مساله خلاق قدرتمند سازد تا مصرف‌کنندگان قضاوتگر و تولیدکنندگان محتوا باشند (کمیسیون اروپایی، ۲۰۰۷).

موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنان در استفاده از فضای مجازی است. در این تحقیق در پی آنیم که ببینیم چه تفاوتی در میزان سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنانی که در رشته‌های مرتبط با بهداشت و سلامت جستجو می‌کنند با زنان سایر رشته‌ها وجود دارد.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

فضای مجازی در زمره مهم‌ترین عوامل اجتماعی‌شدن هستند که بر رفتارهای سلامت امروزه زنان اثر می‌گذارد، بعضی پژوهش‌ها تخمین می‌زنند زنان ۸۰-۵۰ درصد ساعت بیداریشان را با چنین رسانه‌هایی می‌گذرانند. (Bergsma, ۲۰۱۱:۲۵). از سوی دیگر، گرانی هزینه‌های درمان و گسترده شدن جامعه، استفاده بیش از پیش از اطلاعات الکترونیکی سلامت را می‌طلبد تا با آگاهی بخشی بتوان زنان را در مقابل آسیب‌های جسمانی و روانی توانمند ساخت. درک صحت و سقم اطلاعات سلامت و تفاوت بین آنها و توصیه‌های تبلیغاتی نیازمند فهم و داشتن سواد رسانه‌ای کافی است. شبکه‌های اجتماعی مصرف‌کنندگان اطلاعات سلامت را توانمندتر کرده است و برای انتخاب‌های پیچیده‌تر آگاه کرده است ولی با این حال پتانسیل قربانی شدن افراد در برابر اطلاعات نادرست همچنان باقی است.

ضرورت نظری: برای استفاده از اطلاعات سلامت در شبکه اجتماعی تا چه حد سواد رسانه‌ای و سواد سلامت موثر هستند، زنان تا چه حد شبکه‌های مجازی را برای اهداف سلامت بکار می‌برند، زنان تا چه حد توانایی تشخیص و ارزیابی اطلاعات سلامت مستند و مطلوب را از غیر مستند و غیر مطلوب در شبکه‌های اجتماعی دارند.

ضرورت عملی: ارزیابی میزان سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنان به منظور توانمند سازی آنان در زمینه سلامت و خودمراقبتی، شناخت موثرترین روش توانمند سازی زنان برای سیاستگذاری و برنامه ریزی های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ارائه راه کارهایی برای چگونگی استفاده از گروه ها و کانال های شبکه اجتماعی مرتبط با سلامت.

۳-اهداف تحقیق

۳-۱-هدف اصلی تحقیق

بررسی رابطه سطح سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله شهرستان محمود آباد در استفاده از فضای مجازی اینستاگرام هدف اصلی تحقیق می‌باشد.

۳-۲-اهداف فرعی

- شناخت میزان سواد رسانه‌ای زنان مورد مطالعه در میزان استفاده از فضای مجازی
- شناخت میزان سواد سلامت زنان مورد مطالعه در دو گروه متفاوت تحصیلی.
- شناخت میزان استفاده از فضای مجازی و اطلاعات سلامت در بین زنان مورد مطالعه.

۴-سوالات تحقیق

۴-۱-سوال اصلی

آیا بین سطح سواد رسانه‌ای و سواد سلامت زنان (شهرستان محمود آباد) در استفاده از فضای مجازی رابطه وجود دارد؟

۴-۲-سوالات فرعی

- آیا بین میزان سواد رسانه‌ای و میزان استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین میزان سواد سلامت و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سن زنان و میزان استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین شاغل بودن زنان و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین تحصیلات زنان و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد؟

۵-فرضیه های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین میزان سواد رسانه‌ای و میزان استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان سواد سلامت و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سن و میزان استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین شغل و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تحصیلات و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.

۶-پیشینه تحقیق

۶-۱-تحقیقات داخلی

بهاره نصیری در سال ۱۳۸۳ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی نظرات متخصصان علم ارتباطات پیرامون سواد رسانه‌ای در جامعه» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به بررسی میزان آگاهی و شناخت استادان علوم ارتباطات در دانشکده های مختلف ارتباطات با مقوله سواد رسانه‌ای و ارائه تعاریف مختلف سواد رسانه‌ای از دیدگاههای مختلف صاحب نظران داخلی و خارجی می پردازد. در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۴۱ نفر از استادان رشته علوم ارتباطات از (دانشگاه آزاد، صدا و سیما، علامه طباطبایی و تهران) انتخاب شده و میزان آگاهی و شناخت آنان نسبت به مقوله سواد رسانه‌ای سنجیده شده است. از جمله نتایج تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

میزان آشنایی و شناخت استادان ارتباطات نسبت به موضوع سواد رسانه‌ای در حد قابل قبولی نبوده است.

در مورد مفهوم سواد رسانه‌ای بین استادان ارتباطات اختلاف نظر وجود دارد. اکثر استادان هدف سواد رسانه‌ای را تعدیل اثرات رسانه‌ها و توانمند کردن قدرت تحلیل مخاطبان برای تشخیص و کشف پیامهای ضمنی رسانه‌ای می‌دانستند.

بر ارتباط موضوع سواد رسانه‌ای با توانایی فراگیری مهارت‌های تفکر انتقادی تأکید شده است.

یک واحد درسی با عنوان سواد رسانه‌ای در رشته ارتباطات لحاظ گردد.

اعتقاد بر اینکه افزایش سطح سواد رسانه‌ای شهروندان منجر به تقویت ساختارهای دموکراتیک در جامعه می‌شود

پرستو ایران پور (۱۳۸۹) با عنوان «میزان سواد رسانه‌ای و نقش آن در استفاده از رسانه‌های تعاملی بررسی رفتار ارتباطی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان» برای پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبائی به انجام رسانده است. این پژوهش تلاشی برای تبیین مفهوم سواد رسانه‌ای، ارزیابی سطح سواد رسانه‌ای دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان و تعیین جایگاه و میزان سواد رسانه‌ای دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان و نقش آن در استفاده از رسانه‌های تعاملی است. روش پژوهش پیمایش و و ابزار آن پرسشنامه می‌باشد. حجم نمونه ۴۰۰ نفر تعیین شده است که ۱۵۰ نفر دانشگاه صنعتی اصفهان و ۲۵۰ نفر از دانشگاه اصفهان بوده‌اند. نتایج آماری نشان دهنده این موضوع می‌باشند که سواد رسانه‌ای دانشجویان دو دانشگاه مذکور متوسط و در حدود ۱۶ بوده است. دانشجویان با سطوح متفاوت یواد رسانه‌ای، میزان استفاده متفاوتی از رسانه‌های تعاملی دارند. میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانشجویان و وضعیت سواد رسانه‌ای رابطه معنادار وجود دارد.

۶-۲- تحقیقات خارجی

الیزابت وود در سال ۲۰۰۹ برای پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه دنور با موضوع «آموزش سواد رسانه‌ای: ارزیابی آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس کلرادو» تجزیه و تحلیل فعالیتها و تکنیک‌های سواد رسانه‌ای به کار برده شده در مدارس راهنمایی و دبیرستان کلرادو را ارائه می‌کند. سودا رسانه‌ای یک زمینه پدید آمده در آموزش است که مهارتهای سواد مانند تجزیه و تحلیل انتقادی و ارزیابی با یک پردازش مبتنی بر تحقیق را ترکیب می‌کند و دانش آموزان را به استفاده از پردازش اطلاعات در زمینه‌های شناختی، اخلاقی، زیبایی شناختی و عاطفی تشویق می‌نماید. هدف این پایان نامه بررسی داده‌های بایگانی شده از سازمانهای سواد رسانه‌ای ملی و ارزیابی آنها با برخی خطوط اصلی بهترین فعالیتها سواد رسانه‌ای اعلام شده در برنامه‌های آموزشی بود. هدف از سوالات مطرح شده درک منابع رسانه‌ای موجود برای معلمان و چگونگی بکارگیری این منابع برای برنامه‌های آموزشی خاص توسط آنها بود. شرکت کنندگان در این تحقیق بیان کردند که آنها اغلب اوقات رسانه‌ها را برای تشویق مشارکت و آموزش دیدگاههای مختلف به کار می‌برند. پاسخهای بررسی کمی نشان می‌دهد که کمبود منابع رایج ترین دلیل معلمان جهت اجتناب از استفاده محتوای رسانه‌ای در کلاس‌های درس است و در بررسی کیفی پاسخها به سوالات باز نشان داد که بسیاری از معلمان احساس میکردند آموزش آنها برای استفاده فناوری در کلاسها کافی نیست. به همین دلیل، مدارس بایستی دوره‌های آموزشی برای معلمان درباره منابع فناوری‌های موجود در مدارس آنها مهیا کنند. سرانجام ایجاد یک فناوری در دسترس در هر مدرسه می‌تواند توسعه پایدار منابع رسانه‌ای را تسهیل کند.

رانجیت تی گا تحقیق خارجی بعدی را در سال ۲۰۰۹ با موضوع «رشد، نزول و ظهور دوباره آموزش سواد رسانه‌ای در ایالات متحده ۲۰۰۰-۱۹۶۰» برای رساله دکترا، دانشگاه مارکبوت انجام داده است. این مطالعه تجزیه و تحلیل پنج عامل اصلی (سیستم آموزشی، منابع رسانه‌ای، موسسات اجتماعی و مذهبی، بخشهای سیاسی و افراد مطرح) را در توسعه آموزش سواد رسانه‌ای در ایالات متحده میان سالهای ۱۹۶۰ و ۲۰۰۰ دنبال می‌کند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق ده شخص مرجع تصمیمی گیرنده و بررسی اطلاعات عمومی و مطالب بایگانی شده جمع‌آوری شده است. نمونه‌هایی که در مصاحبه‌ها انتخاب شده بودند ۲۰ سال یا بیشتر در آموزش آموزش سواد رسانه‌ای درگیر بودند. روش نمونه‌گیری به این صورت بوده است که ده محقق برتر و غنی از اطلاعات سواد رسانه‌ای در ایالات متحده را انتخاب نموده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تئوری داده محور و تکنیک تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای استفاده شده است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در مرحله تکوینی فردی، معلمان سواد رسانه‌ای بسیار و فعال و نیز متعهد به توسعه آموزش سواد رسانه‌ای بودند. اما در دهه ۱۹۸۰، آموزش سواد رسانه‌ای نزول پیدا کرد، چرا که جنبش بازگشت به گذشته در سیستم آموزشی صورت گرفت و بیش از حد بر سواد رایانه‌ای تأکید شد. فقدان در تامین بودجه خصوصی و مرکزی پدیدار شد، در حمایت‌های عمومی کمبود وجود داشت، رویکرد حمایت‌گرا بر سواد رسانه‌ای احاطه یافت، آموزش معلمان ناقص بود، حمایت‌های نهادی دیده نمی‌شد، سواد رسانه‌ای به سوی خط و مشی سیاسی محافظه کارانه پیش رفت، برنامه‌های آموزشی متراکم بودند، فهم و دیدگاه دقیق و روشنی در باره سواد رسانه‌ای وجود نداشت و گوناگونی آموزشی دیده می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ توجه بسیاری به

آموزش سواد رسانه‌ای شد چرا که علاقه عمومی بر روی خشونت جوانان بود. تعداد بیشماری از مدارس دولتی و خصوصی، موسسات اجتماعی و مذهبی، شرکت‌های رسانه‌ای، بخش‌های دولتی و افراد به جنبش آموزش سواد رسانه‌ای پیوستند.

۷- تعریف سواد رسانه‌ای

طبق آمارهای رسمی مراکز معتبر بین‌المللی، بیش از دوسوم جمعیت جهان حداقل به یکی از رسانه‌های ارتباطی دسترسی دارند و درصد قابل توجهی از مردم کره زمین، کاربر رسانه‌هایی مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه، کتاب، سینما، اینترنت و ... هستند. براساس برآورد لایمن^۱ و واریان^۲ (۲۰۰۳) نرخ رشد و افزایش اطلاعات، سالیانه ۳۰ درصد است و سالانه حدود ۶۶ میلیون عنوان کتاب در جهان منتشر می‌شود. این کتاب‌ها تنها یکی از راه‌های ارتباطی و کسب اطلاعات هستند.

۸- تعریف سواد سلامت

اصطلاح سواد سلامت اولین بار در ایالات متحده به کار رفته و رابطه‌ی بین سطوح سواد بیمار و توانایی آنها در تبعیت از رژیم‌های درمانی تجویز شده را توصیف کرده و توضیح می‌دهد (کمیته‌ی ویژه در خصوص سواد سلامت ۱۹۹۹^۳). این رویکرد، سواد سلامت را این گونه تعریف می‌نماید: "توانایی جهت خواندن، درک و تبعیت از اطلاعات مربوط به مراقبت سلامت" (مرکز راهبردهای مراقبت سلامت ۲۰۰۰^۴).

۹- اهمیت و اهداف آموزش سواد رسانه‌ای

هدف از سواد رسانه‌ای ایجاد توانایی در افراد برای کنترل برنامه ریزی رسانه‌ای است. وقتی از واژه برنامه‌ریزی به این معنی استفاده می‌کنیم، منظور برنامه‌های تلویزیونی یا پیام‌های رسانه‌ای نیست (پاتر، ۱۳۹۱: ۶۸). شاید بتوان گفت اصلی‌ترین هدف سواد رسانه‌ای این است که یک نوع استفاده مبتنی بر آگاهی و فایده‌مند از سپهر اطلاعاتی اطراف داشته باشیم. (شکرخواه، ۱۳۸۵: ۲۹) «رسانه‌ها، روابط اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کنند؛ بنابراین شناخت رسانه‌ها و داشتن سواد رسانه‌ای به مخاطبان کمک می‌کند تا محیط پیرامون خود را رمزگشایی کنند (Hammer, 1995: 34). هدف سواد رسانه‌ای هوشیار سازی و اختیار بخشی به شهروندان است، هم چنین قصد ترویج مساوات، عدالت اجتماعی، دموکراسی، آزادی، کرامت انسان و جامعه‌انسانی تر را مورد توجه قرار می‌دهد و راهبرد هایی را به کار می‌گیرد که گفتگو، بازتاب و اقدام را شامل می‌شود (اینگرید و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

۱۰- ابعاد سواد رسانه‌ای

۱۰-۱- بعد شناختی^۵

شمول شناختی با ادراکی حیطه‌ای است که به فرآیندهای ذهنی و فکری مربوط می‌شود. شایستگی‌های ادراکی، مجموعه‌ای از شناخت ساده نشانه‌ها تا درک پیچیده‌ترین پیام‌ها و کشف علل نحوه ارائه خاص آنها به وسیله یک رسانه را در بر می‌گیرد. این همان بعد عقلانی است که به ایجاد مضمونی غنی در فرآیند ساختن معنا منتهی می‌شود. به تعبیر دیگر این بعد را می‌توان ناظر بر این تعریف از ارتباطات به شمار آورد. ارتباطات عبارتند از : فراگرد تفهیم و تفاهم و تسهیم معنی مشروط بر مشابهت معنی بین فرستنده و گیرنده پیام (قاسمی، ۱۳۸۹: ۸۸).

۱۰-۲- بعد احساسی^۶

اما حیطه حسی، بعد دیگری است که لایه بیرونی ادراک را شکل می‌بخشد. جایی که مخاطب از طریق یکی از حواس پنجگانه در معرض پیام‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرد اما این موضوع تداعی کننده نظریات مک لوهان است که می‌گوید: "هر رسانه در امتداد یکی از این حواس پنجگانه است." در این میان برخی از مخاطبان در ارتباطات حسی با پیام‌های رسانه‌ای بسیار قوی هستند؛ پیام‌هایی که برخی از آنها دارای آثار مثبت و پاره‌ای دارای آثار منفی هستند. به عنوان مثال کودکانی که به تماشای فیلم‌های ترسناک و خشونت بار می‌نشینند، آنچنان مغلوب حس

1 Lyman

2 Varian

3 Ad Hoc Committee on Health Literacy

4 Center for Health Care Strategies

5 Cognitive Dimension

6 Emotional Dimension

ترس می‌شوند که ساعتها منفعل می‌مانند. علاوه بر این، مطالب ارتباطات حسی یا احساس برانگیز در تبلیغات سیاسی و تجاری در شرایط مختلف از طرف سیاستمداران و سرمایه‌داران مورد استفاده جدی قرار می‌گیرد. از این رو سواد رسانه‌ای تلاشی در کشف ابعاد حسی نهفته در پیام‌های رسانه‌ای به حساب می‌آید. (همان)

۱۰-۳- بعد اخلاقی^۱

عرضه اخلاقی شامل اطلاعاتی درباره ارزشهاست. اطلاعات اخلاقی را اطلاعاتی تلقی کنید که در ضمیر و روح مستقر است. این نوع اطلاعات بنیانی برای قضاوت راجع به درست و غلط فراهم می‌کند. هرچه اطلاعات اخلاقی ما پالوده‌تر باشد، ارزشهای نهفته در پیام‌های رسانه‌ای را با عمق بیشتری درک می‌کنیم و قضاوت‌هایمان درباره آن ارزشها دقیق‌تر و منطقی‌تر خواهد شد. برای درک کامل مضامین اخلاقی، شخص باید سواد رسانه‌ای بسیار بالایی داشته باشد. (پاتر، ۱۳۸۵: ۳۰).

۱۱- اینترنت و ارتباطات سلامت

اینترنت معرف کاربرد آسان اطلاعات و دسترسی جهانی به آن اطلاعات است و احتمالات زیادی را برای یافتن جدیدترین و به روزترین موانع اطلاعات رایگان که فارغ از مکان و زمان هستند، فراهم می‌کند. خدمات تعاملی مثل گروه‌های خودیار^۲ آنلاین، چت با کارشناسان و فوروم^۳‌هایی درباره‌ی موضوعات خاص سلامتی می‌توانند از رقابت فعال و پشتیبانی اجتماعی در یک جامعه‌ی مجازی از طریق تماسی ناشناخته حمایت نمایند. به واسطه مجموعه اطلاعات مشترک و گسترده‌ای که قابلیت شخصی شدن را دارند، اینترنت می‌تواند سواد سلامت و دانش مرتبط با سلامت را ارتقا دهد و از مردم حمایت نماید تا نسبت به سلامت خود احساس مسئولیت نمایند.

۱۲- چارچوب نظری تحقیق

۱-۱۲- نظریه برجسته‌سازی

فرضیه‌ی اساسی نظریه‌ی برجسته‌سازی^۴ آن است که رسانه‌ها به ما می‌گویند چه چیزی مهم است. دربرجسته‌سازی، رسانه‌ها به ما نمی‌گویند که درباره یک موضوع چه فکری کنیم. بلکه تنها برتری و اولویت وابسته به مقدار و نوع پوشش موضوع را ارائه می‌کنند. یادگیری اجتماعی یا مدل‌سازی نیز با سواد رسانه‌ای مرتبط است. زیرا ما با مشاهده‌ی دیگران و تقلید از آنان، رفتارها را می‌آموزیم. مدل‌های رسانه‌ای می‌توانند منبع مشاهده‌ای و یا یادگیری محسوب شوند. رویکرد کاشت هم، راه و روشی را که رسانه از آن طریق دیدگاه ما را نسبت به جهان -که خصوصاً از طریق تماشای تلویزیون حاصل می‌شود- به نمایش می‌گذارد (بصیریان و بصیریان، ۱۳۸۵: ۳۲-۵۰).

منظور از برجسته‌سازی رسانه‌ها این است که رسانه‌ها، به ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار این می‌شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمرو رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود، درحالی که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی‌شود (سولیوان، هارتلی، ساندرز و فیسک، ۱۳۸۵: ۲۶). دونالد شاو و مکسول مک کومبز واضعان نظریه‌ی برجسته‌سازی، در مقاله‌ی کارکرد برجسته‌سازی مطبوعات^۵، می‌نویسند:

«رسانه‌ها در قالب گزارش‌های خبری، به طور قابل ملاحظه‌ای اهمیت موضوع‌های مهم را تعیین می‌کنند. این تأثیر وسایل ارتباط جمعی - قابلیت اثرگذاری بر تغییر شناخت و ادراک مخاطبان و ساخت تفکر آنان - کارکرد برجسته‌سازی وسایل ارتباط جمعی نامیده می‌شود. مهم‌ترین تأثیر ارتباط جمعی در اعمال این کارکرد، ایجاد نظم فکری [برای مخاطبان] و نظم دادن به دنیای پیرامون ماست. رسانه‌ها ممکن است در این که به ما بگویند چگونه فکر کنیم، موفق نباشند؛ اما آن‌ها در گفتن این که درباره چه چیزی فکر کنیم، بسیار موفق هستند» (شاو و مک کومبز، ۱۳۸۳: ۸-۱۳۷).

گلادیس انگل لنگ^۶ و کورت لنگ^۱ در مطالعه‌ی رابطه‌ی میان مطبوعات و افکار عمومی طی بحران واترگیت در امریکا، فرایند برجسته‌سازی را به شش مرحله تقسیم کردند:

1 Moral Dimension

2 Self-help-groups

3 forum

4 Agenda-setting theory

5 The Agenda-setting Function of the press

6 G. Lang

۱. مطبوعات بعضی از موضوعات و رویدادها را مهم و با اهمیت جلوه می‌دهند و آن‌ها را بارز و برجسته می‌سازند.
 ۲. موضوعات و رویدادهای متفاوت برای جلب توجه [مردم]، به نوع و میزان پوشش خبری متفاوتی نیاز دارند. چنان که واترگیت موضوعی دور از ذهن و نا آشنا بود و بنابراین پوشش گسترده‌ی رسانه‌ای برای جلب توجه عمومی به آن صورت گرفت.
 ۳. موضوعات و رویدادهای مورد توجه باید دارای چارچوب^۲ باشند یا حوزه‌ای از معانی به آن‌ها اختصاص داد که قابل فهم شوند. واترگیت ابتدا در چارچوب موضوعی جزئی در مبارزه‌ی انتخاباتی مطرح شد و این امر درک آن را در چارچوبی دیگر یعنی نشانه‌ی فساد سیاسی گسترده [در آمریکا] مشکل ساخت.
 ۴. زبان مورد استفاده‌ی رسانه‌ها بر درک اهمیت موضوع اثر می‌گذارد. اشاره‌ی اولیه به شنود واترگیت تحت عنوان «کاری غیراخلاقی»- که چند ماه طول کشید- در جهت کوچک کردن و تخفیف دادن آن بود. اما پس از آن، کاربرد واژه‌ی «افتضاح» توسط رسانه‌ها برای فعل شنود، اهمیت بیشتری به موضوع داد.
 ۵. هنگامی که اشخاص معروف و معتبر درباره موضوعی اظهارنظر می‌کنند، روند برجسته سازی شتاب پیدا می‌کند. برای مثال، هنگامی که قاضی جان سیریکا گفت واقعیت واترگیت به مردم گفته نشد، اثر قاطعی بر مردم و دیگر اشخاص مهم از جمله بعضی از جمهوری خواهان گذاشت (سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۹-۳۴۸).
- بنابراین، مفهوم برجسته سازی پیچیده تر از اولویت گذاری و حاکی از آن است که فرایند قرار دادن موضوعی در اولویت عموم، زمان می‌برد و از چند مرحله می‌گذرد. این مفهوم نشان می‌دهد که شیوه‌ی رسانه‌ها برای چارچوب سازی یک موضوع و واژه‌های مهمی که برای توصیف آن استفاده می‌کنند، می‌تواند مؤثر باشد و نقش اشخاص معروف و معتبر نیز به هنگام اظهارنظر درباره‌ی موضوع، مهم و تأثیرگذار است.

۱۲-۲- نظریه استفاده و رضامندی

رویکرد نظریه استفاده و رضامندی^۳، متضمن تغییر کانون توجه از مقاصد ارتباط گر به مقاصد دریافت کننده است. این رویکرد می‌کوشد تا معلوم کند که ارتباط جمعی چه کارکردهایی برای افراد مخاطب عرضه می‌کند. (سورین و تانکار، ۱۳۸۱: ۴۲۰) به علاوه، چشم اندازهای ارتباطاتی و فلسفه‌های تعاملات سمبلیک و نشانه‌شناسی‌ها برای درک و شناخت سواد رسانه‌ای در جهان امروز، از یکدیگر جدانشدنی هستند. پژوهشگران مختلف به این نکته اشاره می‌کنند که مصرف کنندگان (مخاطبان)، ارتباط دهنده‌گانی فعال هستند که مفاهیم را از طریق تعاملاتشان با محیط فرهنگی خلق می‌کنند. سِمالی^۴ در سال ۲۰۰۳ تأکید کرد: «اشتغال و فعالیت آگاهانه در یک بررسی نظام‌مند که در آن، ما نشانه‌ها را تعیین کرده ایم و مفاهیم و کارکردهای آنان را تبیین می‌کنیم، (Semali, 2003: 274) به شهروندان در توسعه‌ی مهارت‌های تفکر در دنیای میانجی‌گر امروزی، کمک خواهد کرد. تاینر^۵ نیز در سال ۱۹۹۱ خاطر نشان ساخت: «از آنجا که آموزش رسانه‌ای با طبیعت بازآفرینانه‌ی رسانه‌های جمعی پرمخاطبی، همچون تلویزیون و اینترنت در ارتباط است، بنابراین برنامه‌های توسعه اجتماعی نیز، باید با این ویژگی انطباق داشته باشند.» (بصیریان و بصیریان، ۱۳۸۵: ۳۲-۵۰).

نظریه‌ی استفاده و رضامندی تأکید عمده‌ای بر نقش فعال مخاطب دارد. اعتقاد این نظریه بر آن است که برخی از کارکشتگی و تأثیرات رسانه معطوف به چگونگی استفاده مخاطب و میزان برآورده شدن نیاز وی از رسانه است. (همان)

پرسش اساسی نظریه استفاده و رضامندی این است که چرا مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و آن‌ها را برای چه منظوری به کار می‌گیرند پاسخی که به اجمال داده می‌شود این است که مردم برای کسب راهنمایی، آرامش، سازگاری، اطلاعات و شکل گیری هویت شخصی، از رسانه‌ها استفاده می‌کنند (مک کوایل، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

سابقه نظریه استفاده و رضامندی به مقاله‌ای از الیهو کاتز بر می‌گردد که در آن، کاتز به ادعای برلسون مبنی بر افول حوزه پژوهش در ارتباطات پاسخ داد و استدلال کرد که حوزه مشرف به موت و رو به افول، مطالعات و پژوهش‌های ارتباطی تحت عنوان اقناع و متقاعد سازی و آثار پیکارهای اقناعی بر روی مخاطبان است. به گفته وی، هدف این نوع پژوهشها پاسخ به این سوال بود که «رسانه‌ها چه تاثیری بر افراد دارند؟» کاتز لزوم توجه به رویکردی جدید را با طرح پرسش «چرا مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند؟» یادآوری می‌کند.

1 K. Lang

2 Frame

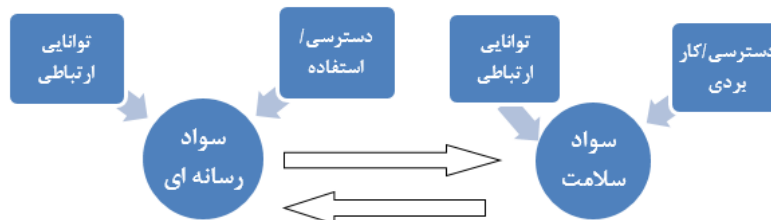
3 Uses and Gratification Theory

4 Semali

5 Tyner

نظریه استفاده و رضامندی با اتخاذ رویکردی کارکرد گرایانه به ارتباطات و رسانه، مهم‌ترین نقش رسانه‌ها را برآورده ساختن نیازها و انگیزه‌های مخاطب می‌داند. بنابراین، به هر میزان که رسانه‌ها این نیازها و انگیزه‌ها را برآورده سازند، به همان میزان موجبات رضایتمندی مخاطب را فراهم می‌کنند. (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۷۲)

فرض اصلی نظریه استفاده و رضامندی این است که افراد مخاطب، کم و بیش به صورت فعال، به دنبال محتوایی هستند که بیشترین رضایت را [برای آنان] فراهم سازد. میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد (ویندال، سیگنایزر و اولسون، ۱۳۷۶: ۲۷۴).



شکل ۱-۱- مدل مفهومی تحقیق

۱۳- روش پژوهش

پدیده‌های اجتماعی و انسانی موضوعاتی پیچیده‌اند، به همین دلیل روش‌های تحقیق درمورد این پدیده‌ها نیزمتنوع و متعدددند و اعتبار دستاوردهای تحقیق به شدت تحت تأثیر اعتبار روشی است که برای تحقیق برگزیده می‌شود. (خاکی، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

داشتن روش برای رسیدن به هدف یکی از ضروریات هر تحقیق علمی است. لذا برای بررسی پدیده‌ها در تحقیقات اجتماعی دو نوع روش علمی کاربرد دارد: ۱- روش کمی یا پیمایشی^۱ که از ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود. ۲- روش کیفی که از ابزار مصاحبه، مشاهده، تحلیل محتوا و... استفاده می‌شود.

در این تحقیق روش اصلی تحقیق با توجه به شرایط مورد بررسی روش پیمایشی است. روش پیمایشی برای جمع‌آوری و سنجش داده‌ها، اثبات فرضیات استفاده می‌شود. «در این روش محقق شرایط فعلی را بررسی می‌کند تا مسائل جاری در پرتو آن روشن شده و در پی آن است تا گردآوری داده‌های کامل‌تر درباره شرایط فعلی، به شناخت کامل‌تری از وضعیت در زمان حال برسد» (ازکیا، ۱۳۹۰: ۷۶)

۱۴- روش گردآوری داده‌ها

بدون شک یکی از اساسی‌ترین بخش‌های هر تحقیق، ابزار گردآوری داده است که می‌تواند تأثیر اساسی بر نتایج تحقیق بگذارد. استفاده از ابزار این امکان را به ما می‌دهد که داده‌ها را گردآوری کنیم. همچنین، نتیجه‌ی تحقیق نیز مستقیماً به ابزار گردآوری داده‌ها بر می‌گردد. لذا انتخاب، تدوین و شیوه‌ی بکارگیری ابزار گردآوری داده‌ها می‌تواند صحت نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر جهت حصول به هدف، از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است.

۱۵- جامعه آماری

گال^۲ و همکاران (۱۳۸۶) معتقدند؛ پژوهشگرانی که از تحقیقات کمی استفاده می‌نمایند، تلاش می‌کنند از طریق مطالعه‌ی گروهی بسیار کوچک، در مورد یک گروه بزرگ از افراد اطلاعات به‌دست آورند. گروه بزرگ که قصد دارند در مورد آن اطلاعات کسب کنند آورند. گروه بزرگ که قصد دارند در مورد آن اطلاعات کسب کنند، جامعه^۳ و گروه کوچک که در واقع مورد مطالعه قرار می‌گیرد، نمونه^۴ نامیده می‌شود دارند در مورد آن اطلاعات کسب کنند، جامعه^۵ و گروه کوچک که در واقع مورد مطالعه قرار می‌-

1. Survey
2. Gual
3. Population
4. Sample
5. Population

گیرد، نمونه^۱ نامیده می‌شود. در این پژوهش جامعه آماری تعداد کاربران زنان ۳۰ تا ۵۰ ساله شهرستان محمود آباد استان مازندران می‌باشند.

۱۵-۱- تعیین حجم نمونه

حجم نمونه در این پژوهش با توجه به جدول مورگان ۳۸۴ نفر می‌باشد.

۱۶- روایی و پایایی ابزار گردآوری اطلاعات

۱۶-۱- روایی^۲

برای آنکه یک روش روایی داشته باشد باید دارای اعتبار نیز باشد. موضوع واقعی حاکم بر کیفیت پرسشنامه، اندازه‌گیری اعتبار و روایی آن است، روایی پرسشنامه، توافق بین نمره آزمون با صفت یا خصیصه‌ای که آزمون برای اندازه‌گیری آن ساخته شده است را نشان می‌دهد. (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶)

۱۶-۲- پایایی^۳

از آنجا که ابزار گردآوری اطلاعات در طول زمان می‌باید ثبات و پایداری خود را حفظ کند و شرایط یکسان نتایج یکسانی را نشان دهد بررسی ضریب پایانی اهمیت می‌یابد. پایایی آزمون به دقت اندازه‌گیری و ثبات و پایایی آن مربوط می‌شود در واقع منظور از پایایی، رسیدن به نتایج یکسان در آزمونهای مکرر است. (همان منبع)

۱۷- آزمون فرضیه

– به نظر می‌رسد بین میزان سواد رسانه‌ای و میزان استفاده از اطلاعات سلامت شبکه اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱-۱): رابطه سواد رسانه‌ای زنان و اطلاعات سلامت از شبکه اجتماعی

متغیر	اطلاعات سلامت
سواد رسانه‌ای	همبستگی ۰,۱۴۷
	سطح معناداری ۰,۰۰۵
	تعداد ۳۸۴

جدول شماره (۱-۱) رابطه میان سواد رسانه‌ای زنان و اطلاعات سلامت از شبکه اجتماعی را به نمایش می‌گذارد این رابطه با معناداری دو دامنه در سطح ۰,۰۰۵ معنادار است. ۰,۱۴۷ شدت رابطه میان سواد رسانه و اطلاعات سلامت است.

– به نظر می‌رسد بین میزان سواد سلامت و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۲-۱): رابطه سواد سلامت نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی

متغیر	نوع استفاده از اطلاعات سلامت
سواد سلامت	همبستگی ۰,۳۲۴
	سطح معناداری ۰,۰۰۰
	تعداد ۳۸۴

جدول فوق رابطه میان سواد سلامت و نوع استفاده از اطلاعات سلامت در شبکه اجتماعی را به نمایش می‌گذارد این رابطه با معناداری دو دامنه در سطح ۰,۰۰ معنادار است. شدت رابطه میان سواد سلامت و اطلاعات سلامت ۰,۳۲ است

– به نظر می‌رسد بین سن و میزان استفاده از اطلاعات سلامت شبکه اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۳-۱): رابطه سن و مقوله بندی سواد سلامت

سواد سلامت	جنسیت	مجموع
------------	-------	-------

1. Sample
2. Validity
2. Reliability

	۳۰-۵۰ ساله	۱۵ تا ۳۰ ساله	
کم	۱,۱	۱,۱	۲,۲
متوسط	۳۶,۸	۵۴,۲	۹۱,۰
زیاد	۲,۵	۴,۴	۶,۸
مجموع	۴۰,۳	۵۹,۷	۱۰۰

سواد سلامت زنان ۱۵ تا ۳۰ ساله و ۳۰ تا ۵۰ ساله در گروه زنان با سواد سلامت کم بصورت یکسان و برابر با ۱,۱ درصد می باشد. ۵۴,۲ درصد ۱۵ تا ۳۰ ساله و ۳۶,۸ درصد ۳۰ تا ۵۰ ساله در گروه با سواد سلامت متوسط و ۴,۴ درصد ۱۵ تا ۳۰ ساله زنان و ۲,۵ درصد ۳۰ تا ۵۰ ساله زنان دارای سواد سلامت زیادی هستند. در رابطه سن با سواد سواد سلامت، (P. Value = 0.77) مویید این مطلب است که سواد سلامت با سن ارتباطی ندارد.

- به نظر می‌رسد بین شغل زنان و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۴-۱): رابطه شغل زنان و نحوه استفاده اطلاعات سلامت (رفتن به کانال ها و گروه های شبکه اجتماعی)

مجموع	جنسیت		رفتن به صفحات سایت بدون استفاده از موتورهای جستجو
	کارمند	خانه دار	
۰,۳	۰,۳	۰,۰	نامشخص
۶,۲	۳,۴	۲,۸	همیشه
۱۲,۱	۵,۱	۷,۱	اغلب
۲۸,۰	۸,۰	۱۹,۰	گاهی
۳۰,۸	۱۱,۰	۱۹,۸	بندرت
۲۲,۶	۱۲,۱	۱۰,۵	هرگز
۱۰۰	۴۰,۴	۵۹,۶	مجموع

همانطور که در جدول شماره (۴-۱) مشاهده می شود خانه دار به ندرت (۳,۳ درصد) به صفحات مشخصی بدون کانال ارتباطی شبکه اجتماعی مراجعه می کنند. این در حالیست که این نسبت برای زنان شاغل (۲۳,۱ درصد) می باشد. از طرف دیگر خانم های خانه در همیشه و اغلب ۹,۹ درصد به صفحات مذکور رجوع می کنند و زنان کارمند ۸,۵ درصد همیشه و اغلب به این صفحات بدون استفاده از کانال ارتباطی شبکه اجتماعی مراجعه می کنند. زنان و نحوه استفاده از اطلاعات سلامت (رفتن به صفحات شبکه اجتماعی) با P. Value = ۰,۰۱ رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین تحصیلات و نوع استفاده از اطلاعات سلامت فضای مجازی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۵-۱): رابطه تحصیلات و نوع استفاده از اطلاعات سلامت در شبکه اجتماعی

مجموع	رشته					سواد سلامت
	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	دیپلم	زیر دیپلم	
۲,۲	۰,۳	۰,۸	۰,۵	۰,۳	۰,۳	کم
۹۱,۱	۲۲,۴	۲۵,۳	۲۱	۱۰,۰	۱۲,۴	متوسط
۶,۷	۳,۲	۱,۱	۰,۸	۰,۸	۰,۸	زیاد
۱۰۰	۲۵,۹	۲۷,۲	۲۲,۴	۱۱,۱	۱۳,۵	مجموع

در جدول فوق سطح تحصیلات زن کاربر در شبکه اجتماعی عبارتند از: زیر دیپلم، دیپلم ۰,۳ درصد و کارشناسی ارشد ۰,۸ درصد و کارشناسی ۰,۵ درصد پاسخگویان را شامل می شود. رشته زیر دیپلم ۱۲,۴، دیپلم ۱۰,۰، کارشناسی ۲۱، کارشناسی ارشد ۲۵,۳، دکتري ۲۲,۴ درصد پاسخگویان سطح متوسط را شامل می شود. ۰,۸ درصد پاسخگویان مقطع زیر دیپلم تا کارشناسی، ۲,۴ کارشناسی ارشد؛ ۱,۱ درصد مقطع دکتري و ۳,۲ درصد پاسخگویان زنان شهرستان محمود آباد سواد سلامت بالا دارند. میان مقوله بندی سواد سلامت و تحصیلات زنان شهرستان محمود آباد با (P. Value = ۰,۳۹) رابطه وجود ندارد.

نتایج تحقیق

در عصری که اطلاعات با جستجوی ساده در دسترس همگان قرار دارد، استفاده و رضامندی اهمیت بسیاری در فعال بودن مخاطب و انتخاب رسانه دارد. از آنجا که مخاطب خود به دنبال جستجوی اطلاعات مرتبط با نیازهای شخصی‌اش می‌باشد و به عبارت دیگر فعالانه می‌جوید و فعالانه استفاده می‌کند، این اطلاعات اثر قدرتمندی بر فرد خواهد داشت. لذا برای موثرتر کردن اثرات مثبت و کاهش اثرات منفی، مخاطبان می‌بایستی از سواد رسانه‌ای و سواد سلامت کافی برخوردار باشند تا در مواجهه با اطلاعات، هوشمندانه ارزیابی کنند و تصمیم‌گیری نمایند.

از آنجا که حدود ۶۰ درصد زنان بیش از دو ساعت زمان را در شبکه اجتماعی می‌گذرانند و حدود نیمی از زنان کاربر حرفه‌ای هستند لذا از نظر استفاده و دسترسی در سطح قابل قبولی هستند این موارد بر نظریه استفاده و رضامندی تاکید می‌نماید. بنابر این نظریه، مخاطب تصمیم‌گیرنده فعال در مواجهه با رسانه است. چنانچه مشاهده شد سطح سواد رسانه‌ای، سواد سلامت و استفاده از اطلاعات سلامت در شبکه اجتماعی بیش از ۹۰ درصد زنان متوسط به بالا می‌باشد، این نتایج موید «نظریه استفاده و رضامندی» است زیرا این نظریه معتقد است که افراد به طور آگاهانه به گزینش و جستجوی رسانه‌ها و محتوایی می‌پردازند که جوابگوی نیازها و علائق آنان باشد و این نیازها و علائق تحت تاثیر عوامل اجتماعی و روانشناختی و نیز رقابت رسانه‌ها قرار دارد.

اطلاعات سلامت باید مرتبط، مناسب، به موقع، به روز، قابل فهم و به معنی واقعی دقیق باشد. از طرفی شناختن ارزش اطلاعات سلامت مستلزم شناخت اهمیت سواد سلامت است. کوشش‌ها در این زمینه باید مصروف سواد سلامت و سواد رسانه‌ای گردد تا افراد بتوانند درک، جستجو، انتخاب و استفاده از اطلاعات درست سلامت را فرا گیرند و مغلوب تبلیغات پیچیده نگردند. در رابطه سن با سواد سلامت، ($P. Value = 0.77$) موید این مطلب است که سواد سلامت با سن ارتباطی ندارد. بین شغل زنان و نحوه استفاده از اطلاعات سلامت (رفتن به صفحات شبکه اجتماعی) با $P. Value = 0.01$ رابطه وجود دارد. میان مقوله بندی سواد سلامت و تحصیلات زنان شهرستان محمود آباد با ($P. Value = 0.39$) رابطه وجود ندارد. طبق نتایج بدست آمده می‌توان گفت بین سواد رسانه‌ای و سواد سلامت رابطه وجود دارد.

پیشنهادهات

در زیر برخی از پیشنهادهات کلان ارائه می‌گردد محققین می‌توانند با تحدید هر چه بیشتر موضوع در این زمینه به فعالیت بپردازند.

- بررسی سرفصل‌های آموزشی مورد نیاز برای تدریس سواد رسانه‌ای
- بررسی سواد رسانه‌ای زنان شهرستان محمود آباد در مازندران
- بررسی در زمینه سواد رسانه‌ای و سواد سلامت در سایر گروه‌های جامعه
- بررسی علل و عوامل سطوح مختلف سواد رسانه‌ای

پیشنهادهات عملی

- توسعه اطلاعات سلامت به زبان فارسی در شبکه اجتماعی
- تلاش برای آموزش سواد رسانه‌ای و سواد سلامت به عموم مردم

منابع

- ایران پور، پرستو (۱۳۸۹)، میزان سواد رسانه ای و نقش آن در استفاده از رسانه های تعاملی بررسی رفتار ارتباطی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی
- اینگرید و ریکمایر (۱۳۸۲)، ضرورت آموزش رسانه، ترجمه محمدرضا حسن زاده، تهران: فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۳، سال دهم
- بصیریان جهرمی، حسین و بصیریان جهرمی، رضا (۱۳۸۵) "درآمدی به سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی" فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۵۰ - ۳۲
- پاتر، جیمز (۱۳۸۵)، تعریف سواد رسانه‌ای، ترجمه لیدا کاووسی، تهران: فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره چهار، صفحه ۲۰
- پاتر، جیمز (۱۳۹۱)، مبانی سواد رسانه‌ای، ترجمه صدیقه بیران (و دیگران)، تهران: نشر تاویل، چاپ اول
- سلطانی فر، (۱۳۸۶) تحلیل وضعیت سواد اینترنتی دانش آموزان سال سوم دبیرستان ۱۳۸۵ در مقایسه با مربیان و والدین شهر تهران
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۵) ، سواد رسانه‌ای یک مقاله عقیده‌ای، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره ۴، صص: ۳۱-۲۷
- قاسمی، طهمورث (۱۳۸۵). سواد رسانه‌ای؛ رویکردی نوین به نظارت رسانه‌ای، تهران: فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۸۸
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۹) نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی، تهران: نشر همشهری، چاپ اول
- Bergsma, Lynda.(2011). Media Literacy and Health Promotion for Adolescents. Journal of Media Literacy Education 3:1 (2011) 25 – 28
- Brown, Jane D.& Knight, James L.(2006). Media Literacy Has Potential to Improve Adolescents' Health. Journal of Adolescent Health 39 (2006) 459–460
- Hobbs, R. (2004). A Review of School-based Initiative in Media Literacy
- Semali, Ladislaus, (2003). Ways with Visual Languages: Making the Case for Critical Media Literacy

سایت ها

- <http://www.hamshahrtraining.ir>
- www.itc.ir
- <http://hamshahrionline>.

گردشگری فرهنگی راهبردی جهت تقویت هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۳۰

کد مقاله: ۳۵۴۸۹

محسن جان پرور^۱، ریحانه صالح آبادی^۲، معصومه مهدی^۳

چکیده

هویت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان و به معنای همانندی اعضا با یکدیگر است. می‌توان بیان نمود، هویت قومی و ملی نمونه‌هایی از هویت جمعی هستند. افراد می‌توانند با عضویت در گروه‌های مختلف، هر یک از سطوح هویت را داشته باشند. در این بین رابطه بین گردشگری و هویت ملی مورد توجه اندیشمندان بسیاری بوده است؛ زیرا توسعه گردشگری فرهنگی خود به تقویت هویت ملی در جوامع چند قومیتی منجر می‌گردد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش طیف لیکرت به بررسی نقش گردشگری فرهنگی به عنوان راهبردی برای تقویت هویت ملی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که عواملی مانند آداب و رسوم، پیشینه تاریخی، عامل سرزمین، مذهب، هنر، ادبیات و ... می‌تواند نقش بسزایی در گردشگری فرهنگی و تقویت هویت ملی ایفا نماید. در این بین می‌توان براساس یافته‌های میدانی بیان نمود که مهم‌ترین عواملی که سبب تقویت هویت ملی در ایران می‌گردد بدین صورت است: آثار باستانی با وزن ۲۰۰، پیشینه تاریخی ۱۹۳، آثار ادبی ۱۹۲ و هنر ۱۹۰،۵ است و کمترین عوامل تقویت کننده هویت ملی شامل نژاد ۸۸ و مذهب شیعه ۹۸،۵ می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت، توسعه گردشگری و ارتباط میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف خود می‌تواند منجر به آشنایی اقوام و فرهنگ‌ها با یکدیگر و در نهایت تقویت همبستگی ملی گردد.

واژگان کلیدی: گردشگری، گردشگری فرهنگی، هویت ملی، جمهوری اسلامی ایران

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

امروزه حکومت‌های ملت- پایه مدرن در مقایسه با امپراتوری‌ها و حکومت‌های نوع قدیم اساس حکمروایی خود را بر همگنی و انسجام بیش از پیش ملی قرار داده‌اند و این گونه حکومت‌ها می‌کوشند با اعمال سیاست‌هایی معین این همگنی و انسجام را افزایش دهند و بدین ترتیب اتحاد و همبستگی ملی را قوام بخشند. جمهوری اسلامی ایران نیز با آنکه از یک پیشینه دولتی دیرین و هویت دیرپای ایرانی برخوردار بوده است، با تکیه بر این سابقه، روش‌های مدرن دولت- ملت‌سازی را در پیش گرفته است و از زمان تشکیل دولت مدرن که نزدیک به صد سال می‌گذرد؛ پیوسته سعی شده است، سیاست‌ها به گونه‌ای تنظیم شود و به اجرا آید که خدشه‌ای در این وحدت به وجود نیاید و این بنیان مرصوص همچنان پایدار بماند. در کنار این موضوع آنچه در مورد ایران حائز اهمیت است موقعیت جغرافیایی و راهبردی ایران است. تنوع جمعیت ایران و خطرهای بالقوه‌ای که از جانب برخی از کشورهای همسایه و نیز قدرت‌های بزرگ ما را تهدید می‌کند، ما را وادار می‌دارد که بیش از سایر کشورها نسبت به وحدت ملی و لزوم تقویت هویت ملی حساسیت به خرج دهیم (فرجیان، ۱۳۹۳: ۴). همچنین مسائل ناشی از جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات که به صورت‌های مختلف هویت‌های ملی را در دو جهت فراملی و فروملی به چالش کشیده است که این نیز بر ضرورت توجه به هویت ملی و تلاش جهت تقویت آن را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد. جهت دستیابی به این مهم راهبردهای متفاوتی از سوی حکومت‌ها با هزینه‌های بالا برای کشور، در پیش گرفته شده است که برخی توانسته‌اند مفید واقع شوند و برخی دیگر موفقیت قابل‌ی را به همراه نیاورده‌اند. در این میان یکی از راهبردهایی که می‌تواند با کمترین هزینه و حتی با ایجاد بستری برای کسب درآمد زمینه تقویت هویت ملی را فراهم آورد، استفاده و بهره‌گیری از راهبردی توسعه گردشگری در فضای کشور است. به این صورت که، انسان موجودیست اجتماعی و تمامی رفتارهای انسانی به نوعی در ارتباط با جمع است. در کنار یکدیگر قرار گرفتن آدمیان، زمانی می‌تواند نیروی مؤثری ایجاد نماید که در میان آنها رابطه‌ای همبسته، به هم پیوسته و اندام وار حاکم باشد (میرمحمدی، ۱۳۷۷: ۵۹). گردشگری که در دنیای قدیم منحصر به امور زیارت، پیام رسانی، مسافرت‌های استثنایی جاسوسان و ماجراجویان و همچنین طالبان علم بود، امروزه به مثابه یکی از مسائل مهم و مؤثر اقتصادی و یکی از عوامل برجسته ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهانی در خور و توجه و بررسی است (karar, 2001: 100). در واقع گردشگری به مثابه صنعتی مؤثر و تأثیرگذار بر جوامع توانسته است توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کند. این صنعت، فعالیتی گسترده است که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی مهمی را با خود به همراه دارد و هر یک در جای خود قابل بحث و بررسی است. در بسیاری از کشورهای جهان که به توسعه گردشگری پرداخته‌اند، تأثیرات در خور توجهی بر اقتصاد مشاهده می‌شود (حاجی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲). از سوی دیگر، گردشگری در ساخت جهانی سرشار از صلح و صفا بسیار مفید و مؤثر است. سیر و سفر انسان‌ها به نقاط مختلف دنیا موجب انس و الفت ملت‌ها می‌شود و به مردم جهان می‌فهماند که به رغم تفاوت‌های فرهنگی و نژادی، می‌توانند در بسیاری از جنبه‌های زندگی، هماهنگ و متحد باشند. با این تفاسیر مداخله دولت در امور جهانگردی امری انکارناشدنی است و بهره‌برداری پایدار از تمام ظرفیت‌های گردشگری تنها در سایه قواعد اصولی و قانونی امکان‌پذیر است. به عبارتی، صنعت گردشگری بدون مداخله دولت‌ها قادر به بقای خود نیست، زیرا تنها دولت‌ها هستند که توان تأمین ثبات و امنیت را دارند (افضلی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). در میان انواع مختلف گردشگری، گردشگری فرهنگی به عنوان بعد جدیدی از گردشگری ضمن دارا بودن جنبه اقتصادی دارای برتری قابل توجهی در زمینه ایجاد تعامل بین ملت‌ها و افراد چه در درون کشور در قالب تقویت هویت ملی و چه با سایر کشورها در قالب همدلی می‌باشد. با وجود این ظرفیت‌ها، متأسفانه توجه خاصی به گردشگری فرهنگی جهت ایجاد و تقویت هویت ملی همدلی و انسجام در میان گروه‌های قومی حاضر در فضای یک کشور صورت نگرفته است. بر این مبنا، مقاله حاضر سعی دارد گردشگری فرهنگی را در قالب راهبردی جهت تقویت همدلی میان گروه‌های قومی در درون مرزهای کشور در نظر بگیرد. در این بین جمهوری اسلامی ایران، یکی از غنی‌تر فرهنگ‌های قومی را با دارا بودن تعدد گروه‌های قومی دارا می‌باشد، گروه‌های قومی که باوجود تفاوت‌های فرهنگی اعتقادی زبانی و نژادی و محیطی همیشه و در همه جا دارای اقتدار و همبستگی بوده‌اند که آنرا در تمامی اعصار تاریخی می‌توان مشاهده نمود، می‌توان از راهبرد گردشگری فرهنگی جهت ایجاد همدلی در بین گروه‌های قومی بهره برد. زیرا، سیر و سفر و گردش و به‌طور کلی مقوله گردشگری به شکل صحیح آن علاوه بر وجود فواید بسیار می‌تواند به ایجاد شناخت مؤثر نسبت به محیط و ساکنان مقصد گردشگری برای گردشگر گردد که این خود سبب ایجاد همدلی و درک بیشتر متقابل افراد و گروه‌های قومی نسبت به یکدیگر می‌شود. این موضوع از جهات فراوانی بر زندگی و هویت یک کشور تأثیر گذار است که از جمله آن می‌توان تأثیر آن بر امنیت کشور، اقتصاد خرد و کلان کشور، فرهنگ و هویت قومی نام برد. اما تمامی این امور میسر نیست مگر با ایجاد همدلی بین گروه‌های قومی مختلف که این خود خواستار شناخت کافی می‌باشد که این شناخت حاصل نمی‌گردد مگر با سفر و حضور در مکانها و برقراری ارتباط با مردمان ساکن در آنجا. در واقع پرسش و مسئله‌ی اصلی این است که آیا می‌توان از گردشگری فرهنگی به عنوان راهبردی جهت تقویت هویت ملی در کشور بهره برد؟ بر

این مینا، مقاله حاضر تلاش دارد متناسب با عوامل شکل دهنده هویت ملی کشور، جایگاه گردشگری فرهنگی را در شکل دهی و تقویت هویت ملی کشور مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۲- مباحث نظری تحقیق

۲-۱- گردشگری فرهنگی

فرهنگ در گردشگری موثر است و جاذبه اصلی آن به شمار می‌رود. نظریه قدرت نرم جوزف نای که در قرن بیستم مطرح شده، در واقع پاسخی به توسعه بین‌المللی و براساس سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفت. نقطه عطف این نظریه، نارضایتی نسبت به قدرت توضیحی بود که توسط واقع‌گرایان در الگوهای قدرت روابط بین‌الملل مطرح شده بود. وی بیان می‌کند که واقع‌گرایی بر قدرت سخت متکی است در حالیکه که در جهان امروز، فرهنگ، سیاست، ارزش‌ها در امور بین‌الملل نقش مهم‌تری ایفا می‌نمایند و براین اساس کشورها باید منبع جدیدی از قدرت را درک و فهم می‌نمایند. (Lin, 2017: 69). گردشگری فرهنگی با گردشگری قومی و تنوع قومی عجین بوده و به‌طور کلی به تأثیر آن بر توسعه‌ی جوامع مربوط می‌شود. گردشگران فرهنگی با انگیزه‌هایی چون، علاقه به تاریخ، شناخت روحیه‌های ملت‌ها، افزایش دانش فرهنگی و پژوهش درباره‌ی یک موضوع تاریخی به مسافرت می‌پردازند (پوراحمد، ۱۳۹۲: ۳). به بیانی دیگر، گردشگری فرهنگی اهداف مختلفی را از جمله، ایجاد گفت و گو میان دست‌اندرکاران محیط زیست با دست‌اندرکاران گردشگری درباره اهمیت شکنندگی مکان‌های میراثی و فرهنگ‌های زنده، تشویق برای ایجاد طرح و راهبرد جامع و تبیین مکان‌های میراث و حفظ آنها دنبال می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹: ۲۶۴). باید توجه کرد که، گردشگری فرهنگی را می‌توان به دو شاخه مهم گردشگری میراث و گردشگری دینی (زیارتی) تقسیم کرد. گردشگری میراث و تاریخی در عصر پسامدرن، به دلیل ایجاد یک حس دلتنگی بیشتر در شرایط هویت فرهنگی و اجتماعی مختلف، دارای اهمیت ویژه‌ای است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). از منظری دیگر، هنگامی که گردشگر محیط زیست علاوه بر جستجو در محیط طبیعی و شناخت ویژگی‌های آن، به یادگیری و یا شناخت فرهنگ مردم بومی (از طریق ارتباط مستقیم و یا از طریق شواهد زندگی آن‌ها) در محیط طبیعی زندگی آن‌ها اقدام کند، نوعی از گردشگری فرهنگی به فعلیت رسیده است که به آن گردشگری قومی نیز اطلاق می‌شود. در این گونه از گردشگری، اقلیت‌های قومی، نژادی و محلی، فرهنگ خود را در محیط طبیعی خود به گردشگران معرفی می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۶). در گردشگری فرهنگی، هدف اصلی گردشگر دیدن جلوه‌های فرهنگی یک مقصد از قبیل مراسم، رفتارها، نمایشگاه‌ها، هنر و موسیقی آن است. در مناطق در حال توسعه، اماکن مذهبی یا کارگاه‌های صنایع دستی از جمله جاذبه‌های فرهنگی برای گردشگران است (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۵). گردشگری فرهنگی امکان گسترش در همه جا را دارد، چون همه‌ی مناطق فرهنگ دارند (موسوی‌حاجی، ۲۰۱۰: ۵). یونسکو گردشگری فرهنگی را به عنوان یکی از عناصر محافظت از میراث فرهنگی جهانی اعلام کرده است. کمیسیون اروپا از گردشگری بعنوان یک صنعت اصلی حمایت می‌کند و در بسیاری از قسمت‌های جهان از آن به عنوان یک وسیله حیاتی در جهت حمایت اقتصادی از فعالیت و آداب و سنن محلی یاد می‌کنند. (Richards, 2007:121)

۲-۲- هویت ملی

امروزه مسأله هویت خصوصاً هویت ملی در ابعاد و سطوح مختلف و همچنین دگرگونی‌های آن در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار داشته و دل مشغولی زیادی برای اندیشمندان و جوامع ایجاد کرده است. بدون هویت ملی، نمی‌توان از وجود اجتماع یا هویت اجتماعی صحبت کرد. یعنی بدون وجود چارچوب‌های مشخصی که شباهت و تفاوت‌ها را مشخص سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را میان خود نخواهند داشت (میرحیدر، ۱۳۹۲: ۲). هویت ملی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی، زاده عصر مدرن اروپاست که از قرن ۱۷ آغاز می‌شود. این مفهوم از اواخر قرن نوزدهم به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته، راه پیدا کرده است به همین دلیل می‌توان شکل‌گیری هویت ملی را با شکل‌گیری ملت به معنای امروزی آن مقارن دانست (علم، ۱۳۸۶: ۹۸-۸۱). هویت ملی عبارتست از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد آن نسبت به آنها، خودآگاهی یافته و به واسطه آنها احساس یگانگی و تعلق به یکدیگر می‌کنند. هویت ملی باعث تمایز یک ملت از دیگران شده و موجبات معرفی آن را فراهم می‌آورد. هویت ملی بر پایه خصوصیات سرزمینی، فرهنگی، تاریخی، دینی، قومی، نژادی و غیره شکل می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۱) و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای یک ملت می‌گردد، و بخش پر اهمیتی از موجودیت روحانی بشر شمرده می‌شود. احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن به ویژگی‌های محیطی و فرهنگی آن محیط جغرافیایی ویژه بخش پر اهمیتی از وجود روحانی بشر شمرده می‌شود به این ترتیب، یک کشور هنگامی زنده است و مستقل که در درجه نخست شخصیت ملی مستقلی داشته باشد. شخصیت نو هویت ملی یک ملت هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که تار و پود یا پدیده‌های ترکیب کننده آن یعنی نهادهای فرهنگی و روحانی ویژه آن

ملت یا کشور موجود باشد. این نهادها در هر سرزمین زائیده گونه ویژه‌ای از تبادل اندیشه‌ها، سلیقه‌ها، باورها و رویکردهای اجتماعی مردمان آن سرزمین است که از فضای انسانی- اجتماعی ویژه آن محیط سرچشمه می‌گیرد و بر همان فضا سایه افکنده و ضامن یکپارچگی آن است و شناسنامه یا «هویت» آن فضا شناخته می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۲۸). به عبارت روشن تر هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی و کشور است (حیدری، ۱۳۸۳: ۵۰).

۲-۳- عوامل شکل دهنده هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

از منظر یک جغرافیدان هویت ملی هویتی است که در فضایی خاص و در قالب کشور شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر یک کشور فضایی است که از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است و و انسان خود را با آن می‌شناسد. طبق این دیدگاه هر کشوری به تناسب زمان، مکان و ویژگی‌های انسانی - محیطی و جهان بینی حاکم بر آن از هویت خاص و متفاوتی برخوردار است. براین اساس هویت ملی شامل مجموعه‌ای از خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت مستقل می باشد که افراد ملت نسبت به آنها خودآگاهی یافته اند و به واسطه آنها به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۷). با آنکه هویت ملی به معنای امروزی آن پدیده تازه‌ای است و هویت ملی امروز ایرانیان نیز از دوران مشروطیت و به خصوص در دوران پهلوی شکل گرفته اما نوعی هویت جمعی با تصور ایرانی بودن در معنای یکپارچه سیاسی، قومی، دینی، زبانی، زمانی و مکانی آن در دوران ساسانیان ساخته و پرداخته می‌شود. مفهوم هویت ایرانی در دوران اسلامی نیز با نشیب و فرازهایی پایدار ماند، در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایرانیان متجلی گردید (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۹). عناصر سازنده هویت ملی ایران را می‌توان برحسب تداوم و اهمیت به شرح زیر دانست:

تاریخ ایران

سرزمین و جغرافیا

میراث سیاسی و نهاد دولت

میراث فرهنگی ایران

جامعه و مردم ایران

دین و میراث معنوی ایران (احمدی: ۱۳۸۲، ۱۵-۲۶).

یکی از کامل‌ترین تقسیم‌بندی‌ها را حافظ‌نیا در کتاب جغرافیای سیاسی ایران مطرح کرده که شامل موارد ذیل می‌شود: سرزمین مشترک ایران، تاریخ مشترک ایران، زبان فارسی و شعبات فرعی ایران، فرهنگ عامه ایرانی شامل آداب و رسوم، سنت‌ها میراث و نمادهای فرهنگی مانند تخت جمشید، هنرهای بومی و سنتی ایرانی، میراث ادبی و معنوی ایرانی، میراث علمی و معرفت‌شناسی ایرانی، مذهب تشیع، نمادهای ملی ایرانی، نشان ملی، پول ملی، نام کشور ایران و حکومت ملی (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶).

۲-۴- راهبرد

استراتژی که به فارسی راهبرد معنا شده است از کلمه استراتگوس به معنای فرمانده لشکری و کشوری مشتق شده است. در زمان جنگ‌های ایران و روم کسی که در رأس ده‌هنگ پیاده نظام قرار می‌گرفت استراتگوس نام داشت. فنونی که یونانیان و رومیان برای پیروزی در جنگ به کار می‌بردند، در حقیقت نوعی حیل نظامی بود که استراتژم نامیده میشد. به همین علت قدیمی‌ترین تعریفی که از واژه راهبرد می‌توان یافت این است که: راهبرد یعنی هنر فرماندهان در زمینه تدبیرها و حیل‌های نظامی و فرماندهی جنگ (پیردشتی، ۱۳۸۵: ۳۱). راهبرد صرفاً یک موضوع تئوریک نیست، بلکه بین تئوری و عمل پیوند برقرار می‌کند. یکی از جنبه‌های مهم راهبرد این است که از یک طرف تحولات را مهار می‌کند و از طرفی دیگر تولید رفتارهای جدید میکند. چون یکی از مشکلات اساسی در دوران حاضر پیچیدگی و سرعت تحولات است. یکی از نقش‌های راهبردی این است که جریان‌ات غیر خطی را به خطی تبدیل میکند و با ایجاد رفتارهای جدید امکان پیشی گرفتن از رقبا را فراهم می‌آورد (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۵۲).

۳- روش تحقیق

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات مربوط به بخش نظری پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری گردیده است. داده‌های بخش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب، مقالات و سایت‌های معتبر اینترنتی گردآوری شده است. در روش میدانی از پرسشنامه استفاده گردیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به روش پرسشنامه‌ای به صورت زیر عمل شده است: پرسشنامه ارائه شده برای گردآوری اطلاعات میدانی شامل ۲۶ سوال می‌باشد که این پرسش‌ها بر

اساس عوامل شکل دهنده هویت ملی جمهوری اسلامی ایران در قالب طیف لیبرت تنظیم گردیده است. هر کدام از پرسش‌ها تأثیرگذاری گردشگری فرهنگی را عوامل شکل دهنده هویت ملی را مورد بررسی قرار داده‌اند. جامعه آماری انتخاب شده برای پاسخ گویی به این پرسشنامه شامل دو گروه می‌باشد، که عبارتند از صاحب‌نظران دانشگاهی (شامل اساتید و دانشجویان رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ...) و شهروندان. نمونه براساس روش تصادفی و به تعداد ۴۰ نفر انتخاب گردید.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- داده‌های کتابخانه‌ای

۴-۱-۱- سرزمین

کلمه سرزمین از terra گرفته شده که لفظی لاتین بوده و به معنای زمین است (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴). معنای رایج سرزمین بخشی از فضای اشغال شده به وسیله یک فرد، گروه، اقتصاد محلی یا حکومت است. همیشه سرزمین به معنای فضای اجتماعی محدود شده ای است که به وسیله گروه های اجتماعی گوناگون و به دلیل پیامد استراتژی‌های سرزمین سازی اشغال و مورد استفاده واقع می‌گردد. گرچه هر شخصی سعی می‌کند که به دلیل تمایلات غریزی که دارد، حریم شخصی خود را حفظ نماید. مفهوم سرزمین اگرچه به نظر به صورت ساده انگارانه ای فقط به قلمرو حکومت تقلیل یافته است ولی واقعیت آن است که به غیر از حکومت- ملت، گروه های اجتماعی، سازمان های سیاسی، اقوام، گروه های بومی و از نظر تاریخی قبیله ها، امپراطوری ها، جنبش های ضد استعماری نیز دارای سرزمین بوده و یا ادعاهای سرزمینی دارند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴). سرزمین بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت برابری پیدا می‌کند. این مفهوم گستره فیزیکی و حمایت سیاسی است که یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. این مفهوم، پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند که در حکومتی ملتی و یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد، قوام می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۴۵). ایران کشوری در جنوب غرب آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت و برپایه سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی حدود ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر است. ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به دریای خزر یا دریای کاسپین و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود که دو منطقه نخست از مناطق مهم هم استخراج نفت و گاز در جهان هستند (<https://fa.wikipedia.org>). طبیعت ایران بسیار متنوع، گوناگون و شگفت انگیز است. ناهمواری‌ها، شرایط اقلیمی، گیاهان و جانوران آن که به تعبیری جغرافیای طبیعی و زیستی را شامل می‌شوند کنار یکدیگر مجموعه ای را تشکیل داده اند که می‌توان آن را در سراسر دنیا کم نظیر دانست. وجود کوه های بلندی که همیشه پوشیده از برف است تا جلگه‌های گرمسیری مشرف به خلیج فارس و دریای عمان از یک سو و جنگل‌های مرطوب گیلان و مازندران تا بیابان‌های فراخشک لوت از دیگر سو به علاوه مجموعه تضادهای اقلیمی، توپوگرافی و زمین شناسی سبب پیدایش طیف وسیعی از انواع اکوسیستم‌ها در این سرزمین شده است. این عناصر در کنار گونه های جانوری، گیاهی و چشم‌اندازهای خاص ایران، قابلیت‌ها و ویژگی‌های طبیعت کشور را دو چندان کرده است (محبی، ۱۳۸۶: ۲۵). ایران سرزمین وسیعی است که بخش‌هایی از مناطق جنب حاره و معتدله زمین را اشغال کرده است و اقلیم آن تحت تاثیر عوامل مختلف جغرافیایی است و علی‌رغم یک نوع وحدت و همگونی اقلیمی از نواحی آب و هوایی متعددی برخوردار است (بلادپس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۰). آب و هوا به عنوان یکی از مهم ترین عوامل موثر در تشکیل چشم‌اندازهای ناحیه ای به دلیل وابستگی آن به شرایط ارتفاعی و موقعیت جغرافیایی در ایران از تنوع زیادی برخوردار است (بلادپس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۱). ایران کشوری است که از فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده و مردم کشور فارغ از اختلاف در قومیت، مذهب و زبان همگی ملت ایران را تشکیل داده‌اند (پورموسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۷). در برخی از مناطق گروه هایی از یک فرهنگ در ناحیه فرهنگی خاصی در اقلیت هستند و در احاطه گروه فرهنگی مسلط زندگی می‌کنند که ما این مناطق را جزایر فرهنگی می‌نامیم. ترک‌ها، کردها و بلوچ‌ها که اقلیت قابل توجهی را در خراسان تشکیل می‌دهند به همراه قشقایی‌ها در ناحیه فرهنگی فارس و اعراب در بندر چارک در هرمزگان از این نوعند. در بسیاری از مناطق نیز فرهنگ یک منطقه جغرافیایی ویژگی‌هایی از دو فرهنگ مجاور خود را دارد مانند جنوب کرمان که ویژگی‌های فرهنگی بلوچستان و هرمزگان را دارد؛ همچنین لک‌ها در استان ایلام که ویژگی‌هایی از فرهنگ لری و کردی را دارا هستند. این مناطق را می‌توان مناطق گذار فرهنگی تعبیر کرد (پورموسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۰).

۴-۱-۲- نام ایران

نام هر کشور در ایجاد هویت و چهارچوب مناسب برای یکپارچگی و وحدت ملی موثر است. انتخاب نام معنی دار به طوری که چترکامل و پوشش فراگیری برای افراد ملت ایجاد کند تا همه یا اکثریت قاطع جمعیت ساکن در سرزمین خود را متعلق به آن بدانند، یک امر اساسی است و باید توجه دولتمردان کشور بدان معطوف باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۹۰).

نام ایران خاستگاهی قومی دارد و معرف قوم و نژادی است که براساس نظریه های باستان شناسی و تاریخی، اجداد و نیاکان ساکنان سرزمین ایران بوده اند. این قوم که به آریایی ها معروفند در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد وارد فلات ایران شدند و از طریق محو کردن یا راندن تمدن های پراکنده و کوچک بومی و یا ادغام در آنها، تمدن و فرهنگ جدیدی را در سرزمین ایران مستقر ساختند که در دوره های بعد به درجاتی از تکامل نایل آمد و هویت سکنه سرزمین ایران را شکل داد. واژه ایران از دوره ساسانی رواج یافت و پس از اسلام نیز به طور گسترده استفاده می شد (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۰). اقوامی که بخش های بزرگی از آنها از جایی در گذشته های دور آمده بودند و خود را از تیره ایر می دانستند، جمع آن را ایران خواندند که هم نام سرزمینشان شد و هم نام مردمانش و آنانی را که بیرون از آن دایره بزرگ بودند، انیران یعنی غیر ایران نامیدند (مجلسی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). در دوره خلافت اسلامی واژه ایران حتی به معنای جغرافیایی آن رایج نبود، جغرافیدانان نیز همچون تاریخ نگاران آن را نادیده گرفته بودند. به نظر می رسد که با فروپاشی امپراطوری ساسانی به دست اعراب در قرن دوم هجری قمری واژه ایران شهر نیز برافتاد و در تاریکی های تاریخ گم شد و اصطلاح دارالاسلام به طور کامل جای آن را گرفت، آنگاه نام های گوناگونی از اقالیم ایران برجای ماند که نزد مولفان متداول بود (کروولسکی، ۱۳۷۸: ۴). ولی از دوره صفویه به بعد با تأمین وحدت جغرافیایی و سیاسی ایران، از کشور ما به زبان فارسی، همه جا به لفظ ایران یاد شده است؛ از جمله در قراردادهایی که بین ایران و کشورها یا مؤسسات خارجی به امضا رسیده است. ولی از دوره صفویه به بعد اروپاییان به مانند پیش از این دوره به زبان خود، کشور ما را فقط Perse و یا Persia می خواندند (متینی، ۱۳۸۲: ۷۷۹). این وضعیت دوگانه در اطلاق واژگان ایران و پرشیا که مدتها ادامه داشت، باعث شد که دولت ایران در زمان رضاشاه رسماً نام ایران را برای کشور برگزیند و به کارگیری آن را به جای واژه پرشیا از جامعه بین المللی خواستار شود (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۰). به طور کلی هویت ایرانی قبل از هرچیز با مفهوم ایران و ایرانشهر مقاربت پیدا می کند. مفهوم ایران دو معنای قومی و جغرافیایی را در خود دارد که چه در دوران اسطوره ای و چه اعصار تاریخی، تأثیر مهمی در قوام بخشیدن به حیات جمعی، انسجام جغرافیایی و تمرکز سیاسی این مرز بوم داشته است (قالیباف و دیگران، ۲۰۰۱: ۳۹۰).

۴-۱-۳- تاریخچه

به اعتقاد جیمز اندرسون، تاریخ منحصر به فرد ملت در چارچوب سرزمین خاص متعلق به ملت تجسم می یابد. به عبارت دیگر استمرار و تداوم تاریخی مردمان ساکن در یک فضای جغرافیایی دلیل محکمی بر وجود و بقای آن مردم بوده و عامل مهمی در حفظ و یکپارچگی هویت ملی می تواند باشد و این تداوم تاریخی با تجربه تاریخی همراه است و تجربه های تاریخی مشترک از موثرترین دلایل وجودی هر کشور که همانا همبستگی ملی است به شمار می آید (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲). استمرار نهاد حکومت، بقای دیرپای کشور، آرمان مردم، فرهنگ و سایر ویژگی های خاص ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیبی شکل گرفته، آزموده شده و قوام پیدا کرده است. قرن ها همزیستی، تجربه کردن مشترک شکست ها، پیروزی ها و هزاران رویداد تلخ و شیرین تاریخ را به یکی از اصلی ترین مبانی هویت ملی و بقای کشور تبدیل شده است (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰). تاریخ یکی از عناصر مهم هویت ایرانی است. چراکه در دوران گذار از ساسانیان به بعد از اسلام، تلاش بسیاری از برای تاریخ نگاری صورت گرفت. چه از سوی ایرانیان و چه از عرب ها به فارسی و عربی. آنچه از ایران داشتند تاریخ ایران بود. تاریخ ملوک عجم و تواریخی شبیه به این. این تاریخ دو جنبه اساطیری و واقعی دارد. نکته مهم این است که کارکرد اساطیری این تاریخ بیشتر بوده است. همه کسانی که تاریخ ایران می نوشتند چه عرب و چه ایرانی، از اساطیر ایران شروع می کرده اند. دولت ایرانی هم که زنده شد و اهل قلم و ادب ایرانی که بازسازی هویت ایرانی پرداختند، پیش از هر چیز از تاریخ نوشتند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳). تاریخ مردم ایران در آنچه به دوران قبل از اسلام آن مربوط می شود ماجرای تلاش مستمر و بی وقفه ای است که قوم ایرانی از آغاز ورود به فلات ایران در راه ایجاد و توسعه فرهنگ و تمدن انسانی و پربار و در مبارزه با تهدیدهایی که از داخل و خارج محیط زندگانش نیل به این غایت را برای وی دایم با دشواری های سخت و گونه گون مواجه می کرده است بر عهده داشته است و اینکه پایان آن دوران در آغاز عهد اسلام منجر به بسط و توسعه بیشتر در ابعاد انسانی این فرهنگ گشته است نشان می دهد که گذشته باستانی قوم به رغم پندار کوتاه بینان بی حاصل نبوده است و اگر دستاورد آن در ساخت دین و دانش با آنچه در عهد اسلام عاید وی شد قابل مقایسه نیست این معنی که مولود قدرت معنوی آیین تازه است از اهمیت آن دوران چیزی نمی کاهد و پیداست که بدون توجه به آن دوران طولانی تاریخ مردم ایران در عهد اسلام را هم نمیتوان در همه ابعاد آن به درستی ارزیابی کرد (ندیم، ۱۳۷۹: ۳۷).

۴-۱-۴- زبان فارسی

زبان به عنوان ابزاری برای بیان اندیشه جزئی از میراث مکتوب و شفاهی یک ملت است. مثلاً ادبیات بخش مهمی از فرهنگ و هویت ملی یک کشور را تشکیل می دهد. در واقع بخش مهمی از فرهنگ هر ملت را میتوان از طریق زبان آن ملت انتقال داد، چون زبان به عنوان وسیله ای برای برقراری ارتباط در سطح جامعه، خود یکی از عوامل بیان و تولید فرهنگ و اندیشه

است(داوری اردکانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). نگرش مردم هر جامعه‌ای از زبان و فرهنگ آن جامعه ناشی می‌شود. به عبارت دیگر زبان و فرهنگ ارتباط بسیار مستقیمی با هم دارند. یعنی با مطالعه ظاهر و روبنای ادبیات و زبان هر ملتی می‌توان به آداب، رسوم، سنن، اندیشه‌ها و باورهای آن ملت دست یافت(پاشایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳).

زبان فارسی و تاریخ از نظر مسکوب از جمله عوامل مهم انتقال مولفه‌های فرهنگی ایران به دستگاه حکومت اعراب در ایران هستند؛ چراکه این دو عامل وجوه تمایز ایرانیان از سایر مسلمانان بوده است. او به این ترتیب ورود زبان و تاریخ به عنوان عناصر سازنده هویت ایرانی را توجیه می‌نماید. استدلال او این است که چون هنرهای ایرانی مانند نقاشی، موسیقی و رقص در اسلام جایز نبود و بنابراین این هنرها قادر به انعکاس هویت ایرانی در فضای اسلام نبودند، زبان مولفه‌ای اساسی برای ایفای این مهم شد(داوری اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰). زبان فارسی ابزار ارتباط متقابل اکثریت سکنه فلات ایران شناخته می‌شود، چنانکه حتی مردمان کشورهای افغانستان و تاجیکستان که در امتداد جغرافیایی فلات ایران قرار دارند به فارسی تکلم می‌کنند. علاوه بر این گویش‌های محلی متعلق به اقوام پیرامون ایران نیز از خانواده زبان‌های ایرانی به شمار می‌روند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی کشور و عامل مشترک ملت یاد شده است، زیرا در بین زبان‌های موجود کشور، از گستره فراگیرتری برخوردار است و اقوام مختلف نیز تا اندازه‌ای با آن آشنایی دارند، ضمن اینکه استفاده از زبان‌های محلی در کنار زبان فارسی امکان‌پذیر است(حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۸). زبان فارسی یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی است به این معنا که ایرانیان به یاری این زبان توانستند میان فرهنگ جدید اسلامی و فرهنگ باستانی خود گونه‌ای سازگاری ایجاد نمایند و به همین دلیل است که زبان فارسی، زبان دوم جهان اسلام شمرده می‌شود بر این نکته تأکید میکند که نقش زبان فارسی در تحکیم شالوده هویت فرهنگ ایرانی انکار نپذیر است و امروزه شایسته تحلیل و بررسی است(پاشایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳). زبان فارسی از راه برخورد با زبان‌های اروپایی و بازسازی خویش از این راه، ساده‌تر و دقیق‌تر شده است و در حوزه علم و فلسفه جدید آمادگی بیشتری یافته است و این توانایی حاصل کوششی است که نوآوران در زبان فارسی کرده‌اند. زبان و ادبیات فارسی با چنین پیشینه‌ای از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفته و توانسته است بسیاری از سرزمین‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد(پاشایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳).

۴-۱-۵- مذهب تشیع

مذهب به معنای احساسات و رویدادهایی که برای انسان در عالم تنهایی و در اجتماع روی می‌دهد، در گذشته یکی از عوامل موثر در تفکیک مرزهای جغرافیایی بود. در قرن بیستم نیز کم و بیش نقش‌آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و نیز زبان است. در حقیقت مذهب در کنار زبان یکی از قوی‌ترین نیروهای موثر در کشورهای مستقل کنونی محسوب می‌شود. همچنین عامل مذهب هنوز علت وجودی و بقای بسیاری از کشورها است(احمدی، ۱۳۸۹: ۴۲). شیعه در لغت به معنی اتباع و انصار آمده و اصل آن از مشایعت است که به معنی مطاوعت و متابعت می‌باشد و هر قومی که اجتماع بر امری کنند و از فردی پیروی نمایند گفته می‌شود که شیعه او هستند(الهامی، ۱۳۶۶: ۱۷۹). ولی کلمه شیعه در عرف مسلمین به تنهایی معنای عام ندارد بلکه اختصاص دارد بر گروهی که علی(ع) را یاری کردند و به او گرویدند و او را امام و پیشوای خود قرار دادند و این گروه او را دارای مقام و رتبه‌ای می‌دانند که بر همه معاصرانش بجز نبی اکرم برتری داشت(الهامی، ۱۳۶۶: ۱۸۱). اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلامند و از این حیث جزئی از قلمروی جغرافیایی وسیعتری به نام جهان اسلام محسوب می‌شود. از آنجایی که عقیده مشترک دینی و مذهبی نقش بنیادین در ایجاد همبستگی میان پیروان هر دین ایفا میکند، یکی از عوامل بنیادین ملت‌سازی در ایران، مذهب شیعه است بخصوص آنکه این ویژگی حداقل با دو عامل دیگر تقویت و پشتیبانی می‌شود. یکی در اقلیت قرار داشتن پیروان مذهب تشیع در جامعه، مسلمانان جهان و تجمع اکثریت آنها در فلات ایران، دوم گسترش جغرافیایی مناطق استقرار شیعیان در سطح کشور و انطباق آن در اکثر مناطق پیرامونی بر مرزهای سیاسی(حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۲۰). آنچه مسلم است نهال تشیع از همان روز ورود اسلام به ایران در این کشور کاشته شده و به سرعت از همان قرن‌های نخست در سراسر کشور رواج داشته است. منتهی آنچه صفویان در زمان خود انجام دادند، این بود که تشیع را مذهب رسمی خود گردانیدند(الهامی، ۱۳۶۶: ۱۷۸). قبل از طلوع سلسله جلیله صفویه مذهب شیعه در ایران رواج داشته و مردم هم به آن تمایل بوده و شاید با سلاطین سابق که غالباً سنی مذهب بوده‌اند در حال تقیه می‌گذرانیده‌اند و با ظهور سلطه این خاندان مذهب خود را آشکار کرده‌اند و شاه وقت هم سیاست خود را در ترویج مذهب اکثریت و پیروی از تمایل آنان دانسته باشد(تشید، ۱۳۲۸: ۱۳۴). از آنجا که صفویه، پیشینه صوفی‌گری داشتند و شاه نیز به عنوان مرشد کامل شناخته می‌شد، لازم بود که ضمن گسترش مبانی حکومت، تعالی شیعی و از جمله فقه آل محمد نیز در جامعه رواج یابد تا پادشاه علاوه بر مقام مرشد کامل، وجهه مذهبی و دینی عام نیز پیدا نماید. در اجرای چنین سیاستی بود که پای علمای دینی به حکومت باز شد و نه تنها عالمان و فقیهان ایرانی بلکه علمای جبل عامل نیز به منظور پر کردن خلاء فقهاتی

در دربار صفوی حضور یافتند. حضور عالمان دینی در دربار و پذیرش مناصب دولتی به تدریج وجهه مذهبی پادشاهان صفوی را افزایش داد، به صورتی که ایران به عنوان پرچمدار فقه شیعی و پادشاه نیز به عنوان مروج و حامی آن، در برابر حکومت‌های سنی مذهب ظاهر شد (ابطحی، ۱۳۸۴: ۶۴). فرهنگ تشیع علت اصلی رشد فرهنگی مردم و بلوغ نسبی این مردم می‌باشد که موجب انقلاب مشروطه و سپس انقلاب اسلامی شد. منتها این بلوغ در انقلاب مشروطه از رشد کمتری برخوردار بود، اما در انقلاب اسلامی کامل‌تر و درخشان‌تر شد. ظهور رهبر شایسته انقلاب اسلامی امام خمینی نیز به خاطر رشد فرهنگ تشیع در این مردم بود. زیرا رهبران نیز خود زاینده فرهنگ و جامعه خویشند و علاوه بر امام خمینی قاطبه علمای هم‌عصر ایشان کمک و مددکار ایشان بودند و اتحاد نسبی علمای بزرگ نعمت بزرگی بود که مردم عصر مشروطه از آن محروم بودند (ضمیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۳).

۴-۱-۶- نژاد و قومیت

سرزمین پهناور ایران از نژادها و اقوام مختلفی تشکیل شده است و هر کدام از آنها دارای هویت فرهنگی و تاریخی خاص خود می‌باشد که می‌تواند به منزله سرمایه فرهنگی و اجتماعی آن محسوب گردد (مرادی، ۱۳۹۰: ۶۵). تعدد و تنوع قومی در ایران به گونه‌ای است که می‌توان جامعه‌ای پلی اتنیک به آن اطلاق کرد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲). ایرانیان اصالتاً از نژاد آریایی و از اعقاب آریایی‌های هند و اروپایی اند که در حدود ۳۵۰۰ سال پیش وارد خاک ایران شدند. برخی از متفکران ملی‌گرای ایرانی، نظیر دکتر افشار به خلوص نژادی ایرانیان کنونی معتقدند و بر این نکته تأکید می‌ورزند که آمیزش نژاد آریایی با ترکها، مغولها، اعراب و دیگران ناچیز بوده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۱). اکثر ملت ایران فارس هستند. پس از فارس‌ها آذری‌ها فراوانی بیشتری دارند. آذری‌ها حدود ۱۵-۱۷ درصد و ترکمن‌ها حدود ۲ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. ۵-۳ درصد از جمعیت به سومین گروه قومی یعنی کردهای سنی و شیعه غرب کشور اختصاص دارد. پس از آنها به ترتیب قوم عرب در جنوب غربی کشور با حدود ۳ درصد و قوم بلوچ در جنوب شرق کشور با حدود ۲ درصد از کل جمعیت قرار دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۷). دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رابطه هویت قومی و هویت ملی در بین اقوام ایرانی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که بین این دو متغیر اساساً رابطه‌ای وجود ندارد، عده‌ای اعتقاد دارند که بین این دو متغیر رابطه‌ای معکوس و منفی برقرار است و افزایش هویت قومی باعث تضعیف هویت ملی در بین افراد می‌شود، ولی بیشتر مطالعات صورت گرفته در کشور نشان می‌دهند که بین دو متغیر هویت قومی و هویت ملی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و افزایش هویت قومی باعث تقویت هویت ملی در افراد می‌شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۵). در حال حاضر نیز هویت طلبی قومی در چارچوب ایران نیز همچنان مطرح بوده و این موضوع نه تنها تهدیدی برای وحدت ملی ایرانیان نیست، بلکه می‌تواند در نیل به فهم مشترک از ملیت‌گرایی ایرانی نیز یاری‌رسان باشد (رضان‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۱). به طور کلی در جغرافیای تاریخی ایران، همواره مردمی از اقوام گوناگون زندگی کرده‌اند و این مردم نقش اساسی در نگهبانی از ایران و شکوفایی فرهنگ و تمدن آن داشته‌اند. نکته‌ای که در این میان ارزشمند است، دوری جستن ایرانی‌ها از هرگونه کینه‌جویی قومی و همگرایی دوستانه‌شان با یکدیگر است (رضان‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۳). مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به جا مانده از تمدن‌ها و اقوام ایرانی می‌تواند علاوه بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضای جامعه ضامن بقای فرهنگ ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد. همچنین با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان شرایط جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم کرد که عامل موثری در توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۰: ۶۵). نکته قابل توجه این است که اگر فرهنگ، مذهب یا زبان هریک از اقوام ایرانی، توسط فرهنگ مسلط یا سیستم حکومتی تهدید یا تحقیر شود، نتیجه‌ای جز تضعیف رابطه فرهنگ قومی و با فرهنگ ملی در بر نداشته و در نهایت موجب جدایی فرهنگ قومی اقوام ایرانی از فرهنگ ملی خواهد شد و در این حالت، فعالیت‌های جدایی‌طلبانه فرهنگی و سیاسی دور از ذهن نخواهد بود (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). با پذیرش تنوع فرهنگی اقوام ایرانی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی آنها و استفاده از رویکرد هم‌افزایی فرهنگی می‌توان با بهره‌گیری از تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف اقوام، به تحکیم بنیان‌های هویت و انسجام ملی کمک شایانی کرد (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

۴-۱-۷- قهرمانان ملی

در هر کشور و نزد هر قوم مردان و زنان بزرگش سرمشق و راهنمای جوانان بوده‌اند و آگاهی از کار و کوشش آنان برانگیزنده آنان به گام نهادن در راهی است که هم مایه سربلندی خودشان و بر جای ماندن نام نیکشان و هم از وسایل پیشرفت کشورشان و مردمشان خواهد بود. در میان بزرگان کسانی هستند که که از مرزهای کشور و محدوده قوم خود بیرون می‌روند خدمتشان به همه جهانیان و خودشان به همه جهانیان تعلق دارند و اینکه این همه کتاب و ترجمه حال برای شناساندن بزرگان همه ملت‌ها نوشته شده است و می‌شود یا زندگی‌نامه کوتاه‌شان در دانشنامه‌ها ثبت گردیده و می‌گردد فقط برای شناساندن آنها نیست، بلکه برای نشان دادن راه و رسم کارشان است که چگونه در راه پیشرفت خود و پیشبرد جامعه خویش تلاش کردند و با چه همتی و با چه

زحمتی بر دشواری هایی که بر سر راهشان بود چیره شدند، هم نام نیک از خود بر جای گذاشتند و هم سر رشته به دست جوانانی دادند که نیت خدمت کردن و امید زنده بودن بعد از مرگ دارند (بیرشک ۱۳۷۰: ۱۷۳-۱۷۴).

جامعه ایرانی به عنوان جامعه ای کهن با فرهنگ بسیار غنی، حتما متاثر از وجود و نقش اسطوره است. تحول تاریخی این کشور شاهد فراز و نشیب های تاریخی و حوادث متعددی است اما راز ماندگاری و تداوم این ملت و کشور کهن در تمامی این فراز و نشیب ها، بی شک فرهنگ و مولفه های آن محسوب میگردد و اسطوره ها یکی از مولفه های اصلی این فرهنگ است. از دوران پیش از اسلام اسطوره ها نقشی تعیین کننده در تاریخ ایران داشته اند و اگرچه ورود اسلام به ایران، سبب ساز پالایش و حتی بعضا تغییر در محتوای برخی از این اساطیر شده است، اما بسیاری از آنها ادامه یافته و تا امروز به حیات خود ادامه داده اند (امینیان، ۱۳۹۰: ۴۰). اگرچه هم اینک دوران قهرمانی و قهرمان پروری همانند بستر مه آلود و خاکستری ایده آلیسم سپری شده است، اما قهرمانان ملی پیش از این تاریخ همیشه زنده اند، یاد و خاطره و شیوه های سیاسی آنان زیرساخت های فکری بسیاری از زنان و مردان آزادی خواه جهان را هنوز شکل می دهد و عملکردهای سیاسی شان هنوز به عنوان فانوسی درخشان راه گشای شب های تاریک زندگی است (بی نا، ۱۳۸۷: ۷۸).

۴-۱-۸- آثار ادبی

آثار ادبی ایران که عمدتا به زبان فارسی نگاشته شده اند، معرف بینش، باورها، ارزش ها، آرزوها، دردها و رنج ها، شادی ها و تجربه های ایرانیان در قالب نظم و نثرند. گفته می شود کمتر ملتی آثاری به گوناگونی و زیبایی شعر فارسی آفریده و سخنورانی نظیر سعدی، حافظ و مولوی به جهان عرضه کرده است. منظومه های عرفانی، عشقی و حماسی ایران همگی مایه افتخار زبان فارسی اند و شکوهمندی نبوغ ایرانی را در شعر جلوه گر می سازند. آفرینندگان آثار ادبی مکتوب ایران: فردوسی، سعدی، حافظ، عطار، باباطاهر عریان، عمر خیام، نظامی، جامی، پروین اعتصامی، ملک الشعرای بهار و ... باعث افتخار ایرانیان و در حکم محور هم گرایی ملی شناخته می شوند (حافظی نا، ۱۳۹۱: ۲۲). بخش بزرگی از ادبیات فارسی که امروزه به عنوان ادبیات کهن شناخته می شود را آثاری تشکیل می دهند که در دوره های مختلف تاریخ ادبیات فارسی و به خصوص در دوران پس از اسلام به ایران نگارش یافته اند. این حوزه از ادبیات فارسی بسیار وسیع است و آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان را دربر می گیرد. آثار شاعران نامداری مانند: رودکی، دقیقی، کسایی، باباطاهر، عطار، مولوی.... و در حوزه متون نثر نیز آثاری مانند سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی بلخی، کیمیای سعادت امام محمد غزالی و... را میتوان نام برد. منظور از ادبیات معاصر نیز ادبیات زمان حاضر است. ادبیات معاصر در زمینه های گوناگون اعم از داستان، رمان، ادبیات تطبیقی و مانند اینها گسترش یافته و در حوزه شعر نیز با آمدن نیما یوشیج دوره جدیدی در ادبیات پیدا شده است (<http://www.saadifoundation.ir>).

۴-۱-۹- آثار باستانی و تاریخی

ایران در دنیا به عنوان یک کشور باستانی و دارای سوابق تاریخی درخشانی که سرشار از آثار هنری و باستانی می باشد، مطرح است و از درجه چشم اروپاییان و غربیان، ایران از این حیث مقامی بس والا دارد و به همین دلیل از قدیم الایام در سفرنامه ها و دفتر خاطرات و یادداشت های روزانه آنان مطرح گردیده است. در میان ارزش های اقتصادی و کشاورزی و صنعتی هر کشور، ارزش های هنری و تاریخی جایگاه ویژه ای دارد. بدیهی است که کشور ایران از این ویژگی به نحو بسیار مطلوبی برخوردار است (واقفی، ۱۳۶۳: ۳۰). این آثار همانطور که بیانگر ذوق هنری ایرانیان است، سرمایه ملی و تجلیگاه استعداد هنری، فکری و تکنولوژی اجداد ایرانیان نیز شناخته می شود و هر فرد ایرانی، آگاهانه یا ناخودآگاه نسبت به آنها احساس دلبستگی و علاقه می کند. آثار باستانی معروف در مناطق فارس و بوشهر، اصفهان، کرمانشاه، همدان، خراسان، کرمان، شوش و خوزستان، کردستان و آذربایجان که جملگی از اعتبار و شهرت جهانی برخوردارند، مایه پیوند افراد ملت ایران به یگدیگرد (حافظی نا، ۱۳۹۱: ۲۳). در زمانه ای که فرهنگ غرب، تمدن خود را به عنوان برترین الگو در سطح جهان اشاعه می کند، ما می توانیم با ارائه پیشرفت های علمی و فنی ادوار قدیم که از راه کاوش های باستانی به فراوانی بدست می آید، پیشینه تمدنی غنی خود را به رخ فرهنگ غرب بکشیم. به عبارت دیگر پیشینه تمدنی غنی ما می تواند یکی از بهترین ها و نیرومندترین محافظان ملت و فرهنگ ما در برابر هجوم تمدن غربی و احساس هویت ملی سرافراز باشد (حسینی، ۱۳۹۰: ۹۷). عدم توجه شایسته و بایسته به میراث تاریخی و فرهنگی ادوار قبل موجب می شود نسل امروز نسبت به گذشته تاریخی و فرهنگی خود بیگانه شده و در نتیجه ایمان کمتری نسبت به سرزمین و میراث خود پیدا کند؛ زیرا عدم آگاهی از تاریخ و میراث ملی ادوار پیشین باعث تنزل حس وطن دوستی و در نتیجه عدم تلاش کافی در راه حفظ دستاوردهای آن می شود. همچنین بی توجهی به حفظ میراث های تاریخی، هنری و فرهنگی ادوار پیشین فرصت مناسبی به دست می دهد تا مخالفان تمایت فرهنگی، تاریخی و سیاسی ایران از فضای مناسب بهره برداری کنند و در جهت ضربه زدن به وحدت و هویت ملی کشور وارد عمل شوند.

۴-۱-۱۰- هنر

هنر ایرانیان از اعصار گذشته دارای آثار هنری ویژه‌ای بودند. هنر معماری ایران از عصر کهن هخامنشی تا دوره‌های معاصر معروفیت دارد. علاوه بر هنر معماری در هنرهای دیگر نیز ایرانیان دارای هویت ویژه‌ای هستند. موسیقی یکی از این عرصه‌های هنری است و موسیقی اصیل ایرانی هویتی ممتاز از دیگر موسیقی‌ها دارد. مینیاتور و نقاشی، سفالگری، فرش‌بافی و دیگر صنایع و هنرهای دستی و تجسمی ایرانیان نیز از شهرت برخوردار و علاوه بر جنبه‌های ظاهری با مضامین عرفانی، عاطفی، اجتماعی، دینی و ... آمیخته است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۲). ایرانیان نه تنها از لحاظ فرهنگ و هنری از مردم دیگر کشورها بیشتر و برتر بوده‌اند، بلکه به دلیل هنر و نبوغ خود، فرهنگ ساز بوده و در فرهنگ مردمان کشورهای دیگر رخنه نموده‌اند. به گفته ج. و. هگل ایران از روزگاران کهن خاستگاه یکی از دیرین‌ترین و پربارترین نموده‌های فرهنگ بشری بوده و ده‌ها هزار سال همواره پایدار و سربلند مانده و آثار باشکوه این فرهنگ، به گونه‌های گوناگون در سراسر آن نمایان است (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). هنر ایرانی نه تنها از لحاظ کیفیت بلکه از جهت کمیت نیز در جهان در ردیف اول قرار دارد. هیچ قوم و ملتی به اندازه ایرانی اثر هنری پدید نکرده است. از نظر گسترش و اشاعه در اقلیم‌های وسیع نیز این هنر تاکنون در جهان بی رقیب است. اگر به خاطر بیاوریم که از سرزمین‌هایی از پشت دیوار چین گرفته تا کرانه‌های مدیترانه و از دریاچه آرال تا بخش بزرگی از آفریقا همه جا معماری و کاشیکاری و دیگر مظاهر ذوقی و هنری ایران رواج داشته و دارد. امروزه بعضی از مظاهر زیبایی پرستی ایرانیان همه‌جا در جهان زبانزد است. هر جا آبی خوشرنگی دیده شود می‌گویند آبی ایرانی و هر گوشه باغ مصفا و دلشینی یافت شود آنرا به باغ ایرانی تشبیه می‌کنند (تجویدی، ۱۳۴۲: ۴). خلاقیت هنری، به طور کلی، در حوزه تمدنی و فرهنگی ما وجود داشته است. ویژگی هنری ما، یک سو پایدار بودن آن است و از سویی دیگر پویایی آن. پایداری‌اش منجر به پیدایش و قوام هویت ویژه هنری ما می‌شود و پویایی آن باعث خلاقیت و روزآمد شدنش. نگاه سنت به گذشته است و نگاه خلاقیت به آینده. جمع بین سنت و خلاقیت نقطه‌ای است که ویژگی هنر ایران است (مسجدجامعی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

۴-۱-۱۱- آداب و رسوم

علمای اجتماع و و کسانی امثال دورکیم فرانسوی که در اجتماعات بشری مطالعات دقیق علمی نموده و با کشف قوانین عمومی بنای علم الاجتماع را ریخته‌اند، اعتقاد دارند ملت وحدتی است که در اثر وجدان جمعی و تمدنی عام و سنن و آداب و رسوم مشترک و خلاصه تمایلات و عواطف یکسان مردم به وجود می‌آید. مردمی که دارای روحیه مشابه و آمال مشترک و آداب و رسوم واحدی می‌باشند رشته علاقه و الفتی از این جهات با یکدیگر دارند که بنای قومیت آنان را استوار می‌سازد (شهرستانی، ۱۳۳۱: ۱۵۹). آداب و رسوم هر قوم بازتاب رفتارها، بینش‌ها باورهای مردمی آن قوم است. ایرانیان نیز در دارای آداب و رسوم خاصی هستند که آنها را از دیگران متمایز می‌سازد. شیوه تغذیه و نوع خوراک، طرز پوشش و لباس، روابط والدین و فرزندان، روابط کوچکترها با بزرگترها، روابط خویشاوندان، آیین‌های ازدواج، عیادت، سوگواری، دید و بازدید، عیاد و جشن‌ها و ... جملگی از الگوهای رفتاری کهن مایه می‌گیرند و سنت‌ها و رسوم ملی مشترک را می‌سازند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۳). فرهنگ و تمدن در ایران از چنان گستردگی و تنوع و تحولی برخوردار بوده است که به دشواری می‌توان برای آداب و رسوم ایرانی یکپارچگی و یک شکل یگانه همه جا گیر یافت. در جهت دریافت این گستردگی و تنوع و تحول پذیری میتوان به عناصر گوناگونی که در دوران پیشین دست به دست هم داده و فرهنگ ایرانی را هستی بخشیده اند اشاره کرد (دوفوشه کور، ۱۳۷۴: ۲۵۹). دلایلی را که تنوع فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم گوناگون را در ایران توضیح میدهند بگونه زیر میتوان خلاصه کرده و برشمرد:

حافظه تاریخی - فرهنگی با خاطرات سنتی که هنوز از حیات و حضور استوار برخوردارند.

عامل مذهبی: در روزگاران گذشته ایران زمین به موجب موقعیت جغرافیایی ویژه خود پیوسته چهارراه و محل برخورد آیین‌ها و مذاهب بزرگ بوده است؛ مانند آیین زروان و میترا، آیین زرتشت، آیین مانی، آیین بودا، مسیحیت و مذاهب گوناگون اسلام.. عشق ورزی و اشتیاق که حضور آنها را دست کم در طی هزار سال در تاریخ ادبیات پارسی میتوان دید. در ورای عشق ورزی به زندگی هم روزه، عشق جان سوز عارفانه که به عقل چیره می‌شود یکی از ویژگی‌های چشم‌گیر فرهنگ ایرانی است که از دیده‌آشنایان به این فرهنگ نمیتوان به دور ماند (دوفوشه کور، ۱۳۷۴: ۲۶۱). آئین سده و مهرگان و جشن نوروز و مراسم چهارشنبه سوری و گردش بهار سیزده از یادگاراها و رسومی است که پدران ما داشته اند و ایرانی با وجود مصائب و حوادثی که دیده هنوز جشن نوروز و مراسم آن را فراموش نکرده است. بدینجهت همه باید با خاطری شاد در این جشن ملی شرکت کنیم، با یکدیگر تجدید مودت نماییم تا هم آثار گذشتگان خود و هم با قدرت وحدت ملی منافع مشترکمان را حفظ کنیم (شهرستانی، ۱۳۳۱: ۱۶۰).

۴-۱-۱۲- وحدت سرزمینی و شکل فضا

سرزمینی که در درون خود هسته فرهنگی ایران را جای داده از وحدت فضایی برخوردار است. این فضای قابل زیست و سکونت که در ضمن از لحاظ جغرافیایی با قلمروی فرهنگ و تمدن ایرانی نیز منطبق است، به کاسه‌ای می‌ماند که جدارهای آن را ارتفاعات بلند پیرامونی می‌سازند و در داخل، فضای نسبتاً امنی برای ارتباط و حشر و نشر سکنه درون آن پدید آمده است. این فضا که به فلات ایران موسوم است، در حدود ۲٫۵ میلیون هکتار مساحت دارد و مشتمل بر بخش دورنی و داخلی فلات، ارتفاعات پیرامونی و جدار خارجی منتهی به دشت‌ها و جلگه‌های پیرامونی است (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶). هویت جغرافیایی ایران را فلات ایران از رود جیحون تا ماورای زاگرس ساخته است. این فلات از نظر موقعیت جغرافیایی حد و مرزی دارد که مرزهای طبیعی و حدود آن را طبیعتی ویژه مشخص کرده است، به نحوی که این الگوی فضایی به همبستگی و تفاهم و یکپارچگی سکنه آن با یکدیگر کمک کرده و امکان تمایز آنها را از دیگران فراهم آورده است (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷). خارج از موقعیت و یا عدم موفقیت ساختار فضایی در ایران، این پدیده جزئی از سیاست‌های اجرایی حکومت‌ها و در شکل دادن به هویت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی از ابتدای شکل‌گیری ایران تاکنون بوده است و شامل پایتخت ملی، نظام تقسیمات کشوری، نظام سکونت‌گاهی و مرزهای کشور بوده است (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱). عوامل موقعیت و فضا، وحدت سرزمینی، ریشه تاریخی، زبان، دین و مذهب، نژاد و قومیت، ساختار فرهنگی، آرمان سیاسی، ناسیونالیسم، حکومت قدرتمند مرکزی از عوامل درون‌زا و موقعیت حائل میان قدرت‌های استعماری روس و انگلیس و تهدیدات بیرونی و تهاجمات مکرر به درون فلات از عوامل برون‌زا هستند که در ایجاد و افزایش همبستگی و علقه میان ساکنان سرزمین ایران موثر بوده‌اند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۳۳).

۴-۱-۱۳- موقعیت و فضا

قلمروی فضای جغرافیایی ایران، هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ انسانی و فرهنگی هویت خاصی دارد که با مرزهای مشخص طبیعی و انسانی از فضاها و قلمروهای پیرامون خود جدا و متمایز می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۴). کشور ایران بین ۲۵ درجه و سه دقیقه تا ۴۶ درجه و ۳۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۹ دقیقه طول شرقی و بنابراین تماماً در منطقه معتدله نیم کره شمالی قرار گرفته است. ایران با ۷ کشور مرز خشکی و با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و کشورهای حاشیه دریای مازندران مرز دریایی دارد (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۰۶). ایران از نظر جغرافیایی با گستره‌ای برابر با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، از شمال به دریای خزر و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، نخجوان و ترکمنستان محدود است و از شرق به افغانستان و پاکستان، از باختر به ترکیه و عراق و از جنوب به خلیج فارس، دریای عمان و گوشه شمال باختر اقیانوس هند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۰). سرزمین ایران در جنوب غربی آسیا، از گذشته‌های دور، همیشه به عنوان پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب اهمیت خود را حفظ کرده است. این موقعیت ارتباطی حساس در طول تاریخ، شرایطی را بر این سرزمین تحمیل کرده که همیشه مورد توجه و طمع همسایگان و اقوام پیرامونی خود بوده است و در هر دوره‌ای از تاریخ خود که حکومت‌ها و پادشاهان ضعیف روی کار بوده‌اند، مورد حمله واقع شده‌اند (فیروزی، ۱۳۸۵: ۵۴). ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی خود، تاریخ پرمخاطره‌ای داشته است. موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران به ویژه در دو قرن اخیر و به دلیل ضعف آن موجب رقابت و دخالت قدرت‌های بزرگ در امور داخلی آن و حتی جدا شدن بخش‌هایی از این سرزمین شده است. در حال حاضر نیز، ایران در منطقه‌ای واقع شده است که می‌توان این ویژگی‌ها را برای آن برشمرد: بیضی استراتژیک انرژی، یا هارتلند جدید که ایران در کانون آن قرار دارد، وجود بیشترین بحران‌ها و پیمان‌های تهدیدآمیز در اطراف مرزهای آن، خرید هنگفت تسلیحات از سوی کشورهای منطقه، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، وجود کشورهای کمتر توسعه یافته و تا حدی بی ثبات و نامسئول، و در عین حال وجود کشورهایی با درآمد بالا و ثروتمند، در کنار کشورهای فقیر، با موقعیت جغرافیای محصور در خشکی و یا شرایط نامساعد برای دسترسی به دریا، به همراه مرزهای مصنوعی و همچنین با آرمان‌ها و علاقه‌های ژئوپلیتیکی خاص. ایران باید تولید قدرت کند و وزنه مهمی در منطقه و جهان باشد، تا امنیت و منافع ملی خود را تامین کند؛ چراکه این ضرورت را موقعیت جغرافیایی‌اش تحمیل می‌کند و حوادث تاریخی نیز گواه این مدعا هستند (فیروزی، ۱۳۸۵: ۵۵). احساس تعلق داشتن ایرانیان به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن با ویژگی‌ها و ارکان آن محیط جغرافیایی ویژه، در زمره مسائل هویت ملی ایران می‌باشد (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰).

۲-۴- داده‌ها میدانی

گام اول: پرسشنامه ای شامل ۲۶ سؤال طراحی شده و بین ۴۰ نفر از متخصصان و دانشجویان رشته‌های مرتبط با موضوع پژوهش و شهروندان توزیع گردید و ایشان در یک طیف ۵ تایی (خیلی کم - کم - متوسط - زیاد - خیلی زیاد) لیکرت به سؤالات پاسخ داده و به میزان تأثیر هر یک از عوامل تشکیل دهنده هویت ملی بر گردشگری فرهنگی امتیاز دادند.

جدول ۱: فراوانی طیف لیکرت

مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	فراوانی پاسخ ها
	5	4	3	2	1	رتبه
40	0	10	15	13	2	سرزمین ۱
40	0	10	10	18	2	سرزمین ۲
40	16	18	6	0	0	نام ایران ۱
40	16	18	6	0	0	نام ایران ۲
40	33	7	0	0	0	پیشینه تاریخی ۱
40	33	7	0	0	0	پیشینه تاریخی ۲
40	0	20	16	4	0	زبان فارسی ۱
40	0	20	16	4	0	زبان فارسی ۲
40	0	6	8	23	3	مذهب شیعه ۱
40	0	6	11	20	3	مذهب شیعه ۲
40	0	3	9	18	10	نژاد ۱
40	0	3	12	18	7	نژاد ۲
40	0	24	11	5	0	قهرمان ملی ۱
40	2	22	11	5	0	قهرمان ملی ۲
40	32	8	0	0	0	آثار ادبی ۱
40	32	8	0	0	0	آثار ادبی ۲
40	40	0	0	0	0	آثار باستانی ۱
40	40	0	0	0	0	آثار باستانی ۲
40	30	10	0	0	0	هنر ۱
40	31	9	0	0	0	هنر ۲
40	13	14	4	9	0	آداب و سنن ۱
40	15	10	6	9	0	آداب و سنن ۲
40	3	4	27	6	0	وحدت سرزمینی ۱
40	0	4	28	8	0	وحدت سرزمینی ۲
40	0	10	15	15	0	موقعیت و فضا ۱
40	0	5	24	11	0	موقعیت و فضا ۲

منبع: نگارندگان

گام دوم: وزن هر یک از عوامل از طریق فرمول زیر محاسبه شده است: (F_i) برابر با فراوانی گزینه و (W_i) بابر با وزن گزینه است).

$$\sum (F_i * W_i)$$

جدول ۲: وزن متغیرها

مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	وزن متغیرها
113	0	40	45	26	2	سرزمین ۱

مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	وزن متغیرها
108	0	40	30	36	2	سرزمین ۲
170	80	72	18	0	0	نام ایران ۱
170	80	72	18	0	0	نام ایران ۲
193	165	28	0	0	0	پیشینه تاریخی ۱
193	165	28	0	0	0	پیشینه تاریخی ۲
136	0	80	48	8	0	زبان فارسی ۱
136	0	80	48	8	0	زبان فارسی ۲
97	0	24	24	46	3	مذهب شیعه ۱
100	0	24	33	40	3	مذهب شیعه ۲
85	0	12	27	36	10	نژاد ۱
91	0	12	36	36	7	نژاد ۲
139	0	96	33	10	0	قهرمان ملی ۱
141	10	88	33	10	0	قهرمان ملی ۲
192	160	32	0	0	0	آثار ادبی ۱
192	160	32	0	0	0	آثار ادبی ۲
200	200	0	0	0	0	آثار باستانی ۱
200	200	0	0	0	0	آثار باستانی ۲
190	150	40	0	0	0	هنر ۱
191	155	36	0	0	0	هنر ۲
151	65	56	12	18	0	آداب و سنن ۱
151	75	40	18	18	0	آداب و سنن ۲
124	15	16	81	12	0	وحدت سرزمینی ۱
116	0	16	84	16	0	وحدت سرزمینی ۲
115	0	40	45	30	0	موقعیت و فضا ۱
114	0	20	72	22	0	موقعیت و فضا ۲

منبع: نگارندگان

گام سوم: با محاسبه میانگین مقادیر به دست آمده برای عوامل تشکیل دهنده هویت ملی، به رتبه بندی آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۳: رتبه بندی متغیرها

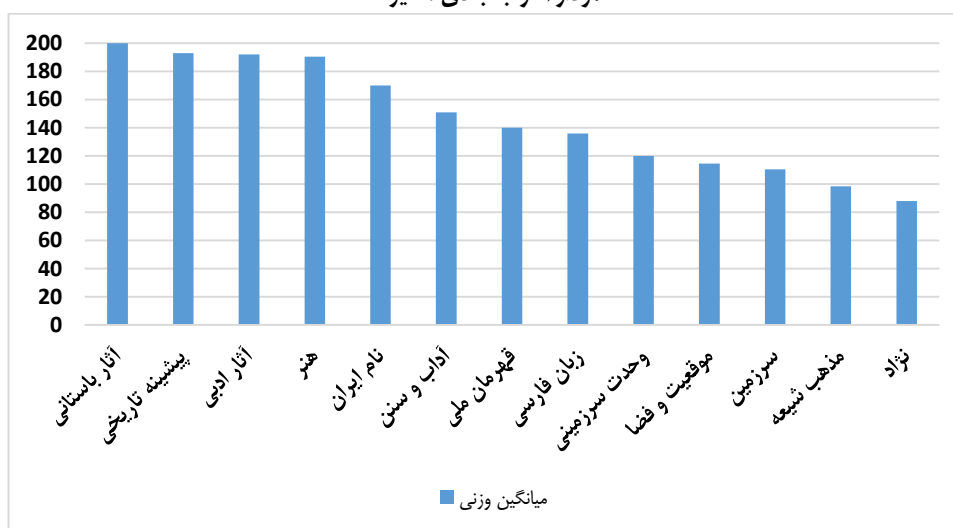
متغیر	میانگین وزنی
آثار باستانی	200
پیشینه تاریخی	193
آثار ادبی	192
هنر	190.5
نام ایران	170
آداب و سنن	151

متغیر	میانگین وزنی
قهرمان ملی	140
زبان فارسی	136
وحدت سرزمینی	120
موقعیت و فضا	114.5
سرزمین	110.5
مذهب شیعه	98.5
نژاد	88

منبع: نگارندگان

در بین ۱۳ عامل مورد بررسی، آثار باستانی بیشترین و عامل نژاد کمترین تأثیر را بر توسعه و گسترش گردشگری فرهنگی داشته است.

نمودار ۱: رتبه بندی متغیرها



منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

رشد و گسترش گردشگری از جمله پدیده‌های مهم اواخر قرن بیستم است که با سرعت در قرن جدید ادامه دارد. در این راستا، در سطح جهان، هر کشور برای جذب و سامان‌دهی فرایند جذب گردشگران خارجی و بدست آوردن درآمد ارزی و جذب گردشگران داخلی برای جلوگیری از خروج ارز از کشور، بر اساس پتانسیل‌های موجود و ظرفیت‌سازی‌های جدید خود برنامه‌ها و زمینه‌سازی‌های خاصی را انجام می‌دهد. تا بتوانند از درآمد ناشی از صنعت گردشگری که در زمره اشتغال‌زا ترین و پر بازده ترین فعالیت‌های اقتصادی در جهان است، استفاده کند. همچنین بتواند، فرهنگ، اقتدار و هویت خود را به دیگران بشناساند تا بر این اساس، زمینه روابط فرهنگی و دیگر روابط را در سطح ملی، فراملی و فرو ملی فراهم کند و از تنش‌های فرهنگی و عقیدتی احتمالی ناشی بین ملت خود و دیگری بکاهد. در نهایت بتواند بر اساس زمینه‌سازی‌های ذهنی که برای ملت‌های دیگر از خود و مردم و فرهنگ خود ساخته است در راستای بالا بردن اقتدار ملی و وزن ژئوپلیتیک خود در سطح جهانی و در جهت همبستگی و توسعه هویت ملی کمک گرفت. همانطور که در متن مقاله نیز اشاره شد، ایران دارای ظرفیت‌های گردشگری بالایی است و لحاظ ارزش‌های تاریخی، هنری، آثار باستانی، زبان فارسی و... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اما به دلیل برخی سیاست‌های نادرست، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، تحریم‌های اقتصادی، اتکا به درآمدهای نفتی و... آنچنان که باید، به توسعه نرسیده است. پژوهش حاضر ۱۳ عامل تشکیل دهنده هویت ملی و تأثیر آن بر گردشگری مورد بررسی قرار گرفته و میزان اهمیت و تأثیر هر یک

بر گردشگری معین گردید. مطابق با نتایج بدست آمده آثار باستانی بیشترین و نژاد کمترین تاثیر را داشتند. از این رو لازم است تا بر تقویت عوامل با ضریب بالا اقدام کرد تا توسعه در بخش گردشگری رونق یابد. از آنجایی که صنعت گردشگری بدون مداخله دولتها قادر به بقای خود نیست لازم است دولت با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح و توجه به عوامل موثر، در جهت تقویت و رونق گردشگری اقدام نماید. توسعه گردشگری موجب توسعه و رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال برای افراد بومی و غیر بومی و تمرین و تقویت همدلی و نزدیکی افراد ملت با یکدیگر و تقویت همبستگی ملی و از سویی شناساندن کشور، فرهنگ و هویت قومی و ملی به دیگر ملت‌ها خواهد شد و همین امر نتایج ارزنده‌ای در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، سیاسی و... در ابعاد داخلی و خارجی خواهد داشت.

منابع

- ابطی، سید مصطفی (۱۳۸۴)، «روند نهاده‌ها شدن تشیع در ایران چالش‌ها و فرصت‌ها»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، بهار، شماره ۲
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۵)، «جایگاه فرهنگ و هنر ایران در جهان»، هنر، بهار، شماره ۶۷
- احمدی، حمید، راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۷)، «مؤلفه‌های هویت ایرانی، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا»، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۱۹ و ۱۲۰
- احمدی، سید عباس (۱۳۸۶)، «بررسی نقش و موقعیت ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، مجلس و راهبرد، پاییز، شماره ۵۷
- احمدی، سید عباس (۱۳۸۹)، «نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ مطالعه موردی تشیع در ایران»، ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۱۷
- احمدی، حمید (۱۳۸۲)، «هویت ملی ایرانی، بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها»، نامه پژوهش فرهنگی، تابستان، شماره ۶
- الهامی، داوود (۱۳۶۶)، «سیر تشیع در ایران، درس‌هایی از مکتب اسلام، مرداد، شماره ۳.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۰ و ۱۳۹۱)، «نقش اسطوره در هویت ملی و ملت‌سازی، مطالعه موردی ایران»، ادبیات پایداری، پاییز، شماره ۵۶
- افضل‌ی، رسول (۱۳۸۹)، «جایگاه حقوق گردشگران خارجی از نگاه اسلام و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳.
- بلادیس، علی و بی‌باک، غلامحسین و ذکی، قربانعلی (۱۳۸۵)، «تحلیل کنش‌های فضای طبیعی ایران در جغرافیای سیاسی»، چشم انداز جغرافیایی، تابستان، شماره ۲
- بی‌نا، (۱۳۸۷)، «مصدق جاویدان قهرمان ملی تاریخ معاصر»، فردوسی، اسفند و فروردین، شماره ۷۴ و ۷۵
- بیرشک، احمد (۱۳۷۰)، «مردان بزرگ سرمشق جوانان پویا و جویا»، فرهنگ، بهار، شماره ۸
- تجویدی، اکبر (۱۳۴۲)، «هنر و ملیت»، اردیبهشت، شماره ۷
- تشید، علی اکبر (۱۳۲۸)، «تاریخ تشیع در ایران»، ارمان، شماره ۴ و ۳
- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۸۵)، «گردشگری ماهیت و مفاهیم»، تهران: انتشارات سمت.
- پاشایی، محمدرضا و علوی مقدم، سید بهنام (۱۳۸۸)، «نقش زبان و ادب فارسی در هویت فرهنگی»، حافظ، شماره ۶۲
- پورموسوی، سید موسی و میرزاده کوهشاهی، مهدی، رهنما قره‌خانگل، جهانبخش (۱۳۸۷)، «سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، ژئوپلیتیک، پاییز و زمستان، شماره ۱۳
- پیردشتی، حسین (۱۳۸۵)، «نگاهی به مفاهیم راهبردی و جغرافیای راهبردی ایران»، رشد آموزش جغرافیا، بهار، شماره ۷۴
- پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۲)، «اولویت‌سنجش راهبردهای توسعه گردشگری فرهنگی در منطقه الموت قزوین»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۳.
- حاجی‌نژاد، علی و همکاران (۱۳۸۸)، «تأثیرات گردشگری تجاری بر توسعه کالبدی-فضایی مناطق شهری مطالعه موردی: شهر بانه»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، «جغرافیای سیاسی ایران»، تهران، سمت
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مجتهدزاده، پیروز و کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «تبیین بینادهای علت وجودی و بقای کشور»، مطالعه موردی ایران، مطالعات ملی، بهار، شماره ۴۹
- حسینی، هاشم (۱۳۹۰)، «نقش باستان‌شناسی در ارتقا و تقویت هویت ملی و فرهنگی ایرانیان»، مطالعات ایرانی، پاییز، شماره ۲۰.
- حیدری، غلامحسین، حیدری نبی، زهره (۱۳۹۳)، «بررسی چالش‌های قدرت ملی در ایران با تاکید بر بحران هویت ملی»، ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۳۳
- شهرستانی، محمد (۱۳۳۱)، «آداب و رسوم ملی، نامه فرهنگ، فروردین، شماره ۴
- شریفی‌تهرانی، محمد، یوسفی، جواد (۱۳۹۱)، «بررسی ارتباط بین گونه‌های گردشگری مذهبی»، روستایی و بوم‌شناختی با گردشگری فرهنگی مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان جنوبی، صص ۳۰-۱.

- داوری اردکانی، نگار و محمودی، طاهره، نواب، سمیه (۱۳۹۲)، «آموزش زبان فارسی فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی»، مطالعات ملی، بهار، شماره ۵۳
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۶)، «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، مطالعات ملی، تابستان، شماره ۳۰
- دوفوشه کور، هانری (۱۳۷۴)، مترجم شریعت کاشانی، علی، «آداب و رسوم در تاریخ و تمدن ایران زمین»، کلک، شماره ۶۷
- فیروزی، محرم‌علی (۱۳۸۵)، «ایران و تهدیدات ناشی از موقعیت جغرافیای آن»، رشد آموزش جغرافیا، بهار، شماره ۷۴
- قاسمی، علی اصغر و خورشیدی، مجید و حیدری، حسین (۱۳۹۰)، «همسازی هویت ملی و قومی در ایران رویکرد اقوام ایرانی به وحدت ملی و حق تعیین سرنوشت»، علوم اجتماعی، زمستان، شماره ۵۵
- قالیباف، محمدباقر، پوینده، محمدهادی (۱۳۹۰)، «تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی»، مطالعه موردی ایران، مطالعات ملی، بهار، شماره ۴۵
- ضمیری، محمدرضا، رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۸)، «تقش مذهب در رشد فرهنگی ایران معاصر»، شیعه‌شناسی، پاییز، شماره ۲۷
- کروولسکی، دوروتیا (۱۳۷۸)، «احیای نام ایران در عهد ایلخانان مغول»، تاریخ روابط خارجی، زمستان، شماره ۱
- متینی، جلال (۱۳۸۲)، «توصیفی درباره کاربرد لفظ ایران در مقاله ایران در تاریخ»، ایران‌شناسی، شماره ۶۰
- محبی، حسین (۱۳۸۶)، «طبیعت ایران، جهان کتاب»، اردیبهشت و خرداد، شماره ۲۱۶ و ۲۱۷
- مجلسی، فریدون (۱۳۹۲)، «نگاهی به نام ایران و پیشینه فارسی دری»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، بهار، شماره ۲۹۱
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران، سمت
- ناصری تکمیل، همایون (۱۳۸۴)، «ضرورت نگاهداری یادمانهای باستانی به عنوان مظاهر عینی هویت ملی ایرانیان»، حافظ، شماره ۲۳
- ندیم، مصطفی (۱۳۷۹)، «نگاهی کوتاه به تاریخ ایران باستان در کتاب تاریخ مردم ایران» اثر شادروان دکتر زرین کوب، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا، شهریور، شماره ۳۵
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۰)، «نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی»، مهندسی فرهنگی، خرداد و تیر، شماره ۵۴ و ۵۳
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار، شماره ۶۳
- رمضان‌زاده، عبدالله، قاجار بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷)، «هویت ایرانی و چندگانگی قومی»، مطالعات ملی، بهار، شماره ۳۳
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۴)، «هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تاثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان»، مهندسی فرهنگی، تابستان، شماره ۸۴
- مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «سیاست گردشگری خارجی در ایران: جستجوی الگوی مطلوب»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴، مسجد جامع، احمد (۱۳۸۴)، هنر ایرانی، سنت و خلاقیت، کتاب ماه هنر، فروردین و اردیبهشت، شماره ۷۹ و ۸۰
- موسوی حاجی، سید رسول، سلیمان رباطی، سید امین (۲۰۱۰)، «توانمندی‌های صنعت گردشگری فرهنگی و طبیعت‌گرا در مناطق کویری جهان اسلام مطالعه موردی: شهرستان بشرویه»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- واثقی، صدر (۱۳۶۳)، «ضرورت احیا و حفظ آثار هنری و باستانی»، مرداد، شماره ۵
- هرسبیج، حسین، تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تاثیر مولفه‌های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات فرهنگی ایران
- Karar, Arnab, (2010) Impact of Pilgrim Tourism at Haridwar, Anthropologist, pp 99-105.
- Hassan, Hussein D. (2008), Iran: Ethnic and Religious Minoritie; CRS Rport for Congress, U.S congressional Research service
- Lin, Nan (2017). Building a Network Theory of Social Capital
- Richards. Greg, " Cultural Tourism Global and Local Perspectives ", The Haworth Hospitality

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر فوتبال بر اعتماد اجتماعی مطالعه موردی: نوجوانان شهر ایرانشهر

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۰

کد مقاله: ۴۰۶۳۲

رضا بلوچی^۱، صادق ستوان^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فوتبال بر اعتماد اجتماعی نوجوانان فوتبالیست ۱۲ تا ۱۸ سال شهر ایرانشهر و با روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه در بین نوجوانان فوتبالیست سازمان یافته (دارای قرارداد) شهر ایرانشهر به انجام گرفته است. با توجه به اینکه جامعه آماری ($N=175$) این تحقیق به فوتبالیست‌های نوجوانان سازمان یافته ایرانشهر محدود بود، حجم نمونه برابر با جامعه آماری در نظر گرفته شده و از روش نمونه‌گیری همه‌شماری و از نظریه جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام استفاده شده است. و متغیرهای زمینه‌ای مانند شغل پدر، محل سکونت، مقطع تحصیلی و متغیر مستقل اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج با استفاده از نرم افزار Spss نشان داد که تأثیر فوتبال بر اعتماد اجتماعی مثبت و افزایشی می‌باشد.

واژگان کلیدی: بررسی جامعه‌شناختی، تأثیر فوتبال، اعتماد اجتماعی، نوجوانان فوتبالیست، سرمایه اجتماعی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران و مدرس دانشگاه

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران و مدرس دانشگاه

sadeqsotvan@yahoo.com

۱- مقدمه

امروزه ورزش از ضروری‌ترین نیازها و اساسی‌ترین نهادهای جوامع بشری است. به طوری که کمتر کشوری را می‌توان یافت که فاقد سازمان ورزشی باشد. گسترش روز افزون ورزش به گونه‌ای است که میلیون‌ها نفر انسان در سراسر جهان از ورزشکاران، مربیان، داوران و مدیران باشگاه‌ها گرفته تا عکاسان، خبرنگاران، دست‌اندرکاران مطبوعات ورزشی و دیگر رسانه‌های گروهی همه و همه در فعالیت‌های ورزشی مشغول به کارند. هم‌چنین ورزش کانون توجه سیاست‌مداران، صاحبان صنایع، بازرگانان، متخصصان و محققین رشته‌های گوناگون است. در این میان فوتبال به دلیل جذابیت و کارکردهای خاصی که دارد یکی از پربیننده‌ترین و پرتعدادترین رشته‌های ورزشی شناخته می‌شود (وثوقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

ورزش گروهی فوتبال، به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، محصول و نتیجه نظام اجتماعی و مناسبات حاکم بر همان جامعه است. که کارکردهای مثبت فراوانی (از جمله سلامت جسم و روان، کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری، احترام به قوانین، ایجاد روابط دوستانه، بالا بردن اعتماد بین فردی و گروهی، انضباط پذیری و تقویت روحیه ملی و...) می‌تواند داشته باشد. به عنوان مثال همکاری و تعاون درون گروهی به همراه رعایت قوانین برای کسب پیروزی در مسابقات مختلف ورزش‌های گروهی مانند فوتبال بر سلامت و هیجان عاطفی افراد تأثیر مثبتی دارد. ایجاد و تقویت چنین روحیاتی تأثیر مطلوبی بر سازندگی جامعه دارد و هم‌چنین آسیب احتمالی در این ورزش فرد را نیازمند استقامت، تحمل درد و صبر و بردباری می‌نماید این روند باعث افزایش اعتماد به نفس و میل به زندگی و تحقق خویش می‌گردد. احساس پیروزی به ویژه در بازی‌های گروهی مانند فوتبال با افزایش شور و شوق، جنبش و تحرک همراه است. ایجاد چنین روحیات و احساساتی در انسان می‌تواند او را از افسردگی، بی‌تفاوتی، بی‌تحرکی و بی‌کفایتی دور سازد. از دیگر کارکرد‌های اجتماعی ورزش‌های گروهی مانند فوتبال، توسعه و تحکیم روابط اجتماعی می‌باشد که در کل ساختار جامعه و روابط موجود در بین اقشار و آحاد اجتماعی اثرات قابل توجهی به جا می‌گذارد (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۶۸).

امروزه در کنار سرمایه انسانی، اقتصادی و فیزیکی از سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مطرح شده است. هم‌چون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری انسانی را افزایش می‌دهد) به ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند، شبکه‌ها، هنجارها، و اعتماد اشاره دارد، که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. امروزه مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستری مناسب برای زیست اجتماعی، بدون این بعد سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی ممکن نیست (اسلامی مرز نکلاته و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

بدون تردید میزان سرمایه اجتماعی جامعه برآیندی از سرمایه‌های اجتماعی گروه‌های کوچک می‌باشد، که در بین اقشار مختلف جامعه متفاوت است و انتظار می‌رود گروه‌های حرفه‌ای و شغلی مختلف با توجه به میزان دانش، نگرش و سرمایه‌گذاری به عمل آمده توسط جامعه بر روی آنان از سطوح مختلفی از این متغیر اجتماعی بهره‌برده باشند. ورزش برای توسعه بهتر جامعه و پیامدهای شهروندی ضروری است و هم‌چنین بین فوتبال و میزان مشارکت در آن و میزان سرمایه اجتماعی در جامعه می‌تواند رابطه متقابلی وجود داشته باشد. جامعه‌شناسان به تأثیر جامعه بر ورزش فوتبال تأکید دارند مبنی بر اینکه ورزش فوتبال بازتاب دهنده روابط اجتماعی جامعه است و هم‌چنین تأثیر میزان مشارکت در ورزش فوتبال بر جامعه و میزان سرمایه اجتماعی که بعد دیگری از این ارتباط است می‌تواند از نکات حائز اهمیت باشد. به دلیل آنکه سرمایه اجتماعی زندگی جمعی در عصر حاضر در معرض خطر و کم‌رنگ شدن قرار گرفته است لذا می‌توان در پی شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تقویت این عناصر بود، که پرداختن به میزان مشارکت در ورزش فوتبال می‌تواند یکی از عوامل مدنظر فوق باشد. رابطه‌ی بین میزان مشارکت در ورزش فوتبال و سرمایه اجتماعی می‌تواند نشان دهنده‌ی تأثیر گذاری مثبت این ورزش گروهی در جهت نیل به افزایش اعتماد، مشارکت، عزت نفس، برابری اجتماعی و هم‌چنین پرورش ذهن، اعمال، گفتار و رفتار، ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی قشر نوجوان و جوان برای تقویت جامعه مدنی هر کشور نقش مهمی داشته باشد. اهمیت پژوهش حاضر به این جهت است که ۱- کارکرد‌های ویژه ورزش (فوتبال) در سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی در جامعه؛ ۲- کارکرد و تأثیرات مثبت آن بر روی اعتماد اجتماعی در راستای ثبات و پایداری در جامعه؛ ۳- موقعیت اجتماعی منحصر به فرد جامعه مورد مطالعه سنجه‌ها.

ادبیات پژوهشی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است به این شرح است. آترلی (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان ورزش، محلی‌گرایی و سرمایه اجتماعی در استرالیا به این نتیجه رسیده است که سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب شود که شبکه‌های اجتماعی شکل و کارکرد خود را از ورزش‌ها می‌گیرند. الیوت (۲۰۰۱) در این پژوهش تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی و نقش آنها بر ورزش مورد بررسی قرار گرفته و از نظریات کلمن درباره‌ی اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی بعد ساختاری در مفهوم سرمایه اجتماعی و تأکید پوتنام بر احساس تعلق و تعامل اجتماعی به عنوان بعد شناختی در مفهوم سرمایه اجتماعی توجه گردیده است.

شهر ایران شهر همانند سایر شهر های کشور با معضلات و مسائل شهری همچون فقر فرهنگی، افزایش جرم و جنایت، بروز شغل های کاذب و غیره به ویژه در سنین پایین روبرو است و سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر تقویت آن می تواند برای داشتن جامعه ای سالم و مدنی برای این شهر ضروری باشد. فوتبال نمونه ای از پدیده های اجتماعی است که در این شهر گروه های سنی زیادی را به خود مشغول کرده است. به نظر می رسد در عین حال که سرمایه موجود در شهر ایران شهر می تواند به توسعه فوتبال کمک کند بلکه اقبال عمومی (نوجوانان، جوانان و بزرگسالان) شهر به ویژه در رده نوجوانان پسر به فوتبال می تواند نقش مهمی در خصوص نحوه ی گذراندن حیات جمعی و افزایش کارکردهای مثبت برای نوجوانان پسر داشته باشد و از عوامل تقویت ابعاد سرمایه اجتماعی مثل: وفاق و همبستگی اجتماعی، مشارکت مدنی بالا، اعتماد اجتماعی و توسعه شبکه های اجتماعی و ... باشد که نشان از سلامت اجتماعی و روانی یک جامعه می تواند باشد.

علی رغم تعدد پژوهش های صورت گرفته در زمینه ورزش و سرمایه اجتماعی، پرداختن به تأثیر و پیامدهای فوتبال و تبیین این پدیده اجتماعی و میزان مشارکت در آن تبیین سودمندی در اختیار ما قرار می دهد. بنابراین لازم است روشن ساخت که پیامدهای اجتماعی فوتبال بر اعتماد اجتماعی نوجوانان پسر چه می تواند باشد؟ به همین منظور مطالعه حاضر در صدد «بررسی جامعه شناختی تأثیر فوتبال بر اعتماد اجتماعی نوجوانان پسر شهر ایران شهر می باشد».

۲- روش شناسی تحقیق

مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. ضمن آنکه برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین از روش کتابخانه ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. جامعه آماری و روش نمونه گیری، این تحقیق را کلیه نوجوانان فوتبالیست ساخرامند (دارای قرارداد) ۱۲ تا ۱۸ ساله های شهر ایران شهر تشکیل داده اند و به دلیل محدودیت جامعه آماری حجم نمونه ($n=N$) که ۱۷۵ نفر می باشند در نظر گرفته شد، و از روش همه شماری استفاده شد. و پرسشنامه تحقیق که محقق ساخته بود، بین کلیه پاسخ گویان توزیع شد. برای احراز اعتبار (روش اعتبار محتوا) و پایایی (آلفا کرونباخ) در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع آوری داده های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

۱. برای مشخصه های اجتماعی- جمعیت شناسی: این مشخصه ها شامل متغیر های سن، محل سکونت، میزان تحصیلات، سطح بازی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بوده است. و میانگین هر عامل به ترتیب زیر مشخص گردید: شغل پدر (۵۸/۳ درصد، آزاد)، تحصیلات شخص (۵۴/۳ درصد، متوسطه اول)، سن (۶۴ درصد، ۱۶ تا ۱۴ سال)، محل سکونت (۷۸/۳ درصد، شهر)، سطح بازی (۶۹/۱ درصد، نیم حرفه ای)، تحصیلات پدر (۵۱ درصد، دبیرستان و بالاتر) و در پایان مجموع میانگین کل افراد در عامل های ذکر شده به دست آمد.

۲. اعتماد اجتماعی: برای سنجش اعتماد اجتماعی، از گویه های اعتماد در خانواده، تیم، مدرسه و اعتماد در نهادهای عمومی استفاده شده است.

۳- اعتبار (روایی) و پایایی

برای تعیین اعتبار (روایی) پرسشنامه از روش خبرگی استفاده شد. بدین منظور پرسشنامه در اختیار چند نفر از متخصصان و اساتید آشنا به سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی و ورزش قرار گرفت و از نظرات آنان برای شناسایی اعتبار شاخص ها استفاده شد. برای سنجش پایایی نیز از آلفا کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفا کرونباخ ۸۷٪ برآورد شده است.

۴- روش تجزیه و تحلیل داده ها

داده ها توسط نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای بررسی فرضیه ها از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره استفاده شد تا مشخص شود که آیا مشارکت در فوتبال می تواند در اعتماد اجتماعی جوانان تفاوت ایجاد کند.

۵- یافته ها

جدول ۱: فراوانی سن پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
کمتر از ۱۴ سال	۴۰	۲۲,۹	۲۳,۰	۲۳,۰
بین ۱۴ تا ۱۶ سال	۱۱۲	۶۴,۰	۶۴,۴	۸۷,۴
بیشتر از ۱۶ سال	۲۲	۱۲,۶	۱۲,۶	۱۰۰,۰
جمع کل	۱۷۴	۹۹,۴	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۱	۰,۶		

با توجه به جدول فراوانی فوق رده سنی پاسخگویان به شرح زیر می باشد:

تعداد ۴۰ نفر (۲۲/۹ درصد) در رده سنی کمتر از ۱۴ سال و تعداد ۱۱۲ نفر (۶۴٪) در رده سنی ۱۴ تا ۱۸ سال و تعداد ۲۲ نفر (۱۲/۶ درصد) در رده سنی بیشتر از ۱۶ سال بوده اند. همچنین تعداد ۱ نفر (۰/۶ درصد) به این سؤال پاسخ نداده اند. بنابراین بیشترین حجم پاسخگویان را افراد ۱۴-۱۶ سال تشکیل می دهند. بنابراین بیشترین حجم پاسخگویان را افراد ۱۴-۱۶ سال تشکیل می دهند.

جدول ۲: فراوانی سطح تحصیلات پاسخگویان

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
ابتدایی	۶۱	۳۴,۹	۳۵,۳	۳۵,۳
متوسطه اول	۳۵	۵۴,۳	۵۴,۹	۹۰,۲
متوسطه دوم	۱۲	۶,۹	۶,۹	۹۷,۱
ترک تحصیل	۵	۲,۹	۲,۹	۱۰۰,۰
جمع کل	۱۷۳	۹۸,۹	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۲	۱,۱		

با توجه به جدول فراوانی فوق سطح تحصیلات پاسخگویان به شرح زیر می باشد:

تعداد ۶۱ نفر (۳۴/۹ درصد) ابتدایی و تعداد ۹۵ نفر (۵۴/۳ درصد) متوسطه اول و تعداد ۱۲ نفر (۶/۹ درصد) متوسطه دوم و تعداد ۵ نفر (۲/۹ درصد) ترک تحصیل کرده اند، همچنین تعداد ۲ نفر (۱/۲ درصد) به این سؤال پاسخ نداده اند با توجه به فراوانی فوق و نمودار میله ای مربوط به سطح تحصیلات پاسخگویان مشاهده می شود بیشترین حجم پاسخگویان را افراد دارای مدرک متوسطه اول تشکیل می دهند.

جدول ۳: فراوانی سطح فوتبال بازیکنان

سطح فوتبال بازیکنان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
نیم حرفه ای	۱۲۱	۶۹,۱	۶۹,۱	۶۹,۱
آماتور	۵۴	۳۰,۹	۳۰,۹	۱۰۰,۰
جمع کل	۱۷۵	۱۰۰,۰		
بدون پاسخ	۰	۰		

با توجه به جدول فراوانی سطح فوتبال بازیکنان به شرح زیر می باشد:

تعداد ۵۴ نفر (۳۰/۹ درصد) آماتور و تعداد ۱۲۱ نفر (۶۹/۱ درصد) نیم حرفه ای تشکیل می دهند. بیشترین حجم پاسخگویان را افراد با سطح فوتبال نیم حرفه ای تشکیل می دهند.

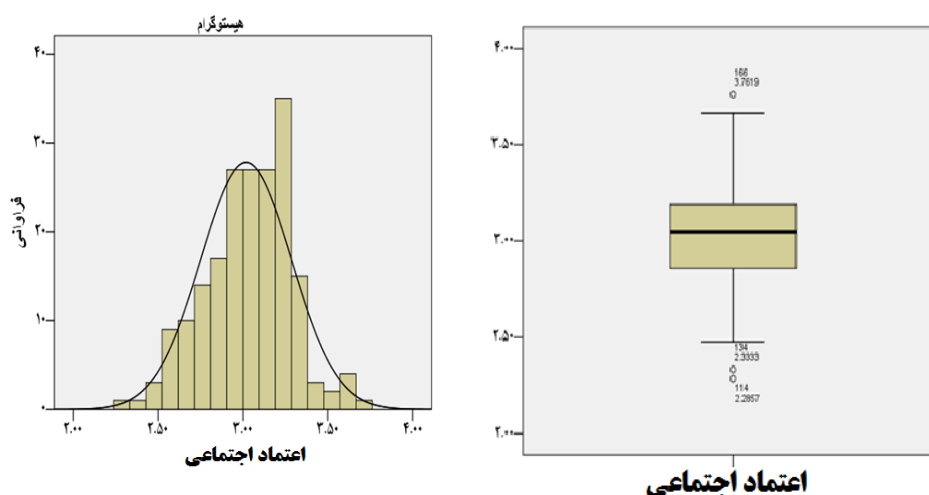
۵-۱- توصیف متغیر اعتماد اجتماعی

جدول ۴: توصیف متغیر اعتماد اجتماعی

میانگین گویه	میانگین	میانه	مد	استاندارد انحراف معیار	بیشترین نمره	کمترین نمره	چولگی	کشیدگی	تعداد
۲/۵	۳/۰۱	۳/۰۴	۳/۱۹	۰/۲۶۷	۳/۷۶	۲/۲۹	-۰/۰۹۹	-۰/۰۰۳	۱۷۵

با توجه اطلاعات جدول فوق می‌توان نتایج زیر را گرفت:

با توجه به میانگین (۳/۰۱)، میانه (۳/۰۴) و مد (۳/۱۹) متغیر که تمامی از میانگین گویه (۲/۵) مورد نظر بیشتر می‌باشند نتیجه می‌گیریم پاسخگویان در پاسخ به این متغیر گزینه (متوسط و زیاد) را انتخاب کرده‌اند. با توجه به استاندارد انحراف معیار (۰/۲۶۷) متغیر نتیجه می‌گیریم پراکندگی متغیر فوق کم می‌باشد و این بدان معناست که نظر پاسخگویان نسبت به متغیر فوق نزدیک به هم بوده است. با توجه به بیشترین مقدار (۳/۷۶) و کمترین مقدار (۲/۲۹) نتیجه می‌گیریم که بیشتر پاسخ‌ها در متغیر فوق به گزینه (متوسط و زیاد) داده شده است، زیرا که کمترین مقدار گویه (۱) و بیشترین مقدار گویه مورد نظر (۵) می‌باشد اما کمترین مقدار پاسخگویان (۲/۲۹) بوده است. با توجه به چولگی (۰/۰۹۹-) و کشیدگی (۰/۰۰۳-) متغیر فوق می‌توان نتیجه گرفت این متغیر دارای توزیع نرمال می‌باشد.



نمودار ۱: نمودار هیستوگرام و جعبه‌ای مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی

در نمودار جعبه‌ای چارک اول (۲/۸۵) و سوم (۳/۱۹) می‌باشد و خطی که در داخل جعبه است میانه (۳/۰۴) را مشخص می‌کند. با توجه به نمودار هیستوگرام مشاهده می‌شود که بیشترین فراوانی در سمت راست نمودار می‌باشد که نشان دهنده مثبت بود نظر پاسخگویان نسبت به این متغیر است. با توجه به اطلاعات جدول و نمودارهای فوق می‌توان در مورد متغیر مورد نظر که از پرسش ۵ گزینه‌ای تشکیل شده است نتیجه گرفت که پاسخگویان متغیر فوق را تایید کرده و اکثراً به گزینه (متوسط و زیاد) نظر داده‌اند.

الف) آزمون خی-دو استقلال

ابتدا با استفاده از آزمون خی-دو استقلال، استقلال یا همبسته بودن را بررسی می‌کنیم، زیرا اگر متغیرها مستقل باشند در نتیجه همبستگی ندارند و محاسبه ضریب همبستگی اشتباه است.

H_0 : میزان مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی از هم مستقل هستند.

H_1 : میزان مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی از هم مستقل نیستند.

جدول ۵: آزمون خی-دو

آماره آزمون	مقدار آزمون	P-مقدار
آماره خی-دو	۲/۳۶	۰/۰۰۰

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها چون در آزمون خی-دو سطح معناداری ۰/۰۰ به دست آمده است بنابراین سطح H_0 در سطح معنی داری ۰/۰۵ رد می‌شود و این بدان معناست که میزان مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی از هم مستقل نیستند.

ب) آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن

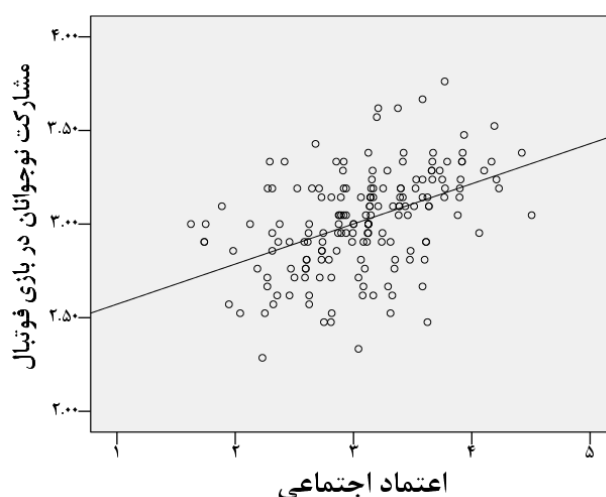
H_0 : بین میزان مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین میزان مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۶: آزمون فرضیه براساس ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون

آماره همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	وجود رابطه	شدت همبستگی	نوع رابطه
پیرسون	۰/۴۵۴	۰,۰۰۰	دارد	متوسط	مستقیم
اسپیرمن	۰/۵۰۰	۰,۰۰۰	دارد	متوسط	مستقیم

براساس مقادیر مشاهده شده در جدول فوق می‌توان این گونه ابراز نمود که مقدار Sig در هر دو آزمون کوچکتر از سطح معناداری (۰/۰۵) می‌باشد. لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. و مقدار همبستگی به دست آمده نیز بیانگر معنی‌دار بودن رابطه بین دو متغیر است و مثبت بودن ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان دهنده مستقیم بودن رابطه و افزایشی بودن رابطه است.



نمودار ۲: پراکندگی مربوط به متغیر مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی

بررسی رابطه میزان شرکت در بازی فوتبال با میزان و نوع اعتماد اجتماعی (در مدرسه، تیم، خانواده و نهادهای اجتماعی) برای تشخیص معنی‌دار بودن رگرسیون از جدول آنالیز واریانس استفاده می‌کنیم.

H_0 : رگرسیون معنادار نیست.

H_1 : رگرسیون معنادار است.

جدول ۷: آنالیز واریانس

منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۹,۴۴۶	۴	۲,۳۶۱	۵۲,۳۰۶	۰,۰۰۰
خطا	۷,۶۷۵	۱۷۰	۰.۰۴۵		
کل	۱۷,۱۲۱	۱۷۴			

باتوجه به سطح معناداری رگرسیون (۰/۰۰) و کمتر بودن آن از خطای نوع اول آلفا (۰/۰۵) فرض صفر آزمون رد می‌شود و رگرسیون معنادار می‌باشد.

جدول ۸: خلاصه مدل

R	R2	اصلاح شده R2
.743	.552	.541

با توجه به مقدار بدست آمده در جدول تقریباً ۵۴٪ از پراکندگی مشارکت در بازی فوتبال توسط چهار عامل مدرسه، خانواده، نهادهای اجتماعی، تیم فوتبال توجیه می شود و ۴۶٪ مربوط به عامل های دیگر و خطاها است.

جدول ۹: ضرایب بتا

مدل	ضریب های غیر استاندارد	انحراف معیار خطا	ضرایب استاندارد	T	سطح معناداری
ثابت	.682	.233		3.765	.000
مدرسه	.073	.074	.058	.987	.000
خانواده	.252	.059	.538	7.677	.000
نهادهای اجتماعی	.۱92	.032	.637	12.261	.000
تیم فوتبال	.084	.044	.135	1.916	.047

با توجه به جدول ضرایب بتا مشاهده می شود مقدار ثابت متغیر میزان مشارکت نوجوانان در بازی فوتبال بدون دخالت هیچ متغیری ۰/۶۸۲ می باشد و ضریب بتا تمام متغیر ها پذیرفته می شود (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵) همچنین بیشترین ضریب تأثیر متعلق به متغیر مدرسه می باشد.

نتیجه گیری

یافته های این بررسی رابطه معنی داری را بین میزان مشارکت در بازی فوتبال و میزان اعتماد اجتماعی نشان داد. برای بررسی میزان اعتماد اجتماعی که در واقع یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته های این پژوهش با نتایج به دست آمده توسط جاروی (۱۹۹۸)، و دلانی و کینی (۲۰۰۵) هماهنگ است. اندازه گیری های گوناگونی توسط کلنن (۱۹۹۸)، هال (۱۹۹۹) و پانتنام (۲۰۰۰) برای سنجش سرمایه اجتماعی به کار برده شده اند. الیوت (۲۰۰۱)، در این پژوهش تأثیر شاخص های سرمایه اجتماعی و نقش آنها بر ورزش مورد بررسی قرار گرفته و از نظریات کلنن درباره اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از شاخص های اصلی بعد ساختاری در مفهوم سرمایه اجتماعی و تأکید پوتنام بر احساس تعلق و تعامل اجتماعی به عنوان بعد شناختی در مفهوم سرمایه اجتماعی توجه گردیده است. کریشنا و آپهاف (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی در راجستان (یکی از استان های هند) بر شاخص های ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی تأکید کردند. اگر بپذیریم که اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، متغیری مهم و اثر گذار در جامعه می باشد، توجه به این متغیر و تقویت آن به نوبه خود می تواند در تحقیقات آتی نقش به سزایی داشته باشد. سرمایه اجتماعی، شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می شود.

پیشنهادهایی که براساس یافته های این پژوهش می توان ارائه داد به این شرح است: ۱- توجه آموزش و پرورش در دوره ابتدایی به مسائل ورزشی و هنری برای افزایش سرمایه اجتماعی به طور عام و اعتماد اجتماعی به طور خاص؛ ۲- آموزش اعضای خانواده برای نحوه افزایش سرمایه اجتماعی و در مرحله بعد آموزش خانواده به فرزندان؛ ۳- ایجاد زمین های ورزشی برای بازی فوتبال در محلات برای ترغیب بیشتر نوجوانان و جوانان به ورزش فوتبال؛ ۴- برگزاری همایش و انجام پژوهش ها در حوزه فوتبال با توجه به تأثیر مثبت آن در افزایش سرمایه اجتماعی و متغیر اعتماد اجتماعی.

- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه»، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان: تهران، نشر شیرازه.
- پارسامهر، مهربان، جسمانی، سمیه (۱۳۹۰)، «نقش سرمایه اجتماعی بر مصرف ورزش (تماشای ورزش) مطالعه جوانان شهر یزد»، دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال اول (نهم پیاپی)، صفحات ۷۳-۸۵.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه ای بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی شهروندان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر بابل»، مجله حرکت، (۳۷) صفحات ۳۷-۱۵۳.
- Atherley, Kim M. (2006). Sport, Localism and Social Capital in Rural Western Australia . Geographical Research, Volume 44, Number 4, December 2006, pp. 348-360(13)
- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital in Baron, S. Field, J. Schuller, T. (Eds) (2000) Social Capital – Critical Perspectives Oxford University Press.
- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital, in John G. Richardson (EDT), Handbook of Theory and Research in the Sociology of Education, New York, Greenwald Press.
- Coleman, J.S., (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. American Journal of Sociology 94, S95-S120.
- Delaney, L. & Keaney, E. (2005). Sport and Social Capital in the United Kingdom: Statistical Evidence from National and International Survey Data. Dublin institute for publicity reaserch(ipp), London- commissioned by the Department of cultural Media and Sport.
- Elliot, I. (2001). Social Capital and Health: Literature review. Institute of Public health in Ireland. Unpublisht report.
- Fukuyama, F. (1999). Social Capital and Civil Society, Paper prepared for delivery at the IMF Conference on Second Generation Reforms, November 8-9, 1999, IMF Institute and the Fiscal Affairs Department, Washington, D.C.
- Fukuyama, F. (2003). Still Disenchanted? The Modernity of Postindustrial Capitalism, CSES Working Paper Series, No. 3, Center for the Study of Economy and Society, Cornell University.
- Tonts, M. (2005). Competitive Sport and Social Capital in Rural Australia. Journal of Rural Studies, v21 n2 p137.

مطالعه انسجام‌های معاشرتی، اظهاری، ساختاری و رابطه آنها با یکدیگر در خانواده‌های تهرانی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰

کد مقاله: ۵۳۳۹۳

خدیجه سفیری^۱، افسانه کمالی^۲، زهرا ملا^۳

چکیده

از میان انواع روابط خانوادگی که در تحقیقات جامعه‌شناسانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده که رابطه‌ای در دوره بزرگسالی است، کمتر توجه شده است. لذا، در تحقیق حاضر با استفاده از مدل مفهومی انسجام خانوادگی^۱ که اشاره دارد به پیوستگی میان والدین و فرزندی که منزل پدری را ترک کرده و زندگی جدید خود را بنا نهاده‌اند^۲ به بررسی سه بعد از ابعاد انسجام خانوادگی (انسجام معاشرتی، اظهاری، ساختاری) می‌پردازیم. این پژوهش با روش پیمایش، ابزار پرسشنامه، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با نمونه‌ای مشتمل بر ۲۵۶ نفر که شامل فرزندان ازدواج کرده ۲۰ تا ۶۰ ساله‌ی سه منطقه از شهر تهران است، به اجرا درآمد. نتایج نشان دادند که میزان انسجام معاشرتی و اظهاری در خانواده‌های تهرانی بالاتر از حد متوسط است و از میان مولفه‌های انسجام ساختاری، می‌توان گفت که فاصله جغرافیایی و متغیر ترتیب تولد تنها با انسجام معاشرتی رابطه داشته‌اند؛ همچنین متغیر وضعیت سلامتی والدین و فرزندان ازدواج کرده، با انسجام معاشرتی و نیز انسجام اظهاری رابطه برقرار نمودند؛ در ادامه متغیر وضعیت والدینی فرزندان ازدواج کرده (والدین بودن فرزندان ازدواج کرده) با هر دو انسجام معاشرتی و اظهاری رابطه داشت. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که ۳۳،۴ درصد از تغییرات انسجام معاشرتی و ۲۰،۵ درصد از واریانس انسجام اظهاری به‌واسطه متغیرهای مورد نظر تبیین شده‌اند.

واژگان کلیدی: انسجام معاشرتی، انسجام اظهاری، انسجام ساختاری، رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده

۱- دکتری جامعه‌شناسی و استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

۲- دکتری جامعه‌شناسی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

۳- کارشناس ارشد پژوهشگری اجتماعی، دانشگاه الزهرا، نویسنده مسئول، Zahra_molla@yahoo.com

۱- مقدمه

زمانیکه مرداک در سال ۱۹۴۹ تعریف خود از خانواده را بدین صورت " خانواده گروهی اجتماعی است که به واسطه سکونت مشترک، همکاری و تعاون اقتصادی و تولید مثل مشخص می‌شود. خانواده شامل افراد بزرگسال هر دو جنس می‌شود که دست کم دو نفر از آنها رابطه جنسی مورد تصویب اجتماعی با یکدیگر دارند و یک یا چند فرزند که متعلق به بزرگسالان هم‌بالین است، خواه فرزند خودشان باشد و خواه به فرزندی پذیرفته باشند (اوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۴۱۳)" ارائه داد، شاید هرگز تصور نمی‌شد روزی فرا برسد که تعریف این محقق به عنوان تعریفی که ویژگی‌های جهان‌شمول خانواده را مدنظر قرار داده است، دیگر به کار نیاید و شکل و ساختار خانواده به گونه‌ای تغییر کند که نگاه‌ها و برداشت‌های مختلفی به آن شکل گرفته و بر اساس آنها تحقیقات فراوانی انجام بگیرند تا تغییرات و تفاوت‌های همه جانبه‌ی خانواده امروزی با خانواده در گذشته را نمایان سازند. زمانیکه جامعه به سمت صنعتی شدن حرکت کرد، خانواده نیز بر اثر پیامدهای مدرنیته و صنعتی شدن، همچون دیگر جنبه‌ها و ابعاد جامعه بدون تغییر نماند و در طول زمان و متناسب با الزامات جامعه‌ی مدرن، تغییرات جدیدی را به خود دید. تغییر ابعاد و نوع خانواده از گسترده به هسته‌ای، افزایش نرخ اشتغال زنان، تغییر در سیستم ازدواج به عنوان پیوندی مقدس، افزایش نرخ طلاق، جایگزینی هم‌خانگی به جای ازدواج‌های رسمی، افزایش تولد فرزندان خارج از چارچوب ازدواج، شکل‌گیری خانواده‌های تک والدی و همچنین ازدواج هم‌جنس‌گرایان با یکدیگر از جمله تغییرات سریعی است که خانواده در طی چند دهه گذشته تجربه نموده است. این تغییرات، برداشت‌هایی را در بین محققان حوزه خانواده در پی داشت. یکی از این برداشت‌ها بیانگر نظریه زوال و یا تضعیف رو به رشد خانواده است و حتی فرض از دست رفتن انگاره خانواده هسته‌ای را دنبال می‌کند (بوژنکو، ۲۰۱۱). برداشت دیگر ثبات را در کنار تغییر می‌بیند و نگرانی در مورد فروپاشی خانواده را نگرانی جدیدی ندانسته و معتقد است این نگرانی از گذشته تا حال و در تمامی دوره‌ها وجود داشته است (مک کارتی و ادوار دز، ۱۳۹۰: ۲۷۶). نقطه اتصال این دو برداشت، مفهومی است به نام انسجام خانوادگی که برداشت اول، آن را به زیر سوال می‌برد و برداشت دوم آن را تایید می‌کند. انسجام خانوادگی که نشان‌دهنده پیوستگی بین نسلی بعد از زمانی است که فرزندان به بزرگسالی می‌رسند و شغل خویش را بنا می‌نهند (بنستون و روبرت، ۱۹۹۱: ۸۵۶) به رابطه والدین و فرزندان در دوران بزرگسالی اشاره دارد که نسبت به دیگر دوره‌ها در چرخه زندگی خانواده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس بسیاری از محققان به این مفهوم علاقه نشان دادند و بنیان بسیاری از تحقیقات را پایه‌ریزی کردند. در ایران نیز اگرچه شاهد تغییرات در خانواده از نوع تغییرات موجود در دنیای غرب نیستیم اما متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه کنونی، خانواده تغییرات خاص خود را داشته که در پی آن می‌توان ادعا نمود رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده نیاز به بررسی و توجه دارد.

۲- بیان مسئله

چرخه زندگی خانواده به عنوان نظامی اجتماعی که عضویت در آن بر اساس پیوندهای زیستی، قانونی، عاطفی، جغرافیایی و تاریخی است و بر خلاف سایر نظام‌های دیگر، ورود به آن فقط از طریق تولد، فرزندخواندگی، قبول سرپرستی کودک یا ازدواج انجام می‌گیرد و همچنین اعضا صرفاً به واسطه مرگ یا طلاق قادر به ترک آن هستند، دارای مراحل است که مهمترین آن عبارتند از: ۱. تجربه اندوزی در خانواده اصلی، ۲. استقلال و آماده شدن برای ترک منزل، ۳. نامزدی و عقد، ۴. زوجین بدون فرزند، ۵. خانواده با فرزندان کوچک، ۶. خانواده با فرزندان نوجوان، ۷. بیرون رفتن فرزندان و سندرم آشیانه خالی، ۸. انتهای زندگی (فاتحی زاده و همکاران، ۱۳۸۴).

با نگاهی به مراحل چرخه زندگی می‌توان اینگونه استدلال کرد که فرد در مرحله اول _ تجربه اندوزی در خانواده اصلی _ را از همان بدو تولد آغاز می‌کند و در زیر سایه‌ی والدین به کسب تجربیات و مهارت‌های گوناگون می‌پردازد. در کنار رشد اجتماعی فرد در خانواده، پایه‌ی روابط عاطفی‌اش نیز بنیان گذاشته می‌شود و رابطه‌ی بچه با والدینش در دوران طفولیت، با درجه بالایی از وابستگی و تعلق خاطر نسبت به والدین و به خصوص مادر ترسیم می‌شود. با طی شدن دوره طفولیت و رشد بچه، از میزان وابستگی او به والدین کاسته و کسب استقلال هدف اصلی زندگی بچه‌ای می‌شود که اکنون به عنوان فرد بزرگسال شناخته می‌گردد. وقتی کسب استقلال جز لاینفک زندگی فرد شد، جدایی او از والدین معنای جدی‌تر به خود می‌گیرد. بوژنکو معتقد است که عمل جدایی، فرزند بزرگسال را در موقعیتی برابر و هم‌رتبه با والدینش قرار می‌دهد یعنی فرزندی که اکنون از والدین جدا شده، موقعیت یک بزرگسال را بدست آورده و در نتیجه هم او و هم والدینش در نقش بزرگسالی اشتراک پیدا می‌کنند (بوژنکو، ۲۰۱۱). از منظر ورگا، لحظه‌ی محوری در فرایند جدایی در دوران جوانی آغاز می‌شود، زمانی که فرد زندگیش را تثبیت می‌کند. او از دو نوع تغییر یا جدایی ساختاری و عاطفی نام می‌برد که جدایی ساختاری بر تغییرات اجتماعی و جغرافیایی دلالت دارد که بین والدین و فرزندان بزرگسال اتفاق می‌افتد و معمولاً متجر به این می‌شود که فرزندان خانه والدینشان را ترک کنند، به عنوان مثال به خانه دیگری نقل مکان کنند و یا ازدواج نمایند؛ و جدایی عاطفی، که معنای همکاری را در خود مستتر دارد بدین معنا که والدین و

فرزندان، روابط بزرگسال-بزرگسال را بدون سلسله مراتب یا وابستگی عاطفی تجربه می‌کنند (ورگا^۱، ۲۰۱۱). بعد از جدایی فرزند بزرگسال از والدین (در تحقیق حاضر از میان دلایل موجود برای جدایی فرزند از والدین، تنها ازدواج مورد نظر بوده است) مرحله هفتم از مراحل چرخه زندگی خانواده یعنی بیرون رفتن فرزندان از منزل پدری و روبه رو شدن والدین با سندرم آشیانه خالی^۲ شکل می‌گیرد. مطابق با نظر پاپالیا و همکارانش سندرم آشیانه خالی به معنای پایان یافتن فرزندپروری نیست، بلکه به منزله انتقال به مرحله‌ای جدید یعنی رابطه برقرار کردن والدین با فرزند ازدواج کرده است (پاپالیا و همکاران^۳، ۱۳۹۰: ۶۴۹). چرا که با جدایی فرزند از والدین به واسطه ازدواج و بیرون رفتن او از خانه‌ی پدری، هم او و هم والدین رفتار و راه‌های زندگیشان را تغییر می‌دهند به گونه‌ای که نحوه‌ی اظهارنظرکردن، رفت و آمدها، حمایت‌کردنها و ابراز علاقه‌ها تحت تاثیر عمل جدایی و ازدواج قرار می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان گفت که روابط میان فرزندان و والدین بعد از ازدواج با تحولاتی همراه است که این تحولات می‌تواند با افزایش میانگین سن ازدواج، و نیز گرایش به نومکانی زوج جدید، مورد توجه جدی قرار بگیرد.

میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۷۵، برای مردان ۲۵،۶ و برای زنان ۲۲،۴؛ در سال ۱۳۸۵ برای مردان ۲۶،۲ و برای زنان ۲۳،۳؛ و این رقم در سال ۱۳۹۰، برای مردان ۲۶،۷ و برای زنان ۲۳،۴ سال و نیز در سال ۱۳۹۵ برای مردان معادل ۲۷،۴ و برای زنان برابر با ۲۳ سال بوده است که در کل ارقام مذکور روند رو به افزایش سن ازدواج را به خوبی منعکس می‌کنند^۴. افزایش میانگین سن ازدواج منجر به برهم خوردن ساعت اجتماعی^۵ - یعنی مجموعه‌ای از هنجارها و انتظارات حاکم در اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند در مورد زمان مناسب برای وقوع رویدادهای خاصی در زندگی - می‌شود (پاپالیا و همکاران ۱۳۹۰: ۵۵۲). یعنی زمانی که فرد در زمان‌بندی مناسب و مورد انتظار ازدواج نمی‌کند یا به عبارتی دیگر در سنین بالاتر اقدام به تشکیل زندگی می‌نماید، مسئولیت‌های زندگی جدید، هنگامی خود را نشان می‌دهند که والدین او، سندرم آشیانه خالی و احساس تنهایی را در سنین بالاتری تجربه می‌کنند، در نتیجه نیاز والدین به فرزند ازدواج کرده دامن‌های گسترده‌تر به خود می‌گیرد در حالی که فرزند درگیری‌ها و مشغولیت‌های زندگی خویش را نیز بر دوش دارد. از سویی دیگر گرایش به نومکانی که فرآیندی اجتناب‌ناپذیر در ساختار خانواده هسته‌ای در ایران است، رو به افزایش دارد به طوری که ۶۱،۵٪ پاسخگویان شهری در سال ۱۳۸۲ مخالف زندگی فرزندان پس از ازدواج در کنار پدر و مادرند و فقط ۲۶،۲٪ موافق گزاره‌اند، و زنان به صورت قاطعی بیش از مردان با مسئله هم‌مکانی مخالفند و همچنین افراد تحصیل کرده مخالفت بیشتری ابراز داشته‌اند (عبیدی، ۱۳۹۳). هم‌چنین ضرورت مطالعه‌ی رابطه‌ی والدین و فرزندان ازدواج کرده، با تغییراتی که در ساختار جمعیتی ایران شکل گرفته، بیشتر خود را نمایان می‌سازد. با دقت در تغییرات ساختار جمعیتی می‌توان فهمید که میزان سالخوردگی در مقایسه با سالهای قبل رو به فزونی و میزان باروری و بعد خانوار رو به کاهش است. شاخص میزان سالخوردگی جمعیت^۶ در سال ۱۳۷۵ معادل ۴،۳۲، در سال ۱۳۸۵ برابر با ۵،۱۹ بوده و در سال ۱۳۹۰ معادل ۵،۷۲ و نیز در سال ۱۳۹۵ به ۶،۱۰ رسیده است که با عنایت به این روند صعودی، شاهد خاکستری شدن^۷ جمعیت ایران خواهیم بود. از طرفی دیگر بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ متوسط بعد خانوار در سال ۱۳۸۵، برابر با ۴ و این رقم در سال ۱۳۹۰ معادل ۳،۵ و در سال ۱۳۹۵ برابر با ۳،۳ بوده است. تعداد کم فرزندان و کاهش بعد خانواده، مواجهه سریع والدین با سندرم آشیانه خالی و تنها شدن آنان بعد از ازدواج تنها فرزند خانواده را با احتمال بیشتری امکان‌پذیر می‌کند، بنابراین وجود شبکه حمایتی غیررسمی که فرزندان در راس آن قرار می‌گیرند و نیز حس یکپارچگی میان اعضای خانواده، پایداری ارتباط والد-فرزندی، رفع حس تنهایی والدین و حفظ گرمای کانون خانواده با نقش حمایتی فرزندان ازدواج کرده اهمیت ویژه‌ای پیدا خواهد کرد. لذا رابطه والدین و فرزندان ازدواج کرده به عنوان رابطه‌ی درجه اول خویشاوندی می‌تواند پیوند و انسجام که بر جنبه‌های مثبت ارتباط مانند معاشرت؛ تعامل؛ گرمی و علاقه و ... دلالت دارد، را سازمان‌دهی کند.

با توجه به موارد مذکور می‌توان عنوان نمود که سوال اصلی تحقیق بر محور وجود و یا عدم وجود انسجام خانوادگی در خانواده‌های تهرانی می‌چرخد و با عنایت به این مهم، هدف از انجام پژوهش حاضر، سنجش میزان انسجام خانوادگی در سه بعد معاشرتی، اظهاری و ساختاری، و نیز سنجش رابطه آنها با یکدیگر است.

1 varga

2 Empty Nest Syndrom

3 Papalya et.al

۴. لازم به ذکر است که براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، برای اولین بار کاهش میانگین سن ازدواج در زنان مشاهده شده است که این رقم از ۲۳،۴ در سال ۱۳۹۰ به ۲۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

5 Social Clock

۶ شاخص میزان سالخوردگی جمعیت^۶ که حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت است.

۷. خاکستری شدن جمعیت یعنی نسبت جمعیت بالاتر از ۶۵ سال پیوسته رو به افزایش است و طی دهه‌های آینده نیز همچنان رو به افزایش خواهد بود (گیدنز، ۱۳۹۳)

۳- سوالات تحقیق

- آیا در میان خانواده‌های تهرانی، انسجام معاشرتی / اظهاری وجود دارد؟
- آیا انسجام ساختاری با انسجام معاشرتی / اظهاری رابطه معنادار دارد؟
- آیا انسجام اظهاری با انسجام معاشرتی رابطه معنادار دارد؟

۴- پیشینه تحقیق

کارل هولدزورث در سال ۲۰۰۴ در سه کشور انگلستان، اسپانیا و نروژ، حمایت خانواده در هنگام گذر از خانه والدینی را مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق از داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از والدین و فرزندان بزرگ با روش مصاحبه استفاده شد تا چگونگی حمایت خانواده از افراد جوانی که در خانه زندگی می‌کنند و یا در مرحله ترک خانه هستند را در این سه کشور بررسی گردد. نویسنده مقاله در این مطالعه در نظر دارد تا نوع حمایت فراهم شده، انواع استراتژی‌های اتخاذ شده در خصوص دادن و گرفتن حمایت و دیدگاه افراد جوان و والدین نسبت به نقش دولت را مورد کاوش قرار دهد. نتایج حاصله حاکی از این است که اگر چه استراتژی‌های دادن حمایت متغیر به نظر می‌رسد، اما حمایت خانواده به عنوان عامل کلیدی در آسان کردن ترک خانه در هر سه کشور ظاهر می‌شود. در انگلستان و نروژ، بیشترین تاکید والدین در متعادل کردن حمایت با یادگیری افراد جوان درباره مسئولیت است، چرا که حمایت بیش از اندازه را برابر با لوس شدن فرزند دانسته و معتقدند که اثر زیانباری بر روی استقلال و مسئولیت افراد جوان دارد؛ در حالی که خانواده‌های اسپانیایی، بیشترین تاکید را بر پشتیبانی از سلامت مادی افراد جوان داشتند، آنها با احتمال کمتری حمایت از فرزندان را با لوس کردن برابر دانسته‌اند و بیشتر نگران استاندارد زندگی فرزندان بودند.

تلخی همراه با شیرینی، استراتژی‌های والدین برای کنترل دوگانگی در رابطه با فرزندان بزرگسال، عنوان مقاله ای است که اسپیتز و گالت در سال ۲۰۰۴ با هدف بررسی دوگانگی‌های بین‌نسلی در خصوص رابطه والد-فرزند بزرگ به نگارش درآورده‌اند. این تحقیق به یافته‌های موجود در مورد دوگانگی‌های بین نسلی با تحلیل شرح رابطه با فرزندان بزرگ از طریق مصاحبه گروه متمرکز با والدین می‌افزاید. شرکت‌کنندگان در مصاحبه، والدین ۶۵ ساله و بیشتر با بیماری‌هایی مانند دیابت، آرتروز و ناراحتی‌های قلبی بودند. نتایج نشان داده است که شرکت‌کنندگان هنگام بحث در مورد فرزندان بزرگسالشان، میل زیادی هم برای خودمختاری و هم تماس نشان دادند، که منجر به دوگانگی در مورد دریافت کمک از سوی آنان می‌شود. والدین خودشان را مستقل تعریف می‌کردند اما امیدوار بودند که در زمان نیاز، کمک فرزندانشان در دسترس باشد. آنها از توجه بیش از اندازه فرزندان احساس اذیت می‌کنند اما از نگرانی که فرزندانشان ابراز می‌کنند، قدران هستند. شرکت‌کنندگان از استراتژی‌های گوناگونی استفاده می‌کنند تا به احساسات دوگانه‌شان سروسامان دهند، استراتژی‌هایی مانند کاهش کمکی که دریافت می‌کنند، نادیده گرفتن یا مقاومت کردن در برابر تلاش بچه‌ها به منظور کنترل، دریغ کردن اطلاعات از بچه‌ها به جهت حفظ مرزها، جستجوی دیگران به عنوان محرم اسرار، و توجیه عقلانی دوگانگی فرزندان؛ نویسنده در انتها نتیجه می‌گیرد که این استراتژی‌ها نشان می‌دهد که والدین فعالانه برای تعادل در رابطه‌شان با فرزندان سعی می‌کنند.

جیل سویتر و کارل پیلر در سال ۲۰۰۷ تحقیقی در مورد ترتیب تولد فرزندان انجام داده و نتایج آن را در مقاله‌ای با عنوان **طرفداری مادران در دوره آخر زندگی، نقش ترتیب تولد فرزندان** به نگارش درآورده‌اند. نویسندگان از داده‌های بدست آمده از رابطه ۴۲۶ مادر مسن با ۱۸۲۳ فرزند بزرگسالشان و با استفاده از تحلیل رگرسیون لجستیک به منظور بررسی رابطه بین ترتیب تولد و طرفداری والدینی استفاده کردند. تحقیق مذکور دو سوال را دنبال می‌کرد: آیا ترتیب تولد بر این که مادران به کدام فرزند به لحاظ عاطفی نزدیکتر هستند، موثر است؟ آیا ترتیب تولد بر این که مادران به کدام فرزند تمایل بیشتری دارند که به عنوان منبعی از حمایت عاطفی و کارکردی رجوع کنند، موثر است؟ یافته‌ها نشان دادند که ترتیب تولد پیوسته نقش مهمی را در توضیح طرفداری والدین از فرزندان ایفا می‌کند. به این ترتیب که آخرین فرزند بزرگسال متولد شده احتمال بیشتری دارد که به عنوان فرزندی نام بگیرد که مادران به آنها به لحاظ عاطفی نزدیکترند. فرزند اول متولد شده بیشتر محتمل است که به عنوان فرزندی که مادران به آنها در زمان مواجه با مشکلات یا بحرانهای شخصی رجوع می‌کنند، انتخاب شوند. فرزندان وسطی اساساً در انتخاب مادران جایی نداشتند، این نکته بسیار جالب به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تعداد فرزندان وسطی نمونه مورد مطالعه بیشتر از فرزندان اول و آخر بوده است. علاوه بر موارد فوق این نتیجه نیز حاصل گردید که بسیاری از مادران از این نکته آگاهی داشتند که ترتیب تولد نقش مهمی در انتخاب آنها برای فرزندان که احساس نزدیکی به آنان دارند و یا برای حمایت رویشان حساب باز می‌کنند، ایفا می‌کند.

ناتالیا تالکاچوا و همکارانش در سال ۲۰۱۰ تحقیقی به نام **تاثیر خواهران و برادران در مراقبتی که فرزندان به والدین مسنشان می‌دهند**، را انجام داده و در آن تاثیر خصوصیات و رفتارهای خواهران و برادران را بر مراقبتی که فرزندان به

والدین ارائه می‌دهند، بررسی کردند. نمونه مورد مطالعه آنها ۱۸۶ والدین مسن نیازمند به مراقبت بود که حداقل ۲ فرزند بزرگسال داشتند. نویسندگان در نتایج خود اشاره داشتند که مدل رگرسیون چندگانه شواهدی مبتنی بر تلاش‌های پیوسته فرزندان در ارائه مراقبت را نشان می‌دهد به عبارتی دیگر هر چقدر خواهران و برادران مراقبت بیشتری ارائه دهند، فرزند بزرگسال نیز مراقبت بیشتری ارائه می‌دهد؛ و تعداد بیشتر خواهر منجر می‌شود به اینکه فرزند بزرگسال، مراقبت کمتری را ارائه دهد. همچنین نتایج آشکار می‌کند که فرزندان در ارائه مراقبت جانشین یکدیگر می‌شوند و همدیگر را حمایت می‌کنند. علاوه بر این نتایج حاکی از آن است که تعداد بیشتر خواهر و برادری که دارای همسر هستند و حمایت عاطفی کمتری که خواهر و برادر به والدین می‌دهند، منجر به ارائه بیشتر مراقبت از سوی فرزند بزرگسال می‌شود. و سرانجام این مطالعه نتایج گوناگونی از انسجام خواهر و برادری را در زمانی که والدین وابسته هستند، بازتاب می‌کند.

وارد، دین و اسپیتز در تحقیقی به نام **تغییرات جریان زندگی و تماس والد-فرزند بزرگسال (۲۰۱۴)**، برای تحلیل تغییر در تماس والد-فرزند بزرگ از داده‌های دو موج پیمایش ملی خانواده و خانوار استفاده کردند. آنها در این تحقیق به این نتیجه دست یافتند که تغییر در نزدیکی جغرافیایی (مجاورت) والد-فرزند، وضعیت تاهل والد و فرزند، و نیز تغییر در موقعیت والدگری فرزند با تغییر در تماس والد-فرزندی رابطه دارد؛ زندگی مداوم همخانگی با دیگر فرزندان بزرگسال، با تماس با فرزندی که دیگر با والد همخانه نیستند، رابطه دارد؛ اما تغییر در سلامت والد بر تماس تأثیری ندارد.

لویی روسل در اثر خود تحت عنوان **"خانواده پس از ازدواج فرزندان"** سوالات یکسانی را با زوجهای جوان و زوجهای مستتری که می‌توانستند والدین آنها باشند مطرح کرد و منظور از این سوالات سنجش نزدیکی مسافت بین اقامتگاههای والدین و زوجهای جوان، میزان تماس بین آنان، نوع خدمات ارایه شده و نحوه انتقال اموال بود. نخستین نتیجه کار او، نزدیکی تعجب آور مسکن والدین و فرزندان متاهل بود. ۷۵٪ از فرزندان متاهل در فاصله کمتر از ۲۰ کیلومتری از والدین خود می‌زیستند. گرچه نزدیکی جغرافیایی عامل تعیین کننده در تعداد برقراری تماس بین والدین و فرزندان نیست، اما به وضوح عاملی موثر است. (سگالن، ۱۳۸۵)

لوری (۱۹۷۴) که درباره **جداشدن فرزندان از خانواده** بررسی‌هایی انجام داده است اظهار می‌دارد: هنگامیکه از نوه‌مسرانی که با والدین زندگی می‌کرده‌اند در مورد والدین آنها سوال شود، به طور کلی نسبت به افراد مسن تمایلات و احساسات منفی از خود نشان نمی‌دادند. نوجوانانی که در سالهای آخر دبیرستان بوده‌اند و با والدین خود زندگی می‌کرده‌اند، تمایلات مثبتی از خود نشان داده، ولی خود را چندان نزدیک به آنها ندانسته و احساس استقلال نمی‌کردند. نوه‌مسرانی که جدا از والدین زندگی می‌کرده‌اند دارای احساسات منفی بوده و تمایل به زندگی با پدران را ندارند. اما سه گروه مذکور احساسات مثبتی را نسبت به مادران داشته و آنها را کانون محبت خانواده می‌دانند (سیف، ۱۳۶۸: ۱۸۶).

۵- ادبیات نظری

از آنجایی که استفاده از مفهوم انسجام نه تنها در سطح کلان بلکه در سطح خرد نیز کاربرد دارد، در پژوهش حاضر با استفاده از مدل نظری و مفهومی بنسئون، به بررسی مفهوم انسجام پرداختیم. از منظر بنسئون و روبرت، انسجام خانوادگی نشان‌دهنده پیوستگی بین نسلی بعد از زمانی است که فرزندان به بزرگسالی می‌رسند و زندگی خویش را بنا می‌نهند. بنسئون و روبرت شش بعد از روابط فرزند-والدین را نشان می‌دهند که از آنها با عنوان عناصر ضروری انسجام خانوادگی یاد می‌کنند. پنج بعد از این ابعاد گرایش‌های رفتاری^۱، عاطفی^۲ و یا شناختی^۳ والدین-فرزند ازدواج کرده را نسبت به هم بازتاب می‌کند و عنصر ششم از انسجام خانوادگی، به فرصت‌های ساختاری مربوط می‌گردد که تعامل خانواده را هدف قرار داده و به معنی توانایی افراد برای کنش و واکنش است (بنسئون و روبرت، ۱۹۹۱: ۸۵۷-۸۵۶). بر مبنای مدل ارائه شده از سوی بنسئون، بررسی رابطه میان فرزند ازدواج کرده و والدین را از سوی فرزند به سمت والدین مورد نظر قرار داده و با توجه به مهم بودن بررسی آن، از میان ابعاد شش‌گانه انسجام خانوادگی، انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری به عنوان نمایندگان گرایش‌های رفتاری و عاطفی؛ و نیز انسجام ساختاری به عنوان شاخصی که بستر تعامل را برای زوج والد-فرزند فراهم می‌کند، انتخاب شده که چنین تعریف می‌شوند:

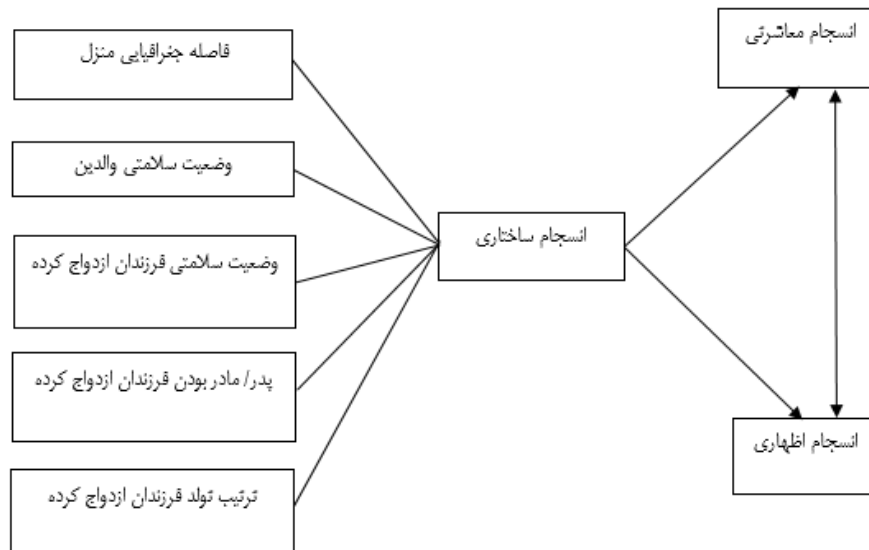
انسجام معاشرتی بیان کننده فراوانی الگوهای کنش متقابل در انواع فعالیت‌هایی است که اعضای خانواده در آن درگیر هستند. انسجام اظهاری نشانگر نوع و درجه‌ای احساسات مثبتی است که از اعضای خانواده حمایت می‌کند.

- 1 behavioral
- 2 affectual
- 3 cognitive

انسجام ساختاری که توانایی افراد برای کنش و واکنش است و شامل فاصله جغرافیایی منزل والدین و فرزندان ازدواج کرده، سلامتی والدین و فرزندان ازدواج کرده، وضعیت والدینی فرزندان ازدواج کرده (بچه داشتن و یا نداشتن فرزند ازدواج کرده) و نیز ترتیب تولد آنان است.

۵-۱- مدل تحقیق

در نتیجه با توجه به اهمیت موضوع و نیز بر مبنای نظریه بنستون، مدل زیر، مدل مورد استفاده در این پژوهش است:



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

۵-۲- فرضیات تحقیق

- بر مبنای چارچوب نظری و مدل تحقیق مورد استفاده فرضیه‌های زیر به عرصه آزمون درآمدند:
- میانگین انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در میان خانواده‌های تهرانی در چه حدی است؟
 - میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری رابطه معناداری برقرار است.
 - میان انسجام معاشرتی و اظهاری با انسجام ساختاری رابطه معناداری برقرار است.

۶- روش تحقیق

روش انتخابی ما در این تحقیق، روش کمی از نوع پیمایش است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام مردان و زنانی که حداقل یکبار ازدواج کرده و نیز حداقل یکی از والدین آنها در قید حیات بوده، و همچنین ساکن یکی از مناطق ۳، ۸، و ۱۶ شهر تهران باشند، تشکیل می‌دهند. سه منطقه مذکور نمایندگان طبقات بالا، متوسط و پایین شهر تهران هستند که بر اساس تصادف انتخاب شدند. از میان روشهای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بهره برده و به منظور تعیین حجم نمونه، برای سه منطقه ۳، ۸، و ۱۶، جدول شماره ۱ که جدول توزیع جمعیت بر حسب سن، جنس و وضع سکونت در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ است را از مرکز آمار ایران تهیه نمودیم. در مرحله بعد تمام افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله را با کمک جدول مذکور در هر سه منطقه شمارش نموده و میزان جمعیت مورد نظر در هر منطقه را محاسبه نمودیم، و از حاصل جمع آنها، جمعیت کل را بدست آوردیم. سپس با کمک فرمول کوکران، حجم نمونه را تعیین نمودیم که برابر با ۲۵۶ بدست آمد. پرسشنامه محقق ساخته ابزار مورد استفاده، اعتبار صوری تعیین کننده دقت و میزان آلفای کرونباخ نشان‌دهنده پایایی ابزار اندازه‌گیری است.

جدول شماره ۱. مقدار آلفای کرونباخ انسجام‌های معاشرتی و اظهاری فرزندان ازدواج کرده با والدین

مؤلفه‌ها	مقدار آلفا	
	مادر	پدر
انسجام معاشرتی	۰.۶۶۶	۰.۷۲۹
انسجام اظهاری	۰.۸۳۰	۰.۸۲۱

در پژوهش حاضر با کمک نرم‌افزار SPSS، برای بررسی فرضیه‌های رابطه‌ای از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، برای تحلیل فرضیه‌های مقایسه‌ای از آزمونهای تی مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده نمودیم. تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر نیز تکمیل کننده کار تحلیل در این پژوهش بودند.

۱-۶- تعریف عملیاتی

تعریف عملیاتی متغیرهای مورد بررسی که شامل انسجام‌های معاشرتی، اظهاری و ساختاری هستند را در جداول شماره ۲، جدول شماره ۳، و جدول شماره ۴ خواهیم دید.

جدول شماره ۲. تعریف عملیاتی انسجام معاشرتی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	شاخص
انسجام خانوادگی	انسجام معاشرتی	۱. فراوانی کنش و واکنش بین نسلی (مانند روابط رو در رو، تلفنی، ایمیلی)	چند وقت یکبار با پدر / مادران تلفنی صحبت می‌کنید؟ چند وقت یکبار به دیدن پدر / مادران می‌روید؟
		۲. انواع فعالیت‌های مشترک (مانند تفریحات، رویدادهای خاص و غیره)	چند وقت یکبار با پدر / مادران به گردش می‌روید؟ آیا جشن‌های خانوادگی اعم از تولدها و سالروزهای ازدواج و ... با پدر / مادران می‌گذرانید؟ آیا تعطیلات عید نوروز را با پدر / مادران می‌گذرانید؟

جدول شماره ۳. جدول تعریف عملیاتی انسجام اظهاری

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	شاخص
انسجام خانوادگی	انسجام اظهاری	اندازه تظاهر احساسات، گرمی، نزدیکی، فهم، صداقت، احترام و ... نسبت به اعضای خانواده	چقدر نسبت به پدر / مادران احساس نزدیکی می‌کنید؟ چقدر به پدر / مادران ابراز محبت می‌کنید؟ چقدر در رابطه خود با پدر / مادران صداقت دارید؟ تا چه حد قادر به درک پدر / مادران هستید؟ چقدر برای پدر / مادران احترام قائل هستید؟

جدول شماره ۴. جدول تعریف عملیاتی انسجام ساختاری

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	شاخص
انسجام خانوادگی	انسجام ساختاری	مجاورت مسکونی (فاصله جغرافیایی) ترتیب تولد وضعیت سلامتی فرزند و والدین پدر یا مادر بودن فرزندان	فاصله منزل شما تا منزل والدینتان چقدر است؟ فرزند چندم خانواده هستید؟ آیا شما در سلامت کامل به سر می‌برید؟ آیا شما قادر هستید کارهای مربوط به خویش را به تنهایی انجام دهید؟ آیا پدر / مادران در سلامت کامل به سر می‌برید؟ آیا پدر / مادران قادر هستند کارهای مربوط به خویش را به تنهایی انجام دهند؟ آیا شما دارای فرزند هستید؟

۷- نتایج

۷-۱- یافته‌های توصیفی

براساس اطلاعات حاصله از داده‌ها، ۵۷ درصد از پاسخگویان (فرزندان ازدواج کرده) را زنان و ۴۳ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین سن فرزندان ازدواج کرده معادل ۳۸،۸۶ است و بیشترین فراوانی (نما) مربوط به سن ۳۳ سال است؛ همچنین میانه نیز که مقسم فراوانی‌ها به دو دسته مساوی است برابر با ۳۷ سال بدست آمده است. ۲۹،۷ درصد فرزندان ازدواج کرده خانه‌دار، ۵۷،۸ درصدشان شاغل، و ۶،۶ درصد آنها بازنشسته بودند. به لحاظ ساختار خانواده که منظور از آن دارا بودن صرفاً مادر یا صرفاً پدر و یا داشتن هر دو والد است، ۳۱،۶ درصد از فرزندان ازدواج کرده تنها از وجود مادر بهره داشتند، ۸،۲ درصدشان تنها از نعمت داشتن پدر برخوردار بوده و ۶۰،۲ درصدشان هر دو والد پدر و مادر را در کنار خود داشتند.

در ادامه ۲۶،۶ درصد پاسخگویان فرزند اول خانواده، ۲۴،۲ درصد فرزند دوم، و ۱۹،۱ درصد آنان فرزند سوم بودند. در خصوص نقش والدینی که پاسخگویان برعهده داشتند، با توجه به داده‌ها می‌توان گفت که ۷۷،۷ درصدشان دارای فرزند و ۲۲،۳ درصد آنان بدون فرزند بودند. همچنین ۸۱،۳ درصد فرزندان ازدواج کرده از سلامتی کامل برخوردار بوده و تنها ۰،۴ آنها از نعمت سلامتی بی‌بهره بودند. این درحالیست که ۵۴ درصد مادران پاسخگویان از سلامتی کامل برخوردار بودند و ۱۱،۱ آنها به لحاظ سلامتی مشکلی اساسی داشتند و این وضعیت برای پدران به این ترتیب است که ۶۹،۷ درصد پدران در سلامتی کامل به سر می‌برند و تنها ۳،۴ درصد آنان از این نعمت بی‌بهره هستند. همچنین والدین ۲۴،۲ درصد پاسخگویان در شهر دیگری زندگی می‌کردند، ۲۷،۷ درصد والدین با فرزندان ازدواج کرده‌شان در یک شهر سکونت داشتند. ۹،۸ درصد آنان در یک آپارتمان زندگی می‌کردند و ۵،۵ درصدشان هم‌مزل بودند؛ و درصد ۱۶،۴ برای سکونت والدین و فرزندان ازدواج کرده در یک محله و یک منطقه مشترک برآورد گردید.

انسجام معاشرتی که بواسطه پنج گویه (هم برای مادران و هم برای پدران) مورد سنجش قرار گرفته و با در نظر گرفتن دو شرط دارا بودن یا نبودن مادر و پدر، با هم جمع و سپس در بازه صفر (اصلاً) تا ده (همیشه) بازتعریف شد دارای میانگینی معادل ۵،۴۷ است یعنی انسجام معاشرتی میان والدین و فرزندان ازدواج کرده در سطح متوسطی قرار دارد؛ میانه آن نیز برابر با ۵،۲ است که نشان می‌دهد میزان انسجام معاشرتی ۵۰ درصد از پاسخگویان معادل ۵،۲ و کمتر؛ و انسجام معاشرتی مابقی آنان نیز بالای ۵،۲ یعنی بالاتر از متوسط است. انحراف معیار انسجام معاشرتی به عنوان شاخص پراکندگی مورد بررسی نیز برابر با ۲،۱۲ است و می‌توان این نتیجه را گرفت که پراکندگی داده‌ها نسبت به میانگین زیاد است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در مجموع ۸ درصد از فرزندان ازدواج کرده اصلاً با والدینشان در رفت و آمد و معاشرت نبوده، ۱۹،۱ درصد به ندرت و ۳۵،۲ درصد یعنی یک سومشان در حد متوسط (گاهی) با آنان معاشرت می‌کنند. در مقابل شاهد این نکته هستیم که ۲۵،۸ درصد یعنی در حدود یک چهارم افراد مورد مطالعه در حد زیاد و ۱۲،۱ درصدشان خیلی زیاد (همیشه) با والدینشان در ارتباط و رفت و آمد هستند. آمار و ارقام مذکور به این نکته ما را رهنمون می‌شود که بیش از دو سوم نمونه مورد مطالعه به لحاظ انسجام معاشرتی در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی انسجام معاشرتی فرزندان ازدواج کرده و شاخص‌های آماری آن

گویه‌ها	اصلاً	به ندرت	گاهی	اکثراً	همیشه	میانگین	میانه	انحراف معیار
چند وقت یکبار با مادران تلفنی صحبت می‌کنید؟	۳،۸	۱،۳	۹،۸	۲۷،۲	۵۷،۹	۴،۳۲	۵	۰،۹۸
چند وقت یکبار با پدران تلفنی صحبت می‌کنید؟	۴	۲،۳	۱۶،۶	۴۳،۴	۳۳،۷	۴،۰۱	۴	۰،۹۸
چند وقت یکبار به دیدن مادران می‌روید؟	۰	۱۳،۲	۲۷،۲	۳۴	۲۵،۵	۳،۷۲	۴	۰،۹۹
چند وقت یکبار به دیدن پدران می‌روید؟	۰	۱۸،۳	۲۸	۳۰،۹	۲۲،۹	۳،۵۸	۴	۱،۰۳
چند وقت یکبار با مادران به گردش می‌روید؟	۱۳،۶	۵۲،۳	۲۴،۷	۸،۹	۰،۴	۲،۳۰	۲	۰،۸۳
چند وقت یکبار با پدران به گردش می‌روید؟	۱۳،۱	۵۸،۳	۲۰	۸	۰،۶	۲،۲۵	۲	۰،۸۰
آیا جشن‌های خانوادگی را با مادران می‌گذرانید؟	۷،۷	۱۹،۶	۲۰	۲۳،۴	۲۹،۴	۳،۴۷	۴	۱،۳۰
آیا جشن‌های خانوادگی را با پدران می‌گذرانید؟	۹،۱	۲۲،۳	۲۱،۱	۲۲،۳	۲۵،۱	۳،۳۲	۳	۱،۳۱
آیا تعطیلات عید نوروز را با مادران می‌گذرانید؟	۳	۱۰،۶	۲۱،۷	۳۳،۶	۳۱،۱	۳،۷۹	۴	۱،۰۸
آیا تعطیلات عید نوروز را با پدران می‌گذرانید؟	۳،۴	۱۳،۱	۲۱،۱	۳۶	۲۶،۳	۳،۶۹	۴	۱،۱۰
شاخص انسجام معاشرتی	۷،۸	۱۹،۱	۳۵،۲	۲۵،۸	۱۲،۱	۵،۴۷	۵،۲۰	۲،۱۲

انسجام اظهاری به واسطه پنج گویه (هم برای مادران و هم برای پدران) سنجیده شده است. این پنج گویه را ابتدا با هم جمع (با در نظر گرفتن دو شرط دارا بودن یا نبودن مادر و پدر) و سپس در بازه صفر (اصلاً) تا ده (همیشه) بازتعریف نمودیم. در مجموع ۲ درصد از فرزندان ازدواج کرده اصلاً به والدینشان ابراز عاطفی به گونه‌ای که در عمل این عاطفه و محبت را نشان دهند، نمی‌کنند، که البته این میزان خیلی کم بوده و می‌توان از آن نتیجه گرفت که فرزندان ازدواج کرده نسبت به ابراز علاقه به

والدینشان بی تفاوت نبوده و در این خصوص قوی عمل می‌کنند. ۸,۲ درصد کم به گونه‌ای مشهود به والدین ابراز عاطفه می‌کنند. لذا با توجه به ارقام مذکور تنها ۱۰,۲ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه در ابراز محبت به والدین سختگیرانه رفتار می‌کنند. ۲۲,۷ درصد یعنی در حدود یک پنجم فرزندان ازدواج کرده در حد متوسط ابراز علاقه می‌کنند و در مقابل ما می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که ۳۹,۸ درصد یعنی بیش از یک سوم افراد مورد بررسی زیاد و ۲۷,۳ درصدشان خیلی زیاد نسبت به والدینشان ابراز عاطفه و محبت دارند. پس می‌توان گفت که بیش از ۶۰ درصد فرزندان ازدواج کرده این علاقه را به صورت عملی یا به عبارتی با در آغوش گرفتن یا بوسیدن و اعمالی از این قبیل نشان می‌دهند. آمار و ارقام مذکور این نکته را نمایان می‌کند که بیش از دو سوم نمونه مورد مطالعه به لحاظ انسجام اظهاری یا عاطفی در وضعیت خیلی خوبی به سر می‌برند. شاخصهای مرکزی و پراکندگی مورد بررسی نیز این نتیجه را تایید می‌کند به نحوی که میانگین میزان انسجام اظهاری که در بازه صفر تا ده قابل تفسیر است، معادل ۶,۷۵ است به این معنا که میزان انسجام اظهاری میان والدین و فرزندان ازدواج کرده‌شان از حد متوسط بالاتر است. میانه _ مقسم فراوانی به دو گروه مساوی _ برابر با ۶,۷۱ است که نشانگر این مهم است که میزان انسجام اظهاری نیمی از فرزندان ازدواج کرده معادل ۶,۷۱ و کمتر؛ و انسجام اظهاری مابقی آنان نیز بالای ۶,۷۱ است. انحراف معیار آن برابر با ۱,۹۶ به این معنا که پراکندگی داده نسبت به میانگین نسبتاً زیاد و اختلاف بین نمونه تا حدودی نسبتاً زیاد است.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی انسجام اظهاری فرزندان ازدواج کرده و شاخص‌های آماری آن

گویه‌ها	اصلا	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	میانه	انحراف معیار
چقدر نسبت به مادران احساس نزدیکی می‌کنید؟	۰	۲,۶	۱۱,۱	۳۴,۹	۵۱,۵	۴,۳۵	۵	۰,۷۷
چقدر نسبت به پدرتان احساس نزدیکی می‌کنید؟	۰,۶	۴,۶	۲۱,۷	۳۸,۹	۳۴,۳	۴,۰۲	۴	۰,۸۹
چقدر به مادران ابراز محبت می‌کنید؟	۱,۷	۸,۱	۱۹,۶	۳۴,۵	۳۶,۲	۳,۹۵	۴	۱,۰۱
چقدر به پدرتان ابراز محبت می‌کنید؟	۴,۶	۱۰,۹	۲۹,۱	۳۰,۹	۲۴,۶	۳,۶۰	۴	۱,۱۰
چقدر در رابطه خود با مادران صداقت دارید؟	۰	۴,۳	۸,۱	۴۰	۴۷,۷	۴,۳۱	۴	۰,۷۹
چقدر در رابطه خود با پدرتان صداقت دارید؟	۰	۵,۷	۱۴,۳	۳۹,۴	۴۰,۶	۴,۱۵	۴	۰,۸۷
چقدر قادر به درک مادران هستید؟	۰,۴	۳	۱۷,۹	۴۵,۱	۳۳,۶	۴,۰۹	۴	۰,۸۱
چقدر قادر به درک پدرتان هستید؟	۰	۵,۷	۲۰,۶	۴۴,۶	۲۹,۱	۳,۹۷	۴	۰,۸۵
چقدر برای مادران احترام قائلید؟	۰	۰,۹	۵,۵	۲۶	۶۷,۷	۴,۶۰	۵	۰,۶۳
چقدر برای پدرتان احترام قائلید؟	۰	۱,۷	۵,۷	۲۹,۷	۶۲,۹	۴,۵۴	۵	۰,۶۸
شاخص انسجام اظهاری یا عاطفی	۲	۸,۲	۲۲,۷	۳۹,۸	۲۷,۳	۶,۷۵	۶,۷۱	۱,۹۶

۷-۲- یافته‌های استنباطی

فرضیه اول که فرضیه‌ای مقایسه‌ای و از نوع تک گروه است به بررسی میانگین انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در میان خانواده‌های تهرانی می‌پردازد. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای با در نظر گرفتن معیار صفر، نشان می‌دهد که انسجام معاشرتی و اظهاری در نمونه مورد مطالعه وجود داشته و نیز در سطح معناداری ۰,۰۰ و با فاصله اطمینان ۹۹ درصد میانگین انسجام معاشرتی برابر با ۵,۴۸ و میانگین انسجام اظهاری برابر با ۶,۷۵ بدست آمده است. در نتیجه به دلیل معنادار بودن آزمون تی تک نمونه‌ای می‌توانیم نتیجه حاصله را به جامعه تعمیم داده و بگوییم که انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در جامعه وجود دارد و نیز قوت انسجام اظهاری بیشتر است. همچنین بار دیگر از آزمون تی تک نمونه‌ای با در نظر گرفتن معیار ۵، استفاده نمودیم تا میزان انسجام معاشرتی و اظهاری را در جامعه برآورد نماییم. بر اساس نتایج حاصله، در سطح معناداری ۰,۰۰ و با فاصله اطمینان ۹۹ درصد، میزان انسجام‌های معاشرتی و اظهاری در حد متوسط و بیشتر برآورد گردید و این نتیجه قابلیت تعمیم به جامعه را دارد.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای انسجام معاشرتی و اظهاری

	معیار صفر		معیار پنج	
	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
میانگین	۵,۴۸	۶,۷۵	۵,۴۸	۶,۷۵
آزمون تی	۴۱,۲۷۹	۵۴,۹۲۸	۳,۵۸۸	۱۴,۲۵۱
سطح معناداری	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

فرضیه دوم که وجود رابطه‌ی معنادار میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری را با کمک آزمون همبستگی پیرسون مورد مذاقه قرار می‌دهد، نشانگر این نتیجه بود که میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری رابطه‌ای قوی و از نوع مستقیم برقرار است

به این معنا که با افزایش انسجام معاشرتی، میزان انسجام اظهاری نیز فزونی می‌گیرد و با کاهش انسجام معاشرتی، انسجام اظهاری با نقصان و کاستی مواجهه می‌گردد.

جدول شماره ۸. نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری

انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
$r = 0.613$ $Sig = 0.00$ $N = 256$	

فرضیه سوم مبتنی بر بررسی رابطه میان انسجام معاشرتی و انسجام اظهاری با انسجام ساختاری است. از آنجایی که انسجام ساختاری بواسطه مولفه‌های گوناگونی مانند سلامتی فرزند ازدواج کرده و والدین، فاصله جغرافیایی منزل آنها نسبت به هم، ترتیب تولد فرزند ازدواج کرده و نیز پدر یا مادر بودن فرزند ازدواج کرده (وضعیت والدینی آنها)، مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ در ادامه رابطه میان دو انسجام معاشرتی و اظهاری را با تک تک مولفه‌های انسجام ساختاری مورد سنجش قرار می‌دهیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متغیر فاصله جغرافیایی از میان دو انسجام مذکور تنها با انسجام معاشرتی رابطه معناداری برقرار نموده است. همانطور که در جدول ۴ آمده، نتایج آزمون تحلیل واریانس نشانگر آن است که میانگین نمره انسجام معاشرتی پاسخگویانی که والدینشان در شهر دیگری زندگی می‌کنند برابر با ۴٫۵۸، پاسخگویانی که با والدینشان در یک شهر زندگی می‌کنند برابر با ۴٫۹۸، و پاسخگویانی که همراه والدینشان در یک منطقه ساکن هستند برابر با ۵٫۸۹، و نیز انسجام معاشرتی پاسخگویانی که با والدینشان در یک محله مستقر هستند برابر با ۶٫۴۶ برآورد گردیده است و این در حالی است که میانگین انسجام معاشرتی پاسخگویانی که با والدینشان در یک آپارتمان زندگی می‌کنند معادل ۶٫۲۵ و مقدار آن برای پاسخگویان هم منزل با والدینشان برابر با ۶٫۳۷ است؛ هم‌چنین در سطح معناداری برابر با ۰٫۰۰، مقدار $F = 78.03$ معنادار تلقی می‌گردد که به معنای وجود تفاوت معنادار در میانگین انسجام معاشرتی است و در نتیجه می‌توان گفت که میزان انسجام معاشرتی فرزندان که به همراه والدینشان در یک محله زندگی می‌کنند از همه بیشتر و در مرتبه دوم نیز فرزندان هم منزل با والدین قرار می‌گیرند که میزان انسجام معاشرتی بالایی دارند؛ در مقابل فرزندان که والدینشان دور از آنها و در شهر دیگری زندگی می‌کنند، از میزان انسجام معاشرتی کمتری برخوردارند.

جدول شماره ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون انسجام معاشرتی و اظهاری بر حسب فاصله جغرافیایی

انواع انسجام		انسجام معاشرتی		انسجام اظهاری
فاصله جغرافیایی		میانگین	آزمون آماری	میانگین
زندگی در شهر دیگر	زندگی در یک شهر	۴٫۵۸	$F = 7.024$ $Sig = 0.00$	۶٫۹۳
	زندگی در یک منطقه	۴٫۹۸		۶٫۵۷
	زندگی در یک محله	۵٫۸۹		۷٫۰۱
	زندگی در یک آپارتمان	۶٫۴۶		۶٫۹۵
	هم منزل هستیم	۶٫۲۵		۶٫۳۰
		۶٫۳۷		۶٫۳۳

ترتیب تولد به عنوان یک متغیر ساختاری، رابطه معناداری با انسجام معاشرتی دارد در حالی که با انسجام اظهاری ندارد. مقدار ضریب اسپیرمن میان ترتیب تولد و انسجام معاشرتی در سطح معناداری ۰٫۰۰ برابر با ۰٫۲- است که نشان از رابطه‌ای ضعیف دارد و به این دلیل که رابطه از نوع معکوس است می‌توان گفت که فرزندان که زودتر به دنیا آمده‌اند مانند فرزندان اول یا دوم، انسجام معاشرتی کمتری نسبت به فرزندان دارند که دیرتر به دنیا آمده‌اند مانند فرزندان آخر یا یکی مانده به آخر. به این معنا که فرزندان آخر تمایل بیشتری نسبت به برقراری تماس‌های تلفنی و یا تماس‌های رو در رو و نیز شرکت در فعالیت‌های مشترکی مانند شرکت در جشن‌ها و اعیاد و ... با والدینشان دارند تا فرزندان که زودتر از آنها به دنیا آمده‌اند.

جدول شماره ۱۰. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن میان ترتیب تولد فرزند ازدواج کرده و انسجام معاشرتی و اظهاری

انواع انسجام	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
ترتیب تولد	$r_s = -0.20$ $Sig = 0.00$ $N = 256$	$r_s = -0.11$ $Sig = 0.06$ $N = 256$
ترتیب تولد پاسخگو		

در بررسی وجود تفاوت در میانگین انسجام معاشرتی و اظهاری بر حسب اینکه آیا پاسخگو خود دارای فرزند است یا خیر، با کمک آزمون تی مستقل به این نتیجه دست یافتیم که میانگین انسجام‌های معاشرتی، اظهاری بر حسب اینکه پاسخگو فرزند دارد یا خیر متفاوت است. هم‌چنین نتایج نشان داده‌اند که با پذیرش فرض برابری واریانس‌ها، مقدار آماره t برای انسجام معاشرتی در سطح معناداری مطلوب به لحاظ آماری، برابر با ۳,۰۱ برآورد گردیده که معنادار بوده و در نتیجه می‌توان گفت تفاوت میان میانگین انسجام معاشرتی پاسخگویی که فرزند دارند و برابر با ۵,۲۷ و میانگین انسجام معاشرتی پاسخگویی که فرزند ندارند و معادل ۶,۲۱ بدست آمده، معنادار است بنابراین میزان انسجام معاشرتی پاسخگویان بدون فرزند بیشتر از میزان انسجام معاشرتی پاسخگویی که فرزند دارند. هم‌چنین میانگین انسجام اظهاری پاسخگویی که فرزند ندارند برابر با ۷,۲۸ و آنانی که فرزند دارند برابر با ۶,۶۰ برآورد گردیده که با پذیرش فرض برابری واریانس‌ها مقدار آماره t در سطح معناداری ۰,۰۲، معنادار بوده و این معنا را متبادر می‌سازد که میزان انسجام اظهاری پاسخگویی که فرزند ندارند به اندازه ۰,۶۷۵ بیشتر از آنانی است که فرزند دارند.

جدول شماره ۱۱. نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل انسجام معاشرتی و اظهاری / تعداد فرزند پاسخگویان

انواع انسجام	انسجام معاشرتی		انسجام اظهاری	
	میانگین	آزمون آماری	میانگین	آزمون آماری
داشتن فرزند				
فرزند ندارد	۶,۲۱	$T = ۳,۰۱$	۷,۲۸	$T = ۲,۳۰$
فرزند دارد	۵,۲۷	$Sig = ۰,۰۰$	۶,۶۰	$Sig = ۰,۰۲$

بر اساس نتایج حاصل از آزمون پیرسون، متغیر وضعیت سلامتی پاسخگویان با انسجام‌های معاشرتی و اظهاری رابطه معناداری دارد. روابط معنادار برقرار شده از نوع ضعیف و مستقیم هستند. بنابراین می‌توان گفت که با افزایش سلامتی پاسخگویان، بر میزان انسجام‌های معاشرتی و اظهاری افزوده می‌شود و نیز با رو به ضعف گذاشتن آن، از میزان آنها کاسته می‌گردد. وضعیت سلامتی مادر با هر دو انسجام مذکور رابطه‌ی معنادار و از نوع مستقیم برقرار نموده است. بطوریکه مقدار همبستگی این متغیر با انسجام معاشرتی (۰,۳۷) در حد متوسط، و مقدار همبستگی آن با انسجام اظهاری (۰,۲۹) در حد ضعیف است. لذا می‌توان گفت با افزایش سلامتی مادران، بر میزان انسجام‌های معاشرتی، اظهاری افزوده می‌گردد. وضعیت سلامتی پدر با هر دو نوع انسجام رابطه‌ی معنادار از نوع ضعیف و مستقیم برقرار کرده است بدین معنا که با افزایش سلامت پدران، بر میزان انسجام معاشرتی و اظهاری افزوده می‌گردد و برعکس با رو به نزول گذاشتن سلامتی پدران، از میزان انسجام‌های مذکور کاسته می‌شود.

جدول شماره ۱۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان وضعیت سلامتی و انسجام‌های معاشرتی و اظهاری

انواع انسجام	انسجام معاشرتی	انسجام اظهاری
وضعیت سلامتی پاسخگویان	$r = ۰,۱۲$ $Sig = ۰,۰۳$ $N = ۲۵۶$	$r = ۰,۲۲$ $Sig = ۰,۰۰$ $N = ۲۵۶$
وضعیت سلامتی مادران	$r = ۰,۳۷$ $Sig = ۰,۰۰$ $N = ۲۳۵$	$r = ۰,۲۹$ $Sig = ۰,۰۰$ $N = ۲۳۵$
وضعیت سلامتی پدران	$r = ۰,۲۱$ $Sig = ۰,۰۰$ $N = ۱۷۵$	$r = ۰,۲۳$ $Sig = ۰,۰۰$ $N = ۱۷۵$

تحلیل رگرسیون: اطلاعات حاصله از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار F رگرسیون متغیر وابسته انسجام معاشرتی برابر با ۱۶,۳۶۷ و سطح معناداری آن برابر با ۰,۰۰ برآورد شده که نشان دهنده معناداری آن در سطح ۹۹ درصد اطمینان است. بنابراین می‌توان گفت حداقل یک متغیر در رگرسیون انسجام معاشرتی وارد می‌شود. مقادیر R^2 ، R^2_{adj} برای این رگرسیون به ترتیب برابر با ۰,۵۹۷، ۰,۳۵۶، ۰,۳۳۴ است؛ که در مورد R^2_{adj} می‌توان چنین برداشت نمود که ۳۳,۴ درصد واریانس متغیر انسجام معاشرتی ناشی از تغییرات متغیرهای داخل مدل است. توجه به متغیرهای وارد شده در مدل نشان می‌دهد که متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهر دیگر) با $\beta = -۰,۴۱۶$ ، متغیر انسجام اظهاری با $\beta = ۰,۳۷۲$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک آپارتمان) با $\beta = ۰,۳۳۵$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) با $\beta = -۰,۱۷۰$ ، و متغیر وضعیت سلامتی پدران با $\beta = ۰,۱۳۹$ وارد مدل شده‌اند. بنابراین مدل استاندارد رگرسیونی انسجام معاشرتی با این متغیرها را می‌توان بدین صورت نوشت:

$$Z_{\text{زندگی در یک شهر}} = -0.170 Z_{\text{زندگی در یک آپارتمان}} + 0.235 Z_{\text{انسجام اظهاری}} + 0.372 Z_{\text{زندگی در شهر دیگر}} - 0.416 Z_{\text{انسجام معاشرتی}} + 0.139 Z_{\text{وضعیت سلامتی پدران}}$$

هم‌چنین با سطح معناداری برابر با ۰,۰۰ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد، مقدار F رگرسیون متغیر وابسته انسجام اظهاری معادل ۱۰,۸۵۳ برآورد گردیده است. این نتیجه بیانگر آن است که حداقل یک متغیر در رگرسیون انسجام اظهاری وارد می‌شود. از تحلیل رگرسیون، مقادیر $R^2 = 0.226$ ، $R = 0.475$ و $R^2_{adj} = 0.205$ بدست آمده‌اند و مقدار R^2_{adj} نشان می‌دهد که ۲۰,۵ درصد تغییرات متغیر انسجام اظهاری ناشی از تغییرات متغیرهای داخل مدل است. از میان متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی، متغیرهای انسجام اظهاری با مقدار $\beta = 0.444$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهر دیگر) با $\beta = 0.372$ ، متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) با $\beta = 0.175$ ، متغیر وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده با $\beta = 0.151$ ، وارد مدل شده‌اند. در نتیجه با توجه به این چهار متغیر مدل استاندارد رگرسیونی انسجام اظهاری اینگونه است:

$$Z_{\text{وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده}} = 0.139 Z_{\text{زندگی در یک شهر}} + 0.175 Z_{\text{زندگی در شهر دیگر}} + 0.349 Z_{\text{انسجام معاشرتی}} + 0.444 Z_{\text{انسجام اظهاری}}$$

تحلیل مسیر: همانطور که تحلیل رگرسیون نشان داد، قدرت کلی مدل استاندارد انسجام معاشرتی برابر با ۰,۳۳۴ و نیز خطای کلی آن برابر با ۰,۶۶۶ است. بر اساس نتایج تحلیل مسیر، میزان تاثیر مستقیم فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) بر انسجام معاشرتی برابر با ۰,۴۱۶-، تاثیر مستقیم متغیر انسجام اظهاری برابر با ۰,۳۷۲، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک آپارتمان) برابر با ۰,۲۳۵، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) برابر با ۰,۱۷۰-، تاثیر مستقیم متغیر وضعیت سلامتی پدران برابر با ۰,۱۳۹ است. از میان تاثیرات مستقیم نامبرده، در مرتبه اول متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) و در مرتبه دوم متغیر انسجام اظهاری بیشترین تاثیر را بر متغیر انسجام معاشرتی داشته‌اند. و نیز متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) تاثیری منفی بر انسجام معاشرتی دارد. در زیر جدول مربوط به اثرات غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای داخل مدل را گزارش می‌نماییم.

جدول شماره ۱۳. جدول اثرات متغیرهای موثر بر انسجام معاشرتی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
زندگی در شهری دیگر	-۰,۴۱۶	-	-۰,۴۱۶
انسجام اظهاری	۰,۳۷۲	-	۰,۳۷۲
زندگی در یک آپارتمان	۰,۲۳۵	۰,۰۹۶	۰,۳۳۱
زندگی در یک شهر	-۰,۱۷۰	۰,۱۵۲	-۰,۰۱۷
وضعیت سلامتی پدران	۰,۱۳۹	-	۰,۱۳۹
جمع اثرات	۰,۱۶	۰,۲۴۸	۰,۴۰۹

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انسجام اظهاری نشان دهنده آن است که میزان خطای کلی مدل ۰,۷۹۵ و قدرت کلی مدل برابر با ۰,۲۰۵ بوده و تاثیر مستقیم انسجام معاشرتی بر انسجام اظهاری برابر با ۰,۴۴۴، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) برابر با ۰,۳۴۹، تاثیر مستقیم متغیر فاصله جغرافیایی (زندگی در یک شهر) برابر با ۰,۱۷۵، تاثیر مستقیم متغیر وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده برابر با ۰,۱۵۱ است. از میان تاثیرات مستقیم نامبرده، در مرتبه اول متغیر انسجام معاشرتی و در مرتبه دوم فاصله جغرافیایی (زندگی در شهری دیگر) بیشترین تاثیر را بر متغیر انسجام اظهاری داشته‌اند. در زیر جدول مربوط به اثرات غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای داخل مدل را گزارش می‌نماییم.

جدول شماره ۱۴. جدول اثرات متغیرهای موثر بر انسجام اظهاری

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
انسجام معاشرتی	۰,۴۴۴	-	۰,۴۴۴
زندگی در شهری دیگر	۰,۳۴۹	-۰,۱۴۲	۰,۲۰۶
زندگی در یک شهر	۰,۱۷۵	۰,۰۴۴	۰,۲۱۹
وضعیت سلامتی فرزندان ازدواج کرده	۰,۱۵۱	۰,۰۴۹	۰,۲۰۰
جمع اثرات	۱,۱۱۹	-۰,۰۴۸	۱,۰۶۹

نتیجه گیری

مدل مفهومی انسجام خانوادگی بنستون، مدلی است که به خانواده به عنوان مهمترین واحد اجتماعی نگاهی مثبت داشته و آن را با تمام تغییراتی که در طی زمان رخ می‌دهد، زنده می‌پندارد. این مدل سعی دارد خانواده را آنطور که باید، ببیند و بر همین اساس از منظر بنستون، انسجام خانوادگی به عنوان مفهومی باز و سیال، در بطن خانواده به اشکال گوناگون وجود داشته و می‌تواند ابعاد مختلف رفتاری، عاطفی، شناختی و ساختی آن را پوشش دهد. بنستون و همکارانش، نظریه انسجام را در رد تئوری فروپاشی نظام خانواده در غرب مطرح نمودند. در ایران امروز، ما نیز با تغییراتی در نظام خانواده مواجه هستیم که ممکن است از بعضی جهات با تغییرات موجود در دنیای غرب متفاوت باشد، و از همین رو نظریه انسجام بنستون نیز برای ما دارای اهمیت است. با یک نگاه به روابط خانواده‌هایی که امروزه فرزندان خویش را عروس و یا داماد می‌کنند می‌توانیم دلایل اهمیت نگاه بنستون را درک کنیم. افزایش امید به زندگی در کنار افزایش سهم سالمندی در جمعیت ایران، نومکانی برخاسته از استقلال فرزندان بعد از ازدواج، مواجهه والدین با سندرم آشیانه خالی در سنین بالاتر و احتمال بروز افسردگی در آنان، کاهش بعد خانوار، و نیازمندی فرزندان به داشتن حمایت از سوی والدین به دلیل مشکلات و مسایل اقتصادی و اجتماعی، از جمله دلایلی است که می‌تواند بر اهمیت نگاه به انسجام خانواده دلالت کند. با توجه به این نگاه، انسجام معاشرتی که نشانگر رفتار اعضا در کنش و واکنش‌های روزمره و انواع تماسها، و نیز مشارکت داشتن در برنامه‌های مشترک متعدد مانند جشن‌ها و اعیاد و تفریحات مختلف است، بعدی از ابعاد رفتاری خانواده را دربرمی‌گیرد که در بررسی حاضر مورد مذاقه قرار گرفته است؛ انسجام اظهاری نیز که یکی دیگر از ابعاد انسجام خانوادگی است و به عنوان نماینده‌ی بعد عاطفی خانواده به سنجش درآمد، بیانگر میزان صمیمت و نزدیکی اعضا نسبت به هم است که قادر است نوعی دلگرمی و جاذبه عاطفی را در بین دو نسل والدین و فرزندان سازماندهی کند. همچنین انسجام ساختاری را که نشانگر بعد ساختی خانواده است، بررسی کردیم. بنستون انسجام ساختاری را بعد ششم انسجام خانوادگی می‌داند که در بیشتر تحقیقات حکم متغیر مستقل _ فرصت‌ها و یا منابع ساختاری که توانایی افراد در برقراری کنش‌ها و واکنش‌ها را پوشش می‌دهد _ را پیدا می‌کند و قدرت تاثیرگذاری بر ابعاد مختلف انسجام خانوادگی را دارد. در پژوهش حاضر ارتباط این سه بعد انسجام را با هم مورد سنجش قرار دادیم و نیز وجود یا عدم وجود انسجام معاشرتی و اظهاری را در بین خانواده‌های تهرانی بررسی نمودیم. نتایج حاکی از وجود انسجام اظهاری در حد قوی است؛ و این نکته که انسجام اظهاری با قدرت بیشتری ظاهر شده است، نشانه خوبی از وجود مهربانی و احترام در میان روابط والد و فرزندی است؛ و می‌تواند صادر کننده این معنا باشد که فرزندان امروز بر خلاف نسل‌های گذشته آموخته‌اند که باید نیاز عاطفی را در اولویت اول قرار داد و خانواده مکانی است که می‌تواند با صراحت و صداقت تمام نیاز عاطفی را به بهترین نحو برطرف کند. میانگین انسجام معاشرتی نیز نشان می‌دهد که میزان آن در سطحی بالاتر از متوسط است که می‌تواند رو به جلو حرکت کرده و ارتقا یابد اگر والدین و فرزندان، توأمان اصول اساسی برقراری ارتباط درست را بیاموزند و به کارگیرند. بنابراین فکر رایجی که در میان خانواده‌های تهرانی، امروزه زیاد به گوش می‌رسد و هیچ منطقی در پشت آن نیست مبنی بر اینکه رفت و آمد و تماسهای فرزندان با والدین، بعد از ازدواجشان کاهش می‌یابد، قابل استناد نیست و در نتایج ما مورد تایید قرار نگرفته است. همچنین بر اساس نتایج همبستگی پیرسون، وجود رابطه معنادار میان انسجام معاشرتی و اظهاری تایید شده و نتایج رگرسیون نیز نشان داد که هر دو انسجام مذکور در تبیین یکدیگر دخیل هستند. بنابراین می‌توان گفت که انسجام اظهاری و معاشرتی به عنوان عواملی که در پیوستگی نسل‌ها نقش دارند می‌توانند موجب شوند تا مقوله‌هایی مانند کاهش ارتباط کلامی و کاهش فصل مشترک‌های عاطفی که نشان از عدم پیوستگی نسل‌ها دارند، جایی برای ابراز وجود نیابند و به عنوان نمایندگان ابعاد رفتاری و عاطفی خانواده، تکمیل کننده همدیگر باشند.

در ادامه رابطه مولفه‌های انسجام ساختاری با دو انسجام معاشرتی و اظهاری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان دادند که فاصله جغرافیایی می‌تواند در اتفاق افتادن انسجام معاشرتی نقش داشته باشد؛ انسجام معاشرتی فرزندان ازدواج کرده‌ای که با والدینشان در یک محله زندگی می‌کنند بیشتر از دیگر فرزندان ازدواج کرده است، در حالیکه فرزندان که در شهری جدا از والدینشان زندگی می‌کنند، دارای انسجام معاشرتی کمتری هستند. دوری و نزدیکی فاصله منزل می‌تواند نقش مهمی داشته باشد در برقراری ارتباط تلفنی و یا تماس رو در رو و یا حتی مشارکت در جشن‌ها و اعیاد و تفریحات چرا که فرزندان این فرصت را می‌یابند که بعد از فارغ شدن از کارهای مربوط به خود و منزلشان، سری به والدینشان بزنند و یا برای رفتن به مراکز تفریحی و مسافرت‌ها با راحتی بیشتری برنامه‌ریزی کنند.

ترتیب تولد فرزند ازدواج کرده و یا این مهم که فرزند ازدواج کرده فرزند چندم خانواده است، نیز با انسجام معاشرتی ارتباط معناداری دارد به نحوی که فرزندی که در اولویت اول تولد بوده‌اند از انسجام معاشرتی کمتری برخوردارند. می‌توان گفت که فرزندی که در اولویت اول تولد بوده‌اند احتمالاً در سنین بالاتری نسبت به دیگر فرزندان قرار دارند و خود را درگیرتر از خواهران و برادران خود دانسته و فرصت کمتری برای دیدن و سرزدن به والدینشان دارند، ضمن اینکه آنان ممکن است این تصور را نیز داشته باشند که علاوه بر آنها فرزندان دیگری هم هستند که می‌توانند به والدین سر بزنند و جای خالی آنها را پر نمایند.

وضعیت والدینی فرزندان ازدواج کرده و یا به عبارتی دیگر اینکه آیا آنان فرزند دارند یا نه نیز با هر دو نوع انسجام رابطه دارد و نتیجه حاصله جالب توجه است؛ به طوریکه هر دو انسجام در فرزندان ازدواج کرده‌ای که بدون فرزند هستند، بیشتر از آنانی است که فرزند دارند. این نکته را با این استدلال می‌توان مورد بحث قرار داد که این دسته از فرزندان زمان بیشتری را می‌توانند برای والدینشان بگذارند چرا که دلمشغولی بچه و بچه‌داری و مشکلاتی که بچه با خود به همراه می‌آورد را ندارند. بنابراین بیشتر می‌توانند برای دیدن والدین و نیز تلفن زدن به آنان و مسافرت کردن یا تفریح رفتن با آنها زمان هزینه کنند؛ و نیز به لحاظ عاطفی، بیشترین عاطفه را برای والدین صرف می‌کنند چون بچه به عنوان منبعی که بیشترین عاطفه‌ی فرد را به خود اختصاص می‌دهد، هنوز در زندگی آنها ورود پیدا نکرده است.

وضعیت سلامتی خود فرزند ازدواج کرده، مادران و پدران نیز با انسجام معاشرتی و اظهاری رابطه مستقیمی دارد. دور از ذهن به نظر نمی‌رسد فرزندی که از سلامتی بیشتری برخوردار است نسبت به ابراز علاقه و نیز رفت و آمد کردن با والدینش، توجه بیشتری نشان دهد. اما نکته‌ای که اینجا قابلیت توجه بیشتر را دارد، مسئله سلامتی والدین است. روشن است که والدین با افزایش سن، به لحاظ جسمی فرتوت می‌شوند و به تدریج توانایی جسمی خود را از دست می‌دهند و یا با بیماری‌های مزمنی مانند دیابت و فشارخون دست به گریبان می‌شوند؛ و در همین نقطه است که حضور فرزندان ازدواج کرده در کنار آنان می‌تواند روحیه‌ی مثبت زندگیشان را تقویت کند. اما نتایج که دلالت بر وجود رابطه‌ی مستقیم دارد، نشان می‌دهد که با کاهش سلامتی والدین، رفت و آمد و معاشرت فرزندان و نیز ابراز علاقه عملی و معنوی آنان نیز کاهش می‌یابد. این همان نکته‌ای است که جای بحث دارد چرا که فرزندان ازدواج کرده باید به این مهم دقت داشته باشند که با رو به زوال گذاشتن سلامتی والدین، حضور فیزیکی و معنوی آنان و ابراز علاقه عملی و معنویشان اولویت اول والدین خواهد بود، چرا که با کاهش قدرت جسمی، نیاز والدین رنگ و لعابی دیگر به خود می‌گیرد که این نیاز می‌تواند دامنه رابطه میان آنها با فرزندان ازدواج کرده‌شان را دگرگون کند. توجه به این مهم قادر است سیاهی نگرانی را با روشنایی امیدواری جایگزین کند؛ امیدواری که می‌تواند سنگینی بار طرد شدن از سوی فرزند را از دوش والدین تا حدی کم کند. و از آنجایی که در شبکه‌های حمایتی، حمایت فرزند در اولویت والدین است، حمایت همه جانبه فرزندان از والدین می‌تواند نقطه قوت ارتباط آنها بوده و سبب شود تا والدین این دلخوشی را داشته باشند که در میانسالی و نیز اواخر دوره زندگی، کسانی هستند که برای وجود آنها اهمیت قائل شده و آنها را به دلیل فرسودگی جسمی و یا تحلیل سلامت روانی از خود نرانند. بنابراین انسجام مفهومی است که در ضمیر ناخودآگاه خانواده اهمیتی دارد که شاید بتوان گفت به سهولت می‌تواند دیگر مفاهیم را از رونق بیاندازد و قدرت خود را برای زنده نگه داشتن همیشگی کوچکترین عنصر اجتماعی به رخ بکشد.

در کل می‌توان گفت که وجود میزانی بالاتر از حد متوسط از انسجام معاشرتی و اظهاری در خانواده‌های تهرانی می‌تواند نکته‌ای مثبت باشد زیرا اگر فرض بگیریم که میزان این دو نوع انسجام در حد کم و یا کمتر از متوسط برآورد می‌گردید، می‌بایست حساسیت بیشتری را در خصوص آینده جامعه ایران حس می‌کردیم زیرا با توجه به فرض در نظر گرفته شده، با توجه به میانگین سنی فرزندان ازدواج کرده، فرزندان که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، از آموزش‌های قدیمی بهره برده و به دوره‌هایی از زمان تعلق دارند که خانواده برایشان معنای فرا فردی داشته است، لذا با توجه به فرض فرض شده، فرزندان که از آموزش‌های دینی و فرهنگی و سنتی پررنگ‌تری نسبت به اهمیت خانواده در زندگیشان برخوردار بودند و به مقوله خانواده نگاه جدی‌تری داشتند، انسجام کمی را نشان داده‌اند در حالیکه فرزندان نسل آینده که ممکن است این نگاه جدی فرزندان دیروز را به خانواده نداشته باشند، در آینده چه میزان انسجامی را می‌توانند نشان دهند و آیا اصلاً برایشان حمایت از خانواده، مقوله‌ای جدی‌ای خواهد بود؟ این سوالات می‌تواند نگران کننده باشد چرا که در آینده نه چندان دور که ایران با روند خاستگاری شدن جمعیت مواجه است، حمایت از خانواده و مفهوم انسجام خانوادگی از الزامات زندگی افراد خواهد بود؛ چرا که زندگی در جامعه رو به رشد ایران، روز به روز به سمت فردی شدن گرایش دارد و تنهایی افراد از ارکانی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، لذا انسجام‌های معاشرتی و اظهاری و وجود رابطه‌ی پیوسته و همبسته والدین و فرزندان ازدواج کرده می‌تواند در کم کردن تاثیر تنهایی نقش آفرینی کند. همچنین مسئولیتی که در آینده بر عهده تنها فرزند خانواده قرار خواهد گرفت، بیشتر از چیزی است که امروزه فرزندان بر عهده دارند، و تاب آوردن آنان در زیر بار این مسئولیت، می‌تواند سرنوشت حمایت از والدین و انسجام خانواده و حتی خود مقوله خانواده را تحت تاثیر قرار دهد. ضمن آنکه با توجه به همین امر نقش دولت نیز تغییر می‌کند و می‌بایست برای آینده سالخوردگان تدابیری بیاندیشد تا در کنار احساس مسئولیت فرزند، تامین کننده امنیت روانی و جسمی والدین سالخورده باشد. بنابراین اگر این فرض در این پژوهش تایید می‌گردید، می‌بایست برای آینده خانواده در ایران، به طور جدی ابراز نگرانی می‌کردیم و راه کارهایی برای رفع این نگرانی جستجو می‌نمودیم.

پیشنهادهای اجرایی

از آنجایی که سطح انسجام معاشرتی و اظهاری در سطحی میانی و متوسط برآورد گردیده است، می‌توان گفت که میزان آنها نه خیلی زیاد و نه خیلی کم است لذا این سطح از هر دو انسجام، اگر مورد توجه جدی قرار نگیرد می‌تواند به آسانی هرچه تمامتر رو به افول گذاشته و افت کند. بنابراین برای دست‌یافتن به انسجام معاشرتی و اظهاری در سطحی که نگرانی زیر سوال بردن مفهوم خانواده را کاهش دهد، برنامه‌ریزی نیاز است. برای نگه‌داشت انسجام معاشرتی با توجه به معنایی که دنبال می‌کند و رفت‌وآمدها و تماس‌ها اعم از تماس رو در رو و تلفنی را دربر می‌گیرد، و نیز پایداری انسجام اظهاری و ابراز علاقه و ایجاد محبت، که رکن اصلی و کارکرد مستقیم و خاص خانواده است، باید آموزشهای لازم را به فرزندان از سنین کودکی و نوجوانی داد تا نسبت به این مفاهیم آگاهی یافته و به سطحی از درک دست یابند که معاشرت یکی از اصول اولیه حمایت از اعضا بوده و همچنین ایجاد ارتباط عاطفی، موجب گرمی دلها و نزدیکی بیشتر میان اعضا می‌شود و احتمال بروز گسست و شکاف نسلی بدون در نظر گرفتن این دو انسجام افزایش می‌یابد، و همچنین احتمال شکل‌گیری تفاوت نسلی با افزایش تماس و ابراز محبت و علاقه نیز کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر این تصور همیشه وجود داشته است که فرزندان اول و دوم در جایگاهی متفاوت از دیگر فرزندان می‌ایستند و برای والدین تکیه‌گاه و مظهری از استقلال محسوب می‌شوند که در دوران سختی و بروز مشکلات، انتخاب اول والدین برای برقراری تماس و در دسترس بودن هستند؛ لذا در سنین بالاتر توقع والدین از بودن و حضور آنها در کنار خودشان متفاوت از دیگر فرزندان است، در نتیجه فرزندی که زودتر از خواهران و برادران خود دنیا آمده‌اند، باید بدانند که سهمی قابل‌تأمل‌تر و مهم‌تر در ارتباط با والدین بر عهده دارند و نمی‌توانند نسبت به این نقش بی‌توجه باشند. لذا باید توصیه‌های لازم به آنها در خصوص اهمیت حضورشان در کنار والدین علی‌الخصوص در دوران سالمندی‌شان، در قالب کارگاههای تحکیم روابط خانواده داده شود. از سویی دیگر مقوله‌ای مانند سلامت که بدون شک تا اندازه‌ی زیادی در آینده جمعیت ایران نقشی اساسی دارد، یکی از بنیادی‌ترین مسائلی است که بر روابط خانوادگی و ارتباط میان اعضا اثر می‌گذارد. بنابراین باید فرزندانمان را از همان کودکی به گونه‌ای آموزش دهیم تا بتوانند به این درک برسند که بیماری و نبود سلامتی نباید بر نزدیکی میان آنها و والدینشان تأثیری بگذارد چراکه والدین در دوران سختی نیاز بیشتری به فرزندان‌شان دارند و نه در دورانی که خود از سلامتی برخوردار بوده و کارهای شخصی خود را به راحتی انجام می‌دهند. فرزندان باید تحت آموزش قرار بگیرند و بدانند که حضور مثبت فرزندان در کنار والدین به هنگام بیماری، دولت را در برقراری آرامش خانواده و تامین آسایش و تجهیزات لازم به کوچکترین واحد اجتماعی یاری می‌رساند. در خصوص مجاورت مسکونی نیز باید گفت فاصله جغرافیایی منزل فرزند تا منزل والدین تحت تأثیر عواملی است که گاهی خارج از قدرت فرزندان است مانند دور بودن محل کار، نظر منفی عروس / داماد برای نزدیکی منزلشان به خانواده همسر و یا عدم وجود قدرت اقتصادی مطلوب برای خرید یا اجاره‌ی منزلی نزدیک منزل والدین و ... ، اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشند این که حتی اگر منزل فرزند از منزل والدینش دور باشد، او توانایی برقراری عدالت را داشته و بتواند نیازهای والدینش را برآورده کند. بنابراین مفهوم خانواده و نگه‌داشت و حفظ پایداری آن بستگی زیادی به آموزشهایی دارد که از بطن خود خانواده برخاسته و در دیگر نهادهای جامعه مانند مدرسه تقویت می‌شود. برنامه‌ریزی برای هدفمندی این آموزشها باید در اولویت قرار بگیرد.

پیشنهادهای پژوهشی

- انجام پژوهشی به منظور بررسی انسجام معاشرتی و اظهاری و نقش آنها در کیفیت زندگی والدین سالمند
- انجام پژوهشی به منظور بررسی انسجام معاشرتی و اظهاری و نقش آنها در رضایت از زندگی زناشویی فرزندان ازدواج کرده
- انجام پژوهشی در خصوص بررسی تأثیر انسجام معاشرتی و اظهاری بر روابط میان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نوه‌هایشان
- انجام پژوهشی جهت بررسی رابطه انسجام معاشرتی و اظهاری با دیگر ابعاد انسجام خانوادگی

- آوتویت، ویلیام؛ تام باتامور، (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی_ قرن بیستم، ترجمه حسن چاووشیان، نشر نی.
- پاپالیا، دایان ای؛ سالی وندکاس الدز؛ روت داسکین فلدمن، (۱۳۹۰)، روانشناسی رشد و تحول انسان، ترجمه داوود عرب قهستانی؛ دکتر سیامک نقشبندی؛ افسانه حیات روشنائی؛ هامایاک آوادیس یانس؛ دکتر حمیدرضا سهرابی؛ فروزنده داور پناه؛ تهران، انتشارات رشد.
- سایت مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir>
- سگالن، مارتین، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- سیف، سوسن، (۱۳۶۸)، تئوری رشد خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
- عبدی، عباس، (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر پژوهش و جامعه شناسی خانواده در ایران، نشر نی، چاپ اول.
- فاتحی‌زاده، مریم؛ فاطمه بهجتی اردکانی و احمدرضا نصرافهانی، (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، صص ۱۱۷-۱۳۵.
- گزیده نتایج سرشماری عمومی و نفوس و مسکن ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵
- مک کارتی، جین رینز؛ روزالیند ادواردز، (۱۳۹۰)، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه محمد مهدی لیبی، نشر علم، چاپ اول.
- Bengtson, Vern L and Robert E.L. Roberts, (1991). Intergenerational Solidarity in Aging Families: An Example of Formal Theory Construction, Journal of Marriage and Family, 53(4), PP. 856-870.
- Bozhenko, Elina (2011). Adult Child-Parent Relationships: On the Problem of Cassification, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 30, PP. 1625 – 1629.
- Holdsworth, Clare (2004). Family support during the transition out of the parental home in Britain, Spain and Norway, Sociology, 38(5), 909-926.
- Spitze, Glenna, Mary p.Gallant, (2004). The Bitter With the Sweet, Older Adults' Strategies for Handling Ambivalence in Relations With Their Adult Children, Research on Aging, 26(4), 387-412 .
- Suitor , J.Jill, Karl Pillemer(2007). Mother's Favoritism in Later Life: The Role of Children's Birth Order , Research on Aging , 29(1) ,32-55.
- Tolkacheva, Natalia, Marjolein Broese van Groenou, and Theo van Tilburg (2010). Sibiling Influence on Care Given by Children to Older Parents, Research on Aging, 32(6), 739-759
- Varga, A. (2011). Introduction in to the Family Systems Therapy. (2nd ed.). Moscow: Cogito.
- Ward, Russell , Glenn Deane and Glenna Spitze, (2014).Life – Course Changes and Parent –Adult Child Contact, Research on Aging, 36(5), 568-602

تفاوت بنیادی ساختار و نگرش خانواده امروز و گسست نسلی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰

کد مقاله: ۵۴۸۰۱

کبری رحیمی^۱، سعدالله رحیمی^۲، سودابه موسوی^۳

چکیده

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار آمده است. نخستین اشارت به خانواده ایرانی در عهدعتیق و دوران باستان است. نیز از ترسیمی ترین اجتماعات بشری، آریایی ها در ایران با کانون خانواده هستند این تحقیق پژوهشی با شیوه میدانی در پیشینه تحقیق تفاوت تعریف دقیق خانواده از دید صاحب نظران را به این سبب می داند که، خانواده از گذشته تا به امروز، به شدت از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی متأثر است. ولی، خانواده در قدیمی ترین اسناد چون اوستا نیز دارای جایگاه و اهمیت بوده است. یافته ها در راستای اهمیت خانواده نشان می دهد نقشهای جنسیتی همواره مهم است. رابطه نقش کمال گرایی والدین در خانواده با نقش جرات ورزی فرزندان در پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل است و فرضیه ها با ضریب همبستگی پیرسون تفاوت معناداری را نشان می دهد، تفاوت در میان دختران بیش از سایر گروه های هدف بیشتر دیده می شود. نتیجه اینکه مبانی نظری بنای خانواده بر اساس تغییرات رو به رشد و ارائه راهکاری بنیادی در روند تکاملی خانواده بیان می شود

واژگان کلیدی: گسست نسلی، تفاوت بنیادی، خانواده

۱- کارشناس ارشد مطالعات زنان؛ C7422623@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادب فارسی؛ Sadi.rahimi77@gmail.com

۳- کارشناس ارشد منابع طبیعی؛ Sodabeh.mosavi@yahoo.com

۱- مقدمه

پایبندی به حقوق کامل، در یک خانواده موفق امری ضروری بنظر می‌رسد، این توجه و اهمیت دادن به حقوق فردی و اجتماعی افراد خانواده با دسترسی به حقوق جامع شهروندی زمینه یک جامعه و جهان سالم را فراهم می‌کند، زیرا، همراه با نظام اخلاقی کامل و منسجم است که فرزندان نسل‌های متوالی رشد منطقی روز افزون را، در راه رسیدن به خانواده‌ای سالم را تجربه خواهند کرد. بر اساس تفکر کمال‌گرایی خانواده در جامعه سالم نمونه‌گیری‌ها پاسخ‌های بهتری از خود بروز می‌دهند. در یک جامعه آماری نمونه، هدف اصلی پژوهش بررسی وضعیت پایبندی فرزندان و پدر و مادر در احترام متقابل است کار تحقیق را با علاقه کاربران دخیل می‌سازد و پیش می‌برد. در این مقاله تحقیقی اهداف مقطعی نیز انعطاف‌پذیر و کارشناسی شده است. جامعه آماری ۱۸۵ تن از پسران و دختران در سن ۱۴ تا ۲۵ سال. تعداد ۵۵ دختر و ۵۰ پسر و والدین مرد ۴۰ و والدین زن ۵۵ برای نمونه‌گیری به گونه‌ای تصادفی انتخاب شده است. و ابزار نمونه‌گیری: پرسشنامه و تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها با ضریب همبستگی پیرسون است که تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و در میان دختران بیش از سایر گروه‌های هدف تفاوت بیشتر دیده می‌شود. در طرح متغیرهای تحقیق، تلاش‌ها بر رسیدن به یک نظام اخلاقی کامل و منسجم برای روابط خانوادگی، و در دسترس عموم قرار دارد. جایگاه فرزندان در ساختار خانواده و رابطه هر کدام از والدین با ایشان، تعریف می‌شود. ساختار دقیق و روشن برای خانواده تعریف می‌شود، میزان انعطاف‌پذیری در ساختار پیشنهادی خانواده تعبیه شده است. رسیدن به این مطلب که نظام حقوقی خانواده، به صورت کنونی کامل و یا نیازمند نگاهی نو است در خاتمه بررسی‌ها مشخص خواهد شد. تحقیقاتی از این دست می‌تواند پاسخگوی مسائل امروز خانواده‌ها باشد. از طرفی، شرایط فرهنگی و اجتماعی امروز تا چه حد قابل‌پذیرش است و تغییرات، در کجا و به چه میزان ضروری به نظر می‌رسد. بعلاوه اینکه، میزان پایبندی به حقوق کامل برای یک انسان در اجتماع تا چه اندازه میسر است، از اهم مسائلی است که در طی تحقیق در نظر گرفته شده است. روش تحقیق: به شیوه تحلیلی و پژوهشی، با شیوه برگ برداری از منابع مکتوب و استناد به استنباط‌های عملی در استفاده از پرسشنامه در بهبود وضعیت الگوهای ارائه شده انجام شده که در راستای یک تحقیق از نوع بنیادی جای دارد. و در هدف، اعمال مفهوم پویای یک ارتباط درست و منطقی با لحاظ کردن مقتضیات زمان است. از جهتی، حفظ اصول انسانی و اجتناب از ورود افکار التقاطی، در ساختارهای حاکم بر خانواده امروزی با چالشی کمتر، مورد نظر است و در مبانی نظری این تحقیق، بنای خانواده بر اساس تغییرات رو به رشد در روابط والدین و فرزندان و ارائه یک راهکار کارآمد در روند تکاملی خانواده در حال رشد منطقی تعریف شده است. جستجوهای دامنه وسیعی از آرا متفاوت را در زمینه رسیدن به تعریف واحدی از خانواده نمایان می‌کند.

۲- پیشینه تحقیق

تحقیقی را اشرف السادات موسوی در سال ۱۳۷۹ با موضوع عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده انجام داده اند و در نتیجه اظهار می‌کنند که: عملکرد کلی نظام خانواده‌های «سالم» و «پریشان» کارآمد بوده و تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، ولی عملکرد خانواده‌های «افسرده» در مقایسه با دو گروه دیگر ناکارآمدتر بوده است. خانواده‌های «افسرده» از همبستگی و انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار بوده و اعضا ارتباط کمتری با یکدیگر داشته‌اند. در خانواده‌های «افسرده» قدرت به طور نامتعادل بین پدر و مادر تقسیم می‌شود و اختلاف والد-فرزند بیشتر به چشم می‌خورد. والدین خانواده‌های افسرده در تربیت فرزندان ناهماهنگ بوده، از زندگی زناشویی رضایت کمتری داشتند و رابطه جوانان و والدین دوستانه و رضایت‌بخش نبوده است. در تحقیقی که محمد علی بشارت و همکارانش در سال ۱۳۸۷ با موضوع مقایسه عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلال مصرف مواد و خانواده افراد بهنجار، انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که: بین عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلال مصرف مواد افیونی و عملکرد خانواده افراد بهنجار، تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنی که مشخصه‌های خانوادگی ناکارآمد می‌توانند شدت ابتلا به اختلال‌های مصرف مواد افیونی را در معتادان پیش‌بینی کنند. همچنین، در تحقیقی که محمد حسین ساقی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ با موضوع رابطه ادراک نوجوانان از عملکرد خانواده با سازگاری آنها به انجام رسانده‌اند این نتیجه را اعلام می‌دارند که: ادراک نوجوانان از عملکردهای خانواده ارتباط معنا داری با سازگاری آنها دارد و عملکردهای خانواده می‌تواند سازگاری نوجوانان را پیش‌بینی کند. اینها تنها نمونه‌ای از گزارش کار علاقمندان پژوهشگر در امر خانواده، آنها هم در زوایایی برگزیده است که شرح بیش از این در این مقاله نمی‌گنجد.

جدول شماره ۱. متغیر- بازبرد

گسست نسل‌ها	تغییرات عمیق در نظام ارزشی و اجتماعی برای فرزندان کمتر قابل‌پذیرش نیست- نبود یک شیوه کارآمد از سوی والدین
وضعیت بانوان	وضعیت رو به بهبود و گاه جنبه ایستا

کم رنگ شدن عنصر باورها و تقدم	اصالت یافتن لذات مادی بر لذت های معنوی؛ فردگرایی
تغییرات ارزش ها	ترویج برابری و مشابهت بدون لحاظ تفاوت های جنسیتی و اختلاط نقش های خانوادگی و گاه تضعیف نقش های مادری و همسری
نبود مهارت ها و آگاهی جنسی	کم رنگ شدن نقش خانواده در انتقال مهارت ها و عدم برنامه ریزی نهاد ها و سازمان های متولی
انحراف از ساختارهای خانواده متعادل	رواج ساختار اقتدار عرضی یا دموکراسی
آموزه های مدرن	در دو جنبه، آسیب زا- مطلوب
تفکرات فمینیستی برای مشابه سازی	کم توجهی به اساس تفاوت های طبیعی زنان و مردان
تعریف درست از عشق	انعطاف پذیری، خودشناسی بر مبنای اعتقاد و باور عاشقانه

جدول شماره ۲. متغیرها، تعداد، درصد

متغیر	تعداد	درصد
خرده نظام های تاثیرگذار	۱۶	۰.۴
تغییرات ساختاری نوگرا	۳۹	۰.۱۱
انحراف از ساختارهای سنتی	۴۳	۰.۱۳
تغییر نگرش - جرات ورزی	۲۲	۰.۶
فقدان مهارت	۵	۰.۶
تحقیر یا تحمیل و تغییر ارزش ها	۱۹	۰.۵
کم شدن ارتباط نسل ها	۹۸	۰.۳۰
کمال گرایی	۸۹	۰.۲۷
تفاهم	۳	۰.۱۱
نداشتن آگاهی	۴	۰.۳
تعادل روانی	۱۱	۰.۳
واقع بینی پایدار	۵	۰.۳

کم شدن ارتباط نسل ها (۰.۳۰) آمار را در مرتبه نخست جدول دارد، و کمال گرایی با ضریب تاثیر (۰.۳۷) مکان دوم را در اختیار دارد. خرده نظام های تاثیرگذار تنها ۰.۴ را به خود اختصاص داده اند و واقع بینی پایدار و تعادل روانی در پایین ترین سطح (۰.۳ و ۰.۲) از جدول را به خود اختصاص داده اند. توجه به بیشترین و کمترین مراتب سنجشی در روند حرکت خانواده حائز اهمیت است. مقوله تغییرات ساختاری نوگرا و تفاهم دو رتبه (۰.۱۱) و برابر را در جدول دارا هستند. تغییر نگرش و جرات ورزی و فقدان مهارت نیز توانی برابر با (۰.۶) را دارند. تحقیر یا تحمیل و تغییر ارزش ها با (۰.۵) رتبه بعد را دارا هستند که هریک در جایگاه خود در تغییر روند شکل گیری و تحولات ساختاری خانواده اثرگذار هستند. نرم افزارهای آماری در علوم اجتماعی با استفاده های استنباط و توصیفی، در آمارهای آزمون پیش فرض تحقیق شیوه تحلیل و تجزیه و گردآوری اطلاعات از نوع همبستگی است. بررسی نرمال بودن نمرات پارامتریک شامل آزمون، اسمیرووف، کلموگروفو در نهایت فرضیه های پژوهش استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون تک متغیره برای پیش بینی، رابطه آزمون و T مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه است. جهت تفاوت میانگین متغیرها بین دختر و پسر مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت.

۳- خانواده و عوامل آسیب زا

چنانکه ذکر شد، خانواده ای که شکل می گیرد، به شدت از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی حتی سیاسی و مقتضیات روز متاثر است. افرادی که در درون این ساختارها رشد کرده اند و باورها، نگرش ها و مهارت هایشان شکل گرفته، ناگزیر، خانواده ای متناسب با این ساختارها تشکیل می دهند. اعضای خانواده در حین رشد به هویت اختصاصی و یکتای خود دست می یابند، ولی باز هم به گروه خانوادگی دلبستگی دارند و بنابراین هویت یا تصویر جمعی خاص خود را حفظ خواهد کرد. این اعضا در انزوا زندگی نمی کنند، بلکه به یکدیگر وابسته اند؛ آن هم نه فقط به خاطر پول، غذا، و سر پناه، بلکه به خاطر نیاز به عشق و محبت، همکاری و همیاری، جامعه پذیری و سایر نیاز های ملموس. این افراد برای دستیابی به کارکردموفق باید خود را با نیاز ها و خواسته های متغیر سایر اعضا و همچنین انتظارات متغیر شبکه خویشاوندی بزرگتر، محله، و در نهایت کل جامعه منطبق سازند. (گلدنبرگ، ۲۰۰۰) صنعتی شدن و تغییر الگوهای تولید، تغییرات گسترده در ساختارهای اجتماعی، اصلاحات دینی و جایگزینی انسان محوری به جای خدا محوری، غلبه نگرش واقعی در علوم، حضور تاثیر گذار و فرهنگ ساز تکنولوژی های جدید در زندگی مردم، ظهور جنبش های فمینیستی و حمایت منابع قدرت جهانی از آنها به دلیل همسویی منافع و بسیاری تغییرات دیگر که مدرنیته در زندگی انسان غربی پدید آورد، به اجبار خانواده ای متفاوت از قبل با ساختاری جدید از روابط، حقوق و اخلاقیات

شکل گرفت. خانواده‌ای که مرد آن حتی اگر مهارت داشته باشد، قادر نیست مدیریت کند، حمایت اقتصادی از زن را تضمین کند. در این روند نقش‌های سنتی زنانه ارزش محسوب نمی‌شود. خانواده‌ای که نمی‌تواند بر منفعت فردی اعضای خود غلبه کند، خانواده‌ای که برای تربیت فرزندانش، از اختیارات لازم برخوردار نیست و بسیاری شاخص‌های دیگر که آسیب‌های خانواده را از حد نارضایتی‌های محدود دوران سنتی خارج کرده و فروپاشی خانواده را در افق دید اندیشمندان جهان نشانده و به عنوان یک چالش مطرح شده است. کشور ایران نیز به همان نسبت که از روی اجبار یا بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان از جریان مدرنیته تأثیر پذیرفته، تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به تبع آن تغییر در ساختارهای خانواده را شاهد بوده و همین تغییرات گسترده است که آسیب‌های کارکردی ذکر شده برای خانواده را در پی داشته است. برای بررسی دقیق‌تر عوامل آسیب‌زا در نهاد خانواده، می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. دسته اول افراد تشکیل دهنده خانواده هستند که به دلیل ضعف در مهارت‌ها و انحراف در نگرش‌ها به خانواده آسیب می‌زنند. دسته دوم انحراف در ساختارهای مدیریتی، حقوقی و اخلاقی خانواده را شامل می‌شود و دسته سوم به انحراف در سایر نظام‌های اجتماعی موثر بر خانواده اشاره دارد. در هر روی، عواملی هستند که به گونه‌ای مستقل ولی، بسیار تأثیرگذار هستند. جرات ورزی در میان فرزندان با بیشترین تأثیر در تحلیل است ولی ابراز وجود بنیادی فرزندان هیچ سهمی را به خود اختصاص نداده است، با وجود این لازم است در نوع نگرش والدین در نظر گرفته شود، تا گزینه کمال‌گرایی نزد والدین نمودی بهتر در روند تغییرات داشته باشد. مشکل خانوادگی بستگی به عنوان یک امر مهم، توانایی عملکردی و تمامیت خانواده را تهدید می‌کند که در آن صورت خانواده در حل مشکل ناتوان می‌شود.

خانواده‌گاهی مشکلاتشان مداوم است که در این صورت آن‌ها احساس تهدید نمی‌کنند، در این موارد میزان مشکلات به حدی است که خانواده برای حل مشکلات اقدام نمی‌کنند و در این مقوله نقش‌ها و ارتباط مهم است و ارتباط یک پیوستار از وضوح و روشنی تا ابهام و تاریکی را در بر می‌گیرد. «بوئن به منظور تسهیل در درک عملکرد کل نظام خانواده براساس روابط موجود بین اعضای خانواده اقدام به طراحی ژنوگرام یا نقشه خانواده نموده است. نقشه خانواده روشی برای تحلیل الگوهای زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی موجود برای نسل‌ها فراهم می‌نماید، به گونه‌ای که با درک روشنی از آن، بتوان فرصتی برای تغییر الگوهای عملکرد نامناسب و جانشین نمودن عملکردهای کارآمد در خانواده ایجاد نمود.» (ویلیامز و ویلیامز، ۲۰۰۵) تعریف خانواده: خانواده در لغت به معنای تبار و دودمان است. ارائه تعریف دقیق درباره خانواده از دید صاحب‌نظران متفاوت است. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند «گروهی از اشخاص که با پیوندهای خویشی به هم متصل می‌شوند اعضای بزرگسال آن مسئولیت بزرگ کردن کودکان را بر عهده دارند، خانواده را شکل می‌دهند.» (کیدینگز، ۱۳۷۶، برگ ۴۲۴) البته برخی، خانواده، را اولین و مهمترین نهاد برای تولد و پرورش همه جانبه فرزندان محسوب می‌دارند که در امر تربیت و انتقال ارزش‌ها و برقراری رابطه سالم و موثر با نسل بعدی درگیر تحولات و مشکلات متعدد است، که بر اثر وحدت افراد متشکل در آن از عهده انجام وظایف خود، بهتر برخورد آمد. کنکاش در پیشینه خانواده نشان می‌دهد، درباره تعریف خانواده اجماع کلی وجود ندارد تا جایی که تعاریف در تقسیم‌بندی خانواده و اشکال و ارکان آن تا مرز سردرگمی در تفاوت و تضادها پیش می‌رود. تحول خانواده: از آنجا که «تربیت را وسیله تجدید حیات و تغییر و ترقی فرد و جامعه می‌دانند.» (صدیق، ۱۳۶۴، برگ ۵۷۸) در گذر زمان هر تأثیر تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی با سهمی متفاوت خانواده را با خود همراه نموده است. امروزه اثر تحول و تغییرات بنیادی و تدریجی با سرعت بالا بر ارزش‌ها، رفتارها و بینش‌ها در خانواده بیش از گذشته به چشم می‌خورد. جنبه‌های فردی و اجتماعی خانواده را دیگرگونگی حاصل از تحولات نو تحت تأثیر قرار می‌دهد. خانواده ایرانی در تنش مقاومت در برابر این دیگرگونگی دوره‌ای از گذار تاریخی را سپری می‌کند. دیگرگونی در خانواده موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه زیستی تک‌تک انسان‌ها شده است. تحول خانواده به معنای تحول در سرنوشت افراد جامعه است. تحولات خانواده از یک طرف، ریشه در متحول شدن بنیان‌ها و نهادهای جامعه مانند دین، علم، فناوری، هنر، جهان‌بینی، سیاست و اقتصاد دارد. همچنین، پیامدهای تحول خانواده، دامن‌گیر تمامی ارکان جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست می‌شود. سرنوشت جمعی نیز به تحول خانواده گره خورده است. نکته دیگر میزان آگاهی‌ها نسبت به تحولات خانواده است که سبب توجه بیشتر به روند چگونگی تغییرات در رشد افراد می‌گردد. خودآگاهی روز افزون در زمینه زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان امروز نسبت به گذشته سبب می‌شود تا به تغییرات خانواده درگستره بیشتری توجه شود و به نحو عینی‌تر این تغییر و تحولات درک شود. گاه انسان امروز نسبت به وضعیت خود منتقدانه می‌اندیشد. یعنی تحولات جامعه و فرهنگ، دیگر بصورت تدریجی و ناخودآگاه در مرور زمان کمتر صورت می‌گیرند و در زندگی انسان امروز تغییرات بسیار سریع و شتابان انجام می‌شوند. به نظر می‌رسد که شکل خانواده هسته‌ای پس از روند صنعتی شدن غرب، تبدیل به شکل مسلط خانواده در غالب مناطق جهان شده است. در بیشتر کشورهای جهان سوم تغییرات گسترده‌ای در حال وقوع است که بر شکل و ساختار خانواده در این جوامع تأثیر می‌گذارد. به طور کلی این تغییرات، حرکتی جهانی در جهت تفوق خانواده هسته‌ای ایجاد می‌کند و نظام‌های خانواده گسترده و انواع دیگر گروه‌های خویشاوند و نوع ارتباط را تعریف جدیدی می‌کند. نهادهای اجتماعی فعال و عملکرد برنامه ریزان آموزش و پرورش به عنوان نهادی پایه‌ای و تأثیرگذار در هر کشور سبب تحول رو به رشد خانواده

خواهد بود. خانواده صرفاً حضور تعدادی از افراد که در یک فضای فیزیکی و روان شناختی در کنار هم قرار دارند، نیست. خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی- فرهنگی تلقی می شود که در کنار همه خصوصیات دیگرش، دارای مجموعه ای از قواعد است و هر یک از اعضایش نیز نقش خاصی دارند. این سیستم دارای یک ساختار قدرت است که به وسیله آن، اشکال مختلفی از ارتباط را بروز می دهد. هر خانواده روش خاصی برای مواجهه با مشکلات دارد. اعضای این سیستم با هم رابطه ای عمیق و چند لایه ای دارند. همچنین اعضای خانواده تا حدود زیادی پیشینه مشترک، ادراکات درونی شده مشترک، مفروضات و دیدگاه های متفاوت درباره دنیا و برداشت مشترکی از اهداف زندگی دارند. افزایش بینش و آگاهی روان شناختی و کسب مهارت های لازم برای با طراوت نگهداشتن زندگی از جمله مهمترین عوامل تاثیرگذار در افزایش صمیمیت زناشویی است. (نظری، ۱۳۹۳) در روند رشد و کارکردهای خانواده مسائل بسیاری دارای اهمیت است.

مهم ترین کارکردهای خانواده عبارتند از: کارکرد زیستی، کارکرد تربیتی، کارکرد فرهنگی، کارکرد اجتماعی و کارکرد اقتصادی. عملکرد خانواده در کارکرد زیستی در جهت نگهداشت و بالا بردن سطح بهداشت و سلامت جسمانی و نیز فراهم کردن شرایط لازم برای رفع نیازهای بدنی اعضا، است. بررسی ابعاد این کارکرد و توجه به بدکارکردی های خانواده در این زمینه، می تواند خانواده ها را در جهت ارتقای این نوع کارکرد یاری کند. مهم ترین ابعاد این کارکرد را در رفع نیازهای بدنی، تأمین سلامت جسمانی، تأمین رشد بهنجار جسمانی، پیش گیری از بروز بیماری ها و ناهنجاری های رشد، اعتدال در تأمین نیازمندی های جسمانی و فراهم آوردن شرایط لازم برای پرداختن به سایر ابعاد شخصیتی انسان می توان برشمرد و در کارکرد فرهنگی- تربیتی خانواده، نقشی اساسی در تربیت فرزندان یک جامعه مهمترین وظیفه است. به این ترتیب، از طریق نقش تربیتی انتقال فرهنگ جامعه به آنان انجام می گیرد. به عبارت دیگر از طریق انتقال فرهنگ به کودک و نوجوان می توان به رشد همه جانبه شخصیت او کمک کرد. با تربیت به مفهوم برنامه ریزی در جهت رشد همه جانبه شخصیت کودک و نوجوان در ابعاد بدنی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، هنری و اخلاقی، در جهت وصول به اهداف متعالی اجتماعی خانواده کارآمدی موثر را خواهد داشت و در راستای کارکردهای دیگر خانواده چند مساله مهم در این تحقیق مد نظر است؛ نخست: گسست نسل ها، به عنوان یک چالش و دشواری جهانی، از سوی برخی کارشناسان داخلی به عنوان مشکل پیش روی جامعه و خانواده ایرانی در حال حاضر مطرح می شود. از یک سو ارزش های انتخابی والدین به دلیل تغییرات عمیق در نظام ارزشی و اجتماعی برای فرزندان کمتر قابل پذیرش است و از سوی دیگر شیوه کارآمدی برای انتقال ارزش ها از سوی والدین اتخاذ نمی شود. آنها اغلب از بودن در کنار یکدیگر کمتر لذت می برند. شرایط زمان و مکان در والدین و هم فرزندان بیش از گذشته تاثیر گذاشته است. فرزندان به والدین به عنوان راهنما و کنترل کننده در زندگی کمتر احترام می گذارند و شیوه عملکرد آنان را کمتر می پذیرند مساله دیگر؛ کم رنگ شدن عنصر باورها و تقدم منافع دنیوی، اصالت یافتن لذات مادی بر لذت های معنوی، فردگرایی و توجه به منافع فردی به جای صفات نیکوی ایثار و فداکاری و توجه به منافع خانواده به عنوان یک کل، افزایش زمینه برای برقراری روابط خارج از چارچوب، بویژه ازدواج و در یک کلام رسوخ ارزش های مدرن و آموزه های فمینیستی در باور مردم باعث افزایش ناسازگاری ها و کاهش تحمل افراد در مواجهه با کاستی ها و مشکلات معمول زندگی خانوادگی است. پاره ای دیگر از تغییر نگرش ها ویژه زنان است. جایگاه رو به بهبود دختران در خانواده، با افزایش سطح تحصیلات آنان و ورود زنان به بازار کار و کسب استقلال مالی، همزمان معلول دو موج فکری است که در بسیاری موارد آموزه های آن با یکدیگر خلط شده است. یکی نگاه اصیل تر با طرح تفکرات انقلابی نو درباره زن، و زندگی زنان را در ساختاری انقلابی در درون متحول کرده است. نیز، موج تفکرات فمینیستی که با ظهور انقلاب اسلامی نمود کمتری به خود گرفت، در دو دهه گذشته همزمان با رواج نظریات توسعه و مدرنیته در کشور، دوباره مطرح شده و امروز بیشتر از سوی منابع مختلف داخلی و خارجی حمایت می شود و حتی بسیاری از زنان پایبند به ارزش ها را نیز با تصور مبهمی در این آموزه ها با خود همراه کرده است. این دو موج فکری متناسب با خاستگاه آنان تأثیری عمیق بر نگرش ها و انتظارات زنان از زندگی زناشویی و خانوادگی برجای گذاشته اند. بخشی از این تغییرات مانند افزایش اعتماد به نفس، ابراز نیازها و مطالبه حقوق به حق خود، رشد فکری، حضور سالم اجتماعی و کسب درآمد متناسب با مصالح خانواده، مورد تأیید قرار می گیرد. هنوز کم نیستند مردانی که تمایل ندارند سنت های گذشته را به نفع نگاه مردانه کنار بگذارند و نمی توانند زندگی سالمی را با زنان رشد یافته ادامه دهند و نقطه مقابل را در تمایل اندک زنانی با نگرشی سنتی را در دنیای مدرن امروز دیده می شود. از موارد قابل ذکر دیگر، بخشی از تغییرات مانند کم ارزش جلوه دادن یا افراط در ارزش ها را به خود اختصاص می دهد. خصوصیات نقش های زنانه و الگو قرار دادن ارزش های دنیای مردانه برای زنان، یا برعکس، ترویج برابری بدون لحاظ تفاوت های جنسیتی و مساله شباهت و یا برابری زن و مرد، اختلاط نقش های خانوادگی، تضعیف نقش های مادری و همسری در راستای تحولات بیش از پیش در جامعه از نمونه های بارز است. « هوالخالقُ الباریُّ الْمُصَوِّرُ، او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه و صورتگری بی نظیر. » (حشر، ۲۴) و در آیه ۲۱ سوره روم، نقش آرامش در خانواده بیان شده است. از مسائل شاخص دیگر، نبود مهارت ها و آگاهی های لازم برای افراد در مسائل جنسی و کافی نبودن دانش در روابط درست و مناسب خانوادگی، سهم عمده ای از آسیب ها را به خود اختصاص داده است. در گذشته، خانواده تنها مرجع انتقال این مهارت ها و آگاهی ها و دانایی بود، ولی، پیچیدگی شرایط زندگی امروز و به دنبال آن، کم رنگ شدن

نقش خانواده در انتقال مهارت ها و عدم برنامه ریزی نهادها و سازمان های دست اندر کار مانند رسانه ها و نظام آموزش پرورش برای این مهم، خلاء جدی در این زمینه به وجود آورده است. مورد دیگر، تعدد اشکال و انحراف در ساختارهای خانواده متعادل با ساختار روشن و منسجم است بیش از پیش است. یک نمونه رواج ساختار اقتدار عرضی یا دموکراسی در خانواده است که پدر و مادر و فرزندان را در یک سطح از تصمیم گیری قرار می دهد و هیچ کس مجاز به دخالت در امور دیگری یا اعمال نظر خاص نیست، در حالی که ساختار خانواده دینی به صورت طولی و با ریاست مرد و حیطه گسترده مسئولیت های او به همراه توصیه های اخلاقی تعریف شده است. این تغییر ساختاری در سایر نقاط جهان نیز اتفاق افتاده و بررسی در مورد پیامدهای آن، نتایج گاه متناقضی از آثار مثبت و منفی نشان داده است. با توجه به حساسیت و تاثیر گذاری و چالش برانگیز بودن، پرداختن به این موضوع ضروری است. تغییر نگرش زنان و مردان جامعه که به سرعت رخ داده و آموزه های مدرنی که باور نسل های جدید را شکل داده و می دهد، بدون شک بر ذائقه افراد تاثیر می گذارد و ساختارهای متناسب با این باورها را طلب می کند، که نکته ای مورد نظر است. به این دلیل، گاه برابری نقش های زن و مرد با تمام مشقت جسمی و روحی که بر زنان حمل می کند و آسیبی که به کانون خانواده می زند، همچنان مطلوب آرمانی غیرقابل انکار بسیاری از زنان است. همچنین، تلاش هایی برای مشابه سازی حقوق زن و مرد در خانواده بر اساس تفاوت های طبیعی زنان و مردان و به منظور استحکام و کارایی خانواده طراحی شده است از نمونه های دیگر در تغییرات ساختاری مورد بحث است، که در هر دو جنس به وفور دیده شده است. گام نهایی، تعریف درست از عشق و دوست داشتن را دربردارد. بنای ساختارهای درست یک چارچوب تعریف شده، انعطاف پذیر، با نوعی ارتباط درونی افراد، ثبات خانواده را تضمین می کند. خودشناسی بر مبنای اعتقاد و باور عاشقانه مطابق با فلسفه خلقت بشر در این قالب است که نتایج تحقیق در بیشتر موارد حکایت از درهم شکسته شدن چارچوب های کلیشه ای دارد و رفتن جوامع بویژه در کشورهای در حال توسعه به سمت قالب و ساختاری نو و این بر اهمیت انتخاب موضوع مقاله افزوده است.

جدول ۳. آماره های توصیفی متغیرهای وابسته و مستقل مورد بررسی

متغیر	میانگین	میان	انحراف	استاندارد	کوچکتر، بزرگتر	کمال گرایی والدین	گویه های وابسته و مستقل مورد بررسی
۰/۵۳	۵۱	۵۱	۱۱/۵۳	۱۹	۱	۱۵	والدین کمال گرا
۰/۲۸	۰۱	۰۱	۲/۵۵	۹	۱	۱	والدین خویشتن مدار
۰/۱۵	۰۹	۰۹	۵/۲۰	۲	۱	۱	والدین دیگرمدار
۰/۵۲	۳	۹۱	۲/۰۰	۵	۹	۳	والدین جامعه مدار
۰/۵۵	۵۳	۲۹	۱۵/۹۳	۰۰	۸	۵	ابراز وجود بنیادی فرزندان
۰/۳۵	۵۲	۵۲	۱۵/۵۵	۱۵	۳	۳	ابراز وجود مقابله ای فرزندان
۰/۵۱	۱۱۲	۱۱۲	۰۱/۲۵	۵۸	۱	۲۸	جرات ورزی فرزندان

۴- یافته ها

در خاتمه طرح، بررسی داده ها نرمال است. پیش از اجرای آنالیز واریانس لازم، اسمیرنوف کولموگروف و آزمون نرمال بودن دخترها و پسرها و قوی بودن والدین در پارامتریک ها در مداری دیگر فرض نبود و این نقص کار بوده است. حجم نمونه ها در آزمون ها در پارامتریک ها برای داده ها بلامانع است. و نتیجه این که سیرتحوالات و سرعت تغییرات ساختار خانواده را تحت تاثیر قرار داده است. ضرورت یک الگوی اجرایی مناسب و مطمئن احساس می شود. کارآمد نمودن طرح های اجرایی درباره خانواده تنها از طریق تحقیقات و پژوهش هایی امکانپذیر است که دور از ملاحظات شخصی، گروهی و فکری حاکم برجامعه انجام شود. در سایه واقعیات و تبیین راهبردها و تکاپوهای علمی بی شک خانواده در راه جامعه و جهانی شدن کمتر آسیب خواهد دید.

منابع

- قرآن حشر. آیه ۲۴
- گیدینگز، آنتونی، (۱۳۷۹)، «جامعه شناسی»، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی
- صدیق، عیسی، (۱۳۵۶)، «روش نوین در آموزش و پرورش»، چاپ بیست و سوم، تهران: افست
- گلدنبرگ، گلدنبرگ، (۲۰۰۰)، «خانواده درمانی»، حسین شاهی برواتی و نقشبندی، ۱۳۹۲، تهران: نشر روان
- نظری، علی محمد، «اثربخشی برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر افزایش صمیمیت زناشویی زوج ها»، مطالعات روان شناسی بالینی، سال چهارم، تابستان. (۱۳۹۳). شماره ۱۶
- ویلیامز، ویلیامز، (۲۰۰۵)، «بارداری و زایمان»، ویراستار گاری کاتینگهام و دیگران، تهران: گلپان، ۱۳۸۴

ارائه راهکارهای پیشگیری و کاهش آسیب در زنان آسیب‌دیده اجتماعی با تاکید بر آموزش

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۵

کد مقاله: ۶۸۱۵۲

فریبا نوروزی^۱

چکیده

توجه به نیازهای آموزشی و بهداشتی زنان آسیب‌دیده در اجتماع به دلیل نقش حساسی که در اجتماع دارند، بایستی در درجه اول اهمیت قرار گیرد و به عنوان اولویت برنامه‌های آموزشی باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین نیازهای آموزشی درک شده زنان آسیب‌دیده اجتماعی و روش‌ها و راهکارهای پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی انجام شده است. در این تحقیق ابتدا با استفاده از اسناد و مطالعات انجام شده و شواهد موجود به بررسی انواع آسیب‌های اجتماعی زنان در سطح جامعه پرداخته می‌شود و در گام بعدی تقسیم‌بندی آسیب‌های اجتماعی و تعاریف مفاهیم اشاره می‌شود. سپس مروری بر برخی نظریه‌های حوزه آسیب‌شناسی و در نهایت نیز تدوین جداول برای انواع آسیب‌های اجتماعی به همراه ارائه روش‌های آموزشی کاهش آسیب به زنان آسیب‌دیده اجتماعی ارائه شده است. بر اساس نتایج می‌توان گفت آموزش به زنان آسیب‌دیده یکی از راه‌های مهم در زمینه پیشگیری و همین‌طور کنترل تکرار مجدد آسیب است و پیشگیری و آموزش بیشتر از ارائه خدمات دارای اهمیت است.

واژگان کلیدی: زنان، آسیب‌دیده، آموزش

۱- دانشجوی ترم آخر دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، مدرس دانشگاه علمی کاربردی شهرداری کرج

۱- مقدمه

به اعتقاد جامعه‌شناسان، ناهنجاری‌ها و جرائم اجتماعی در تمام اعصار و جوامع وجود داشته، لیکن در برخی از شرایط، با گسترش دامنه این ناهنجاری‌ها، معضلاتی ایجاد می‌شود که تداوم حیات اجتماعی را با خطر مواجه می‌کند. علائم هشدار دهنده‌ای نظیر افزایش نرخ ارتکاب به جرائم تنوع جرائم، کاهش سن نشان می‌دهد که سنگ بنای اجتماع یعنی خانواده و قشر زنان در معرض آسیب‌ها و تهدیدات جدی است.

آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی متنوع، نسبی و متغیر هستند. پرخاشگری و جنایت، اعتیاد و قاچاق موادمخدر، طلاق، جرائم مالی و اقتصادی و سرقت نمونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی جامعه امروزی ایران‌اند میزان موفقیت هر کشور در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارایی نظام اجتماعی غالب در آن جامعه است. خوشبختانه در ایران، اکثریت مردم نسبت به آسیب‌های اجتماعی عمده در کشور نظیر طلاق، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، خشونت، بی‌بند و باری و دزدی آگاه بوده و از گسترش روز افزون آنها بیمناک هستند. آسیب‌های اجتماعی که به معنی کژکارکردهای واحدهای جمعی یا کژکرداری‌های افراد است، نه تنها شاخص توسعه نیستند بلکه نشانه‌های بحران‌اند. بنابراین هرچه میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد شدت بحران هم بیشتر است.

آسیب‌شناسی یا پاتولوژی (Pathologie) از جمله اصطلاحات زیست‌شناسی و پزشکی می‌باشد که در جامعه‌شناسی بکار گرفته شده است. این اصطلاح حاصل تشبیه جامعه به یک کالبد زیستی و بررسی موضوعات اجتماعی همانند موضوعات زیستی می‌باشد. آسیب‌شناسی اجتماعی به مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و اعمال و رفتاری می‌پردازد که در اجتماع غیرطبیعی تلقی می‌گردد و نیز شرایطی را مورد بررسی قرار می‌دهد که اصول و هنجارهای ارزشمند جامعه مورد بی‌توجهی و یا تخطی قرار می‌گیرد و اهداف متعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان تحقق نمی‌یابد. اکثر جوامع کنونی با مشکلات و معضلات متعدد اجتماعی دست به گریبانند که حیات جوامع بشری را با تهدید مواجه می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسان، مسائل اجتماعی شرایط یا وضعیتی است که جامعه آنها را به منزله خطری برای راه و رسم زندگی می‌داند و ناگزیر درصدد رفع یا تعدیل آنها برمی‌آید. (مساواتی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱)

۲- بیان مسئله

توجه به نیازهای آموزشی و بهداشتی زنان به دلیل نقش حساسی که در اجتماع دارند، بایستی در درجه اول اهمیت قرار گیرد. یکی از گروه‌های مهم برای توجه، زنان آسیب دیده در اجتماع هستند که باید در اولویت برنامه‌های آموزشی قرار گیرند. مطالعه حاضر با هدف تعیین نیازهای آموزشی درک شده زنان آسیب دیده اجتماعی و روش‌های کاهش آسیب انجام شده است. آموزش به زنان آسیب دیده یکی از راه‌های مهم در زمینه پیشگیری و همینطور کنترل تکرار مجدد آسیب است و پیشگیری و آموزش بیشتر از ارائه خدمات دارای اهمیت است. سازمان جهانی بهداشت نیز بررسی نیازهای آموزشی زنان و دختران را به عنوان یک اولویت و اصل زیر بنایی مشخص کرده است بنابراین نیازمندی به ملاحظات آموزشی بر هیچ کس پوشیده نیست. در این تحقیق اقداماتی به شرح زیر انجام شده است:

۱. با استفاده از اسناد و مطالعات انجام شده و شواهد موجود به بررسی انواع آسیب‌های اجتماعی زنان در سطح جامعه پرداخته می‌شود.
۲. تقسیم‌بندی آسیب‌های اجتماعی و تعاریف مفاهیم اشاره می‌شود.
۳. مروری بر برخی نظریه‌های حوزه آسیب‌شناسی
۴. تدوین جداول برای انواع آسیب‌های اجتماعی به همراه ارائه روش‌های آموزش کاهش آسیب به زنان آسیب دیده اجتماعی

۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

زنان نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند که آسیب‌های اجتماعی برای این قشر افزون بر اثرگذاری مستقیم در روابط بین فردی، به دلیل نقشی که در مدیریت خانه و تربیت نسل فردای کشور دارند، می‌تواند دامنه وسیعی از پیامدهای ناگوار را رقم بزند. شناخت ماهیت و پیامدهای آسیب‌های زنان و مداخلات بهنگام در مهار آن موضوعی مهم در سلامت زیست بوم اجتماعی است چرا که بهبود سلامت حوزه زنان تضمین‌کننده اخلاقی، بهداشت روان و سلامت روابط خانوادگی و اجتماعی است و موجب تقویت همبستگی و سرمایه اجتماعی و تربیت نسل خودساخته می‌شود. بسیاری از جامعه‌شناسان سرخ‌درمان دردهای اجتماعی را در آموزش و ارتقای فرهنگ جست و جو می‌کنند. در این مهم سه نهاد خانواده، آموزش و پرورش و رسانه نقش مهمی ایفا می‌کنند. در حال حاضر جای خالی آموزش‌های مهمی چون خویشتن‌بانی، مهارت‌های کنترل خشم، شیوه ارتباطات اجتماعی،

تقویت مهارت های فردی، آموزش فعالیت های جمعی، ارتقای روحیه جمعی، استعدادیابی و هویت بخشی دینی مشاهده می شود. اهمیت آموزش برای پیشگیری از معضلات اجتماعی آنقدر اهمیت دارد که آینده و سعادت یک جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده و جوانان و خانواده ها را به سر قله پیشرفت در جنبه های مختلف و عرصه های علمی و شغلی و ... می نماید یا او را در دامی تاریک گرفتار نموده و آینده اش را به تباهی می کشاند. در واقع برای زنان و دختران آسیب دیده سه نکته از اهمیت برخوردار است که عبارتند از عدم افزایش آسیب دیدگی آنها و توقف آسیب ها، بازگشت آنها به زندگی عادی و عدم تکثیر آسیب توسط آنها. بر اساس تحقیقات زنان آسیب دیده، آسیب های اجتماعی را با سرعت بیشتری نسبت به مردان تکثیر می کنند و می توانند به مراتب در سیرت آسیب های اجتماعی خطرناک تر باشند.

۴-اهداف

همسوی با رسالت طرح، عبارتست از:
تدوین روش های آموزش کاهش آسیب به زنان آسیب دیده اجتماعی

۵-مروری بر پیشینه تحقیقات و مطالعات انجام شده

فاطمه محبی در مقاله ای با عنوان آسیب شناسی اجتماعی مسائل زنان در مجله مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۰ شماره ۱۲ انجام داده است که بر اساس نتایج این پژوهش در یک تقسیم بندی کلی مشکلات اجتماعی دارای جنبه ذهنی و عینی می باشد. جنبه ذهنی آن در ادراکات و ارزشگذاری مردم جامعه در رد یا تأیید اینکه چه چیز مشکل اجتماعی می باشد، ظاهر می شود و جنبه عینی آن شرایط واقعی است که در آن مشکلات ارزیابی می شود.

سعید معیدفر و نفیسه حمیدی مطالعه ای با عنوان زنان سرپرست خانوار: گفته ها و آسیب های اجتماعی انجام داده اند که نتایج آن عبارتند از: در جوامعی مانند جامعه ایران، معمولاً مردان نان آور خانواده بوده و زنان به کار خانه داری مشغول هستند. اما عرف جامعه ایرانی و سنت دینی ما با اشتغال زنان در بیرون از خانه مخالفت چندانی ندارد و لذا زنان می توانند خارج از منزل نیز به کار پرداخته و مسوولیت نان آوری خانواده را بر عهده گیرند. آنچه موجب می شود سرپرستی زنان خانوار به عنوان یک مساله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می شود تا زنان سرپرست خانوار به عنوان قشری آسیب پذیر شناخته شوند.

آسیب شناسی زنان جوان پس از طلاق عنوان مقاله ای است که حسن تقفیان و زهرا مطهری انجام داده اند. بر اساس این مطالعه این پژوهش به بررسی مشکلات زنان پس از طلاق که یکی از اساسی ترین مشکلات خانواده ها در جامعه امروزی است می پردازد باتوجه به افزایش بی رویه طلاق و اینکه اکثر طلاقیها در سالهای ابتدایی تشکیل زندگی مشترک صورت می گیرد تعداد زیادی از زنان جوان را در جامعه امروزی ایران را در معرض انواع آسیب های اجتماعی قرار می دهد. نتایجی که بدست آمد حاکی از آن بود که این زنان جوان مطلقه در مقابل سایر زنان بیشتر در معرض آسیب های اجتماعی قرار می گیرند.

نقش مدیریتی زنان در خانواده و تأثیر آن در کاهش آسیب های اجتماعی توسط معصومه کوکبی بصیر و مصطفی باقری انجام شده است. بر اساس نتایج این مطالعه خانواده قویترین سنگردر برابر مفسدات اجتماعی و ناروایی هاست و پرورش فرزند جهادی مقدس است. پیرامون مبحث خانواده و نقش زنان در اجتماع و حضور بانوان در جامعه با رعایت حجاب و عفاف اسلامی و امکان بقاء این نهاد سنتی بحث های متعدی صورت میگیرد. در نظام اسلامی زن می تواند به عنوان یک اهرم مکانیسم سیاسی قوی مشارکت فعال همپای دیگر آحاد جامعه در بنای جامعه اسلامی سالم داشته باشد. در دین اسلام زن جایگاه بسیار والایی داشته به گونه ای که هم در اجتماع و هم در خانواده به عنوان یکی از ارکان اصلی به شمار می رود.

فریده ناصح در مطالعه ای با عنوان نقش سمن ها در کاهش آسیب های اجتماعی زنان نتیجه می گیرد که مسئله زنان سرپرست خانوار از سه جنبه آسیب زاست. آسیب های متوجه زنان سرپرست خانوار در مجموعه ای کلی تر از آسیب های جامعه قرار دارد. وجود خانواده های زن سرپرست مسئله جدیدی در جامعه و فرهنگ ایرانی نیست؛ آنچه آن را به صورت ویژه ای نیازمند توجه می کند ازدیاد این گروه از خانواده هاست.

مقایسه آسیب پذیری فرهنگی و اجتماعی دختران و پسران عنوان مطالعه ای است که احمدی توده خدابخش به همراه همکارانش در سال ۱۳۸۷ انجام داده اند. بر اساس نتایج این تحقیق 12.5% از نوجوانان و جوانان مورد بررسی دارای آسیب پذیری زیاد و خیلی زیاد هستند. همچنین ملاحظه شد که در ابعاد عدم رعایت حجاب و پوشش اسلامی، گرایش به اعتیاد، تصور از خود، ارتباط با دوستان ناباب، داشتن نگرش فمینیستی، گرایش به استفاده از ماهواره و رسانه های خارجی، لذت طلبی و مادگرایی، ارتباط با جنس مخالف، ضعف هویت ملی و نحوه گذران اوقات فراغت در سطح $P < 0.01$ و در غرب گرایی و قانون گریزی در سطح $p > 0.05$ تفاوت معنی داری بین دختران و پسران از نظر میزان آسیب پذیری وجود دارد. با توجه به جمعیت جوان کشور و

آسیب‌پذیری نوجوانان و جوانان در واقع شروع آسیب‌پذیری حداقل دو نسل آینده جامعه است توجه بیش از پیش مسؤولین امور فرهنگی ضرورت دارد ضمن این که در برنامه و اولویت مصون سازی لازم است به نوع تفاوت آسیب‌پذیری در بین دختران و پسران توجه شود.

محمود نجفی و همکاران در سال ۱۳۹۲ مطالعه‌ای با عنوان پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی بر اساس مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان انجام داده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی بر اساس مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود. ۸۰۰ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسیبی انتخاب و پرسش‌نامه‌های مهارت‌های زندگی و آسیب‌های اجتماعی محقق ساخته روی آن‌ها اجرا گردید. نتایج نشان داد که بین آگاهی از مهارت‌های زندگی و آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ی منفی معنی‌دار وجود دارد. رگرسیون گام به گام نشان داد که در گام اول متغیر کنترل هیجانات وارد معادله رگرسیون شده و به تنهایی ۲۹ درصد از واریانس آسیب‌های اجتماعی را تبیین می‌کند. پس از آن مهارت خودآگاهی، تفکر خلاق، ارتباط بین فردی به ترتیب نقش مهم و معناداری در پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی داشتند و در مجموع این متغیرها ۳۴ درصد از تغییرات آسیب‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. بنا براین، آگاهی مهارت‌های زندگی نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارد و می‌توان با افزایش آگاهی دانش‌آموزان از این مهارت‌ها نسبت به پیشگیری از آسیب‌ها اقدام کرد.

۶- تعاریف مفاهیم

۶-۱- آسیب اجتماعی

آسیب یا کجروی اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عمل جمعی عام رسمی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد. به همین دلیل کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند. زیرا در غیر این صورت با تعقیب قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجهه می‌شوند. در یک تعریف، آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که با چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه همخوانی نداشته و با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (کوهی، ۱۳۹۲: ۲۹)

۶-۲- کاهش آسیب

اصطلاح کاهش آسیب یا زیان‌کاهی، به سیاست‌ها و برنامه‌های اطلاق می‌شود که به دنبال کاهش خطرات احتمالی آسیب است. (رحیمی پور و مکاران، ۱۳۹۵ - ۱۴۲)

۶-۳- فرار از منزل

امروزه فرار از منزل به عنوان یک آسیب اجتماعی، باعث ایجاد نگرانی در اکثر جوامع به خصوص جوامع در حال پیشرفت شده است. عوامل مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی در بروز این پدیده نقش دارند. فرار به عنوان یک پیش‌زمینه مهم برای دیگر رفتارهای خلافکارانه در نظر گرفته شده است. فرار به عنوان یک انحراف، منجر به انحرافات رفتاری دیگر مثل دزدی می‌شود. تخلفاتی که معمولاً در طول دوره فرار انجام می‌شود عبارتند از سیگار کشیدن، مشروب خوردن و تماشای فیلم‌های مبتذل، و به دنبال اینها جرم‌های خشونت‌آمیز، سو مصرف مواد و تخلفات مرتبط با مسایل جنسی. افراد فراری در طول دوره فرار، رفتارهای منحرفانه بیشتری نسبت به زمانهای دیگر انجام می‌دهند و علاوه بر این، خلافهای آنها در زمانهایی که از خانه فرار می‌کنند جدی‌تر از اوقات دیگر است. بطور کلی می‌توان گفت که فرار به شکل نزدیکی با انحراف و اعمال منحرفانه‌ای مرتبط است که در آن دوره (در زمان فرار) انجام می‌شود و در واقع یک عامل عمده در رفتار منحرفانه نوجوان است.

۶-۴- طلاق

طلاق پدیده‌ای است به تمام معنی اجتماعی و همانند نهاد اجتماعی عمل می‌کند. طلاق یک معلول است، از آن رو که تابع شبکه پیچیده و به هم پیوسته‌ای از عوامل اجتماعی است. هیچگاه مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی بدون توجه به طلاق امکان‌پذیر نیست. طلاق می‌تواند موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، الکلیسم و انحرافات جنسی شود، از سوی دیگر طلاق یکی از عوامل مؤثر در افزایش نرخ خودکشی می‌باشد. طلاق در یک جامعه به مثابه تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه است که می‌تواند منجر به کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی در آن جامعه شود. فقدان همسر و تنهایی پس از طلاق موجب می‌شود که اکثر زنان پس از جدایی به ناراحتی‌های روحی و جسمی دچار شوند و همچنان نیازهای عاطفی خود را در شوهر قبلی خود جستجو نمایند. کمبود معاشرت و تفریح به علت مسائل شهرنشینی در کلانشهر، مشکلات عاطفی زن را می‌افزاید. (آزاد، ۲۰۳: ۱۳۷۷)

از پیامدهای منفی طلاق می توان به مواردی همچون ترس از آینده، احساس گناه، احساس تنهایی، مشکلات روحی و جسمی، مشکل دوگانگی نقش، مشکلات اقتصادی، انزوای اجتماعی و اختلال در هویت اجتماعی، کاهش فرصت های ازدواج، ارتکاب به جرم و بزهکاری، کاهش رضایت از زندگی، بعد خانوادگی، تأثیر بر فرزندان، ارتکاب به جرم و بزهکاری، مشکلات زندگی آتی، اختلال در هویت فردی و خانوادگی، احساس گناه و سردرگمی، طرد اجتماعی اعضا خانواده اشاره کرد.

۶-۵- تن فروشی

تن فروشی از مشکلات اجتماعی و در بسیاری از کشورها از جمله ایران بزه (جرم) به شمار می رود؛ از این رو دسترسی به اطلاعات رسمی در این مورد بسیار دشوار و شمار بررسی های انجام شده درباره آن نیز بسیار اندک است. البته این دشواری هرگز به معنای نادیده گرفتن پدیده یا ناممکن بودن شناخت آن نیست؛ زیرا بخشی از سلامت بدنی، روانی و اجتماعی جامعه با وضعیت این گروه از زنان ارتباط دارد. (قهفرخی، ۱۳۹۰)

بر اساس مطالعات دکتر ژاله شادی و سعید مدنی کار پژوهشی در سال ۸۶ انجام داده داند که به ویژگی های افرادی که به این شغل رو آورده اند، پرداخته شد و تحلیلی بر روی آن انجام گردید. کل زنان تن فروش در این تحقیق ۲۸۹ نفر بودند که عمدتاً در خیابان ها پیدا شدند و به مکان خاصی مراجعه نکردیم. با تعدادی از این زنان تن فروش مصاحبه هایی عمیق انجام شده و شاخصه هایی از این پژوهش ارائه می شود. وضعیت اجتماعی - اقتصادی این زنان قبل از تن فروشی بدین شرح بوده است: ۷۶ درصد سابقه فرار از منزل نداشتند، ۲۳ درصد قبل از تن فروشی سابقه مصرف مواد داشتند، ۱۲ درصد سابقه بازداشت یا زندان، ۷ درصد اولین بار به دلیل تهیه مواد به تن فروشی روی آوردند، ۹ درصد اولین تن فروشی با اجبار شوهر انجام شده و ۱۸ درصد توسط اجبار والدین که غالباً پدر بوده، ۷۰ درصد کمتر از ۵ سال است که تن فروشی می کنند که اکثر آنها جوان هستند. پایین بودن میزان تحصیلات و مهارت های شغلی از دیگر وجوه مشترک روسپیان در ایران و دیگر کشورها است، روسپی گری در کلان شهرها و شهرهای توریستی در میان جمعیت تهیدست شهری و مهاجر رواج بیشتری دارد، بیشتر روسپی ها تجاوز و خشونت در هنگام کار را گزارش داده اند. بیشتر روسپی ها دارای اختلال های روانی و به ویژه افسردگی هستند. ۶۰ تا ۷۵ درصد روسپیان تمایل به ترک روسپیگری دارند. این پدیده بیشتر سلامت خود روسپی ها را تهدید می کند و برای سلامت اجتماع کمتر تهدید به شمار می روند. (شادی طلب)

۶-۶- خشونت

خشونت از جمله عوامل مطرح شده در سبب شناسی اختلالات روانی زنان است. خشونت عملی است که با ایجاد قصد درد و جراحت جسمی یا روحی به فرد دیگری انجام شود. یکی از رایج ترین انواع خشونت، خشونت خانوادگی است. در آن خشونت، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به اعضای دیگر خانواده (همسر، کودک و سالمند) صورت می گیرد. با توجه به این تعریف خشونت علیه زنان به خشونت فیزیکی، روانی، جنسی و اقتصادی تفکیک می شود. خشونت فیزیکی دامنه ی گسترده ای دارد که از ضرب و شتم تا قتل را در بر می گیرد. خشونت روانی به رفتاری اطلاق شده که در آن بدرفتاری عاطفی، توهین و تحقیر، سوءظن و مزوی کردن فرد وجود دارد. خشونت اقتصادی به معنای ایجاد فشار و محدودیت مالی و کنترل اموال زن است. خشونت جنسی به شکل تجاوز جنسی و سوء استفاده ی رفتار جنسی نمود می یابد (گلد و استروس، ۱۹۸۸؛ به نقل از خسروی و خاقانی فرد، ۱۳۸۳).

۶-۷- زنان طرد شده از خانواده

بیشترین انگ و تحقیر از آن زنان تن فروش بوده است. زنانی که توسط جامعه بی اعتبار و طرد شده اند، آن ها به حاشیه رانده شده ترین قشر در جامعه هستند و به ندرت به آن ها فرصت حرف زدن و صحبت کردن درباره ی خودشان و تجارب شان از زندگی داده شده است. این زنان از گروه هایی هستند که به شدت در معرض خطر ابتلا به ایدز و اعتیاد بوده و تا حدی می توانند عامل شیوع آن هم باشند. رابطه ی بین اعتیاد و تن فروشی می تواند یک رابطه ی دو سویه باشد. از یک طرف اعتیاد، به علت فقر و نیاز به تامین مواد مخدر باعث تن فروشی می شود و از طرف دیگر ممکن است تن فروشی به دو دلیل باعث اعتیاد شود: مصرف مواد برای مقابله با فشارهای جسمی و روانی که تن فروشان با آن دست به گریبانند، و فراهم آوردن مواد برای مشتریان برای لذت جویی بیشتر آنان. همچنین رفتارهای جنسی پر خطر که در چهارچوب تن فروشی رخ می دهد می تواند عامل مهمی در اشاعه ایدز در بین تن فروشان و به تبع آن در جامعه باشد. با وجود گسترش اعتیاد و ایدز در جامعه و نیز ریسک پذیری و ریسک آفرینی تن فروشان، مطالعات محدودی در ایران روی این موضوع انجام شده است.

۶-۸- اعتیاد

اعتیاد به مواد مخدر یکی از معضلات اصلی جامعه جهانی است. آمار رو به افزایش مصرف مواد مخدر در دنیای کنونی به گونه ای است که یکی از سم شناسان معروف دنیا به نام لودوینگ می گوید: «اگر غذا را مستثنی کنیم، هیچ ماده ای در روی زمین نیست که به اندازه مواد مخدر این چنین آسان وارد زندگی ملت ها شده باشد». [احمدی، ۲۲؛ ۱۳۶۹] مطابق گزارشات آماری، مصرف

مواد مخدر در ایران نیز روندی افزایش دارد و در میان انواع ناهنجاری‌ها، آسیب‌زاترین و گسترده‌ترین مضرات است. اینک پدیده اعتیاد در میان زنان نیز همچون عارضه‌ای فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح می‌باشد و دارای ابعاد پیچیده و چندگانه‌ای است؛ بدین جهت بررسی‌های جامعه‌شناختی، روانشناختی، اقتصادی... در راستای شناسایی علل و عوامل این معضل و یافتن راهکارهای مؤثر جهت پیشگیری، مقابله و درمان ضروری است.

۹-۶- تعریف اعتیاد

اعتیاد در لغت به معنای عادت کردن و یا خوی کردن به چیزی است. [اورنگ، ۱۳۶۷: ۵۴] سازمان ملل متحد (۱۹۵۰) اعتیاد را این گونه تعریف کرده است: اعتیاد، مسمومیت حاد یا مزمنی است که برای شخص یا اجتماع زیان‌بخش می‌باشد و از طریق استعمال داروی طبیعی یا صنعتی ایجاد می‌شود.

اعتیاد به خودی خود بیماری مزمن و پیچیده‌ای است که به عوامل مختلفی بستگی دارد و البته جامعه پیچیده زنان نیز اگر به آن مبتلا شوند پیچیدگی آن دو چندان می‌شود. به دلیل نقش‌هایی که زنان در طول زندگی خود دارند و پیچیدگی بیشتر این نقش‌ها از مردان، هر عاملی از جمله اعتیاد در این جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد و گرفتاری‌ها و مضرات این جامعه را بیشتر می‌کند.

بدلیل نقش زنان در شبکه خانواده و جامعه آسیب‌های اعتیاد آنان نیز علاوه بر آسیب‌های فردی که به سلامت خود فرد می‌رسد آسیب‌هایی است که به جامعه و خانواده می‌رسد. اعتیاد در زنان از جهت علل ایجاد آن و شیوع و سیر بیماری پاسخ به درمان با مردان اختلافات بارزی دارند و البته اعتیاد در زنان برای خود فرد معتاد مخرب‌تر از اعتیاد در مردان است. از نظر آماری واقعیت موجود اعتیاد زنان بیشتر از آمارهای است که اعلام می‌شود زیرا که اعتیاد زنان معمولاً دیده نمی‌شود و آنان بیشتر سعی در پنهان کردن این بیماری دارند مگر در شرایط پیشرفته بیماری و وضعیت وخیم که به مراکز کاهش آسیب و شلترها (سرپناه) مراجعه کنند و البته اعتیاد زنان در جامعه ما یک واقعیت ناخوشودنی است که اغلب خانواده‌ها سعی می‌کنند آن را کتمان کنند و در صورت اینکه اطرافیان موضوع را بفهمند خانواده‌های زنان معتاد آنان را طرد می‌کنند و یا همسرانشان آنان را طلاق می‌دهند و آسیب‌های آنان به خود و جامعه از این مرحله بیشتر بارز می‌شود و آنان با توجه به عدم درآمد کافی برای بدست آوردن مواد مخدر مورد احتیاج خود براحتهی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و یا کارهای ضد اخلاقی انجام می‌دهند که در این مرحله افزایش تخریب آنان را خواهیم دید و برگشت پذیری آنان به زندگی سالم سخت‌تر و کمتر می‌شود.

۱۰-۶- سرقت

طور کلی سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می‌شوند. هر چند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده‌اند، مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه‌های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند. این افراد معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی در سطح خیلی پایین و ضعیف هستند و بطور کلی ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره پیامدهای رفتار خود را به قدر کافی ندارند. در مباحث مربوط به علل زردی به علل تربیتی تأکید فراوان می‌شود. الگوهای رفتاری خود والدین، واکنش‌های آنها درباره دزدیهای کوچک دوران کودکی، مسأله پول توجیهی و کمک به شناخت مسأله مالکیت در دوره کودکی در ارتباط نزدیک با رفتارهای دزدی بزرگسالی و نوجوانی دارند.

۱۱-۶- درگیری‌های خیابانی

واقعیه یا واکنشی است اغلب هیجانی که فرد در مواقع عصبانیت از خود نشان می‌دهد و غالباً موجب توهین، فحاشی، ضرب و شتم و مصدومیت می‌شود. خشونت خیابانی استفاده از نیروی فیزیکی توسط فرد یا افرادی در مکان‌های عمومی است. تقریباً یک سوم این جرایم در خیابان و محیط‌های باز صورت می‌گیرد و اشکال مختلفی دارند، از جمله سرقت (با یا بدون آسیب)، مزاحمت، نواپس، زورگیری، نزاع سطحی منجر به ضرب و جرح، تهدید با انواع سلاح سرد، قتل، تجاوز و... .

۱۲-۶- اختلالات روحی روانی

مروزه مباحث مربوط به سلامت زنان در اولویت مباحث گوناگون جنسیتی قرار گرفته است. اگر چه زنان در مقایسه با مردان عمر طولانی‌تری دارند، اما بیش از مردان در معرض مشکلات مربوط به سلامت روان قرار می‌گیرند. خطر پذیری مردان و زنان در برابر مسائل بهداشت جسمانی و روانی تحت تأثیر عوامل پیچیده و چندگانه-ی زیستی، روانی و اجتماعی است و به دلیل تعامل و کنش متقابل و پیچیده‌ی این عوامل بهداشت روانی زنان در مقایسه با مردان به لحاظ شیوع در اختلالهایی چون افسردگی، اضطراب و استرس و نیز سیر و شروع مشکلات متفاوت است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰).

۶-۱۳- خیانت

روابط فرازنشویی به عنوان یک تهدید روانی، جسمانی و اجتماعی، میتواند خانواده را در معرض فروپاشی قرار دهد. البته همهی روابط فرازنشویی نیز آشکار نمیشوند و یا لزوماً به طلاق منجر نمیشود. براساس نظریهی روابط فردی، هر شخصی میراث روانی منحصر به فرد خود را وارد روابط زنشویی و تبادلات خود با همسرش میکند.

خیانت در زندگی زنشویی مسئله مهمی است که در جوامع امروزی زیاد شده است و بنیان خانواده ها را متزلزل ساخته است. خیانت معمولاً زمانی در زندگی زنشویی بوجود می آید که خانمی فکر کند شوهرش به او اهمیتی نمی دهد و برایش ارزش قائل نیست در دنیا تقریباً مقدار آقایی که به خانمشان خیانت میکنند از خانمها زیادتیر است ولی پژوهشهای جدید نشان داد که در این سالها تعداد خانمهای خیانتکار زیادتیر شده است. (دشت بزرگی)

دلایل خیانت زنان عبارتند از : انتقام جویی، بی تفاوتی همسر، احساس ناامنی و خلأ عاطفی، بازگشت به گذشته، رابطه یکنواخت، ترس از خیانت شوهر، روابط زنشویی سرد و نبود نقاط مشترک و ...

۶-۱۴- خودکشی

خودکشی هر چند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیبها ارتباط پیدا می کند، بطوری که در میان گروه های مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده می شود. همچنین در آسیبهای مربوط به انحرافات جسمانی بویژه در میان قربانیان این انحراف خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی بویژه افسردگیهای شدید نیز اغلب خودکشی مسأله قابل توجهی است.

۷- مروری بر برخی نظریه های حوزه آسیب شناسی

چارچوب نظری آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها و آسیب هایی نظیر جرم، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و غیره با علل و شیوه های شکل گیری و درمان آنها همراه است. در ادامه به بیان نظریه های برخی از آسیب های اجتماعی می پردازیم:

۷-۱- نظریه های فشار

سؤال اصلی نظریه فشار این است که چرا مردم کجرفتاری میکنند؟ پاسخ کلی این نظریه آن است که عواملی در جامعه وجود دارند که برخی مردم را تحت فشار قرار میدهند و آنان را به کج رفتاری مجبور می کنند نظریه آنومی مرتن، نظریه ناکامی منزلتی کوهن و نظریه فشار آگنیو جزء نظریه های فشارند.

۷-۲- نظریه ناکامی منزلتی

کوهن کوهن مدعی است که فرزندان طبقات فرودست، که مثل دیگر همسالان خود از طبقات متوسط به مدرسه میروند و در آنجا با ارزش های طبقات متوسط آشنا و طالب منزلت های اجتماعی مقبول (و هواخواه اهداف مشروع اجتماعی موردنظر مرتن) می شوند، در رقابت با همکلاسان طبقات بالاتر خود درمی مانند، ناکام و تحقیر می شوند و می بازنداز نگاه کوهن، ناهمسازی اهداف و ابزار موردنظر مرتن به خودی خود به کجرفتاری نخواهد یو ناکام منزلتی ۳ انجام اید، مگر ینکه متغیر مداخله گری چون سرخوردگی به معادله اضافه ۴ شود. (ستوده، ۱۳۷۹: ۵۵)

۷-۳- تئوری آنومی (Anomy)

از دیدگاه جامعه شناسان، آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضا جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریت و ضابطه اخلاقی می شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می دهد. هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسانها دچار سرگردانی می شوند و قواعد و ارزشهای جامعه، برای آنها بی اهمیت و کم ارزش می شود. از سوی دیگر ارزشهای جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است. در واقع جامعه دو ساخت دارد. در این جامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می کنند. (ساروخانی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۸) از هم پاشیدگی هنجارها و آنومی، وضعیتی را ایجاد می کند که آرزوهای بی حد و حصر ایجاد می شود و از آنجا که طبعاً این آرزوهای بی حد نمی توانند ارضا شوند، در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و غیره ظاهر می شود، که از نظر آماری قابل سنجش است. (رفیع پور ۱۳۷۸، ص ۱۸)

۷-۴- نظریه فشار جامعه شناختی روانشناختی آگنیو

دو مشخصه برای این نظریه برشمرد: نخست، نظریه فشار می گوید که کجروی هنگامی رخ میدهد که افراد نمیتوانند آنچه را میخواهند از طریق مجاری مشروع به دست آورند. دومین مشخصه نظریه فشار نیز این است که خواسته های برآورده

نشده، فشاری بر فرد در جهت کجروی وارد می‌کند. به نظر آگنیو، بزهکاری ممکن است روشی برای کاهش فشار باشد؛ یعنی برای دستیابی به اهداف دارای ارزش مثبت، برای حفظ یا تقویت محرکهای مثبت یا برای پایان بخشیدن یا فرار از محرکهای منفی.

نظریه کنترل اجتماعی گاتفردسون و هیرشی علت همناوبی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوندهای اجتماعی آنها دانسته است. او مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت همناوبی و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کجرفتاری است (سراجزاده، ۱۳۸۶: ۸۵)؛ هیرشی علت اصلی آسیب پذیری و کنش های کجروانه افراد را پیوندهای اجتماعی و خودکنترلی پایینی می‌داند.

۷-۵- انزوای اجتماعی

دو برداشت از مفهوم انزوای اجتماعی تشخ صی داده شده است. درحالیکه برخی از نویسندگان بر عنصر ذهنی تأکید میکنند، برخی دیگر عنصر عینی و رابطهای را مهم میدانند. در ادامه به شرح این دو برداشت پرداخته میشود. از دیدگاه سیمین انزوای اجتماعی واقعیتی است فکری که در آن فرد عدم تعلق و انفصال کاملی را با ارزش های مرسوم جامعه احساس می‌کند. همچنین، کوهن اعتقاد دارد که انزوای اجتماعی معادل بیگانگی فرهنگی است و نشان می‌دهد که ایده و عقاید افراد درباره موضوعات مهم چقدر با دیگران (دوستان، خویشاوندان، هموطنان و...) تفاوت دارد. در مقابل، یوریک (معتقد است انزوای اجتماعی به معنای فقدان پیوندهای اجتماعی شبکه های اجتماعی تأکید می‌کنند). (چلی، ۱۳۹۰: ۱۲) در ادامه جدولی برای انواع آسیب های اجتماعی به همراه ارائه روش های آموزش کاهش آسیب به زنان آسیب دیده ارائه می‌شود:

جدول شماره یک انواع آسیب های اجتماعی به همراه ارائه روش های آموزش کاهش آسیب به زنان آسیب دیده اجتماعی

دسته بندی آسیب اجتماعی	پیشنهادهای آموزشی
طلاق	آموزش گذشت برای سازگاری زنان، آموزش رفتارهای سالم جنسی بر بدکارکردی جنسی زنان، برنامه آموزشی حل مساله، تنش زدایی تدریجی، آموزش مدیریت نقش به زنان برای رفع مشکلات دوانگی یا چندگانگی نقش ها، آموزش های مهارتی، اجتماعی شدن، تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
آسیب تن فروشی	آشنایی با شکل و عملکرد دستگاه تناسلی آشنایی با رفتارهای جنسی هویت جنسی - نقش جنسی - تمایلات جنسی - گرایش جنسی آشنایی با انواع بیماری های آمیزشی، علائم و عوارض آن آشنایی با عالم ابتلاء به بیماری های منتقله از راه جنسی آشنایی با راه های پیشگیری از ابتلاء به بیماری های منتقله از راه جنسی آشنایی با راهکارهای پیشگیری از ارتکاب به رفتارهای پرخطر جنسی آشنایی با مضرات و پیامدهای رابطه جنسی خارج از ازدواج آشنایی با مضرات رابطه جنسی دهانی آشنایی با مضرات رابطه جنسی مقعدی آشنایی با مضرات روانی تن فروشی تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
زنان طرد شده از خانواده و انگ خورده	آموزش های سازگاری و همسویی، آموزش خانواده اش جهت جلوگیری از روند انگ زدن های احتمالی، مهارت های زندگی، کنترل خشم، تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه) آموزش تنظیم عاطفه، آموزش کاهش اختلالات شخصیتی، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
فرار از خانه	بخشی از پیشنهادها جهت پیشگیری از فرار دختران معطوف به وزارت آموزش و پرورش می باشد؛ -تهیه و نمایش فیلمهای آموزشی درباره اثرات انواع روشهای نادرست تربیتی (از جمله محدودیت زیاد، آزادی زیاد، فاصله عاطفی، فاصله اطلاعاتی، ...) فقط برای اطلاع والدین؛ -تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛ -تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس یا تمام مناطق آموزش و پرورش استانها و شهرستانها؛ -اجبار در انجام تست روانکاو و سلامت سنجی روحی و روانی از تمام دانش آموزان و تشخیص و شناسایی کودکان مستعد فرار از لحاظ ویژگی های روحی و خانوادگی و الزام مراقبت های روانکاو از آنها؛ -بها دادن به مسئله ترک تحصیل دانش آموزان یا فرار آنها از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های این دختران؛ -آموزش به خانواده جهت اطلاع زود هنگام فرار دختران به پلیس و نوع همکاری آنان، جهت شناسایی هر چه سریعتر و

دسته بندی آسیب اجتماعی	پیشنهادهای آموزشی
	مقابله با خطرات ناشی از فرار، تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
سرقت	آموزش تنظیم عاطفه، آموزش کاهش اختلالات شخصیتی، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای توانمندسازی اقتصادی خانواده زندانیان از طریق آموزش مهارت های فنی - حرفه ای، آموزش های مهارتی موجب افزایش اعتماد به نفس و آگاه سازی زنان از توانایی های بالقوه شان است. این آموزش ها بر کنترل رفتارهای انحرافی تاثیر دارد. تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)
خودکشی	آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش تنظیم عاطفه، آموزش کاهش اختلالات شخصیتی، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
خشونت علیه زنان	خشونت ها از لحاظ انواع نیز ۴ دسته روانی، جسمانی، جنسی و مالی تقسیم می شود. خشونت از لحاظ عامل خشونت به خانگی و بیرون از خانه تقسیم می شود. (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱۹). در جهت آگاهی بخشی و ارتقاء فرهنگ آموزش حقوقی به زنان (آموزش ها باید طوری باشد که تحریک کننده نباشد). تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)
فرار دختران	برای پیشگیری از درگیر شدن دختران در آسیب های اجتماعی، آموزش ها باید از دوران کودکی آغاز شود. در این راستا حضور مددکار اجتماعی در مدارس می تواند تا حد زیادی کمک کننده باشد؛ مددکار اجتماعی برای حل مشکلات باید خانواده و کودک را در کنار هم ببیند. اگر کودکی، منزوی، گوشه گیر و پرخاشگر است و در خانه مورد آسیب قرار می گیرد، باید در همان مقطع سنی و از طریق مدرسه مورد توجه، درمان و مشاوره قرار گیرد. آموزش والدین، آموزش رفع تبعیض والدین، آموزش توانایی نه گفتن به برخی همسالان، تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
اعتیاد	درمان اعتیاد با مشاوره تلفنی میسر نیست؛ در گام نخست می توان از مشاوره تلفنی برای درمان اعتیاد بهره برد اما نمی توان از این طریق به طور مثال به قطع سوء مصرف شیشه کمک کرد؛ چراکه فرد مصرف کننده حداقل باید ۶ تا ۱۲ ماه هر هفته برای ترک مراجعه کند و راهکارهایی بیاموزد تا دوباره مصرف را آغاز نکند. نقش آموزش مهارت ها به فرزندان برای کاهش آسیب های اجتماعی مهم است و بی مهارتی افراد آسیب های فراوانی را ایجاد می کند؛ به طور مثال فرزندان شیوه های همسری را نمی آموزند و با آمار بالای طلاق مواجه هستیم. تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
خیانت	آموزش ارزشهای اخلاقی، آموزش تنظیم عاطفه، آموزش کاهش اختلالات شخصیتی اهمیت اخلاق و تزکیه نفس در سلامت انسانها و جوامع مختلف و نجات آنها از مشکلات و مفاسد اجتماعی و تهاجمات فرهنگی بر کسی پوشیده نیست. به زن ها استفاده صحیح از حقوقشان را آموزش بدهیم. روان درمانی شناختی (دشت بزرگی، ۱۳۹۶: ۷۳) آموزش جلوگیری از مشکلات اجتماعی برای زنان و دختران تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه) زوج درمانی، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
درگیری های خیابانی	تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش ارزشهای اخلاقی، آموزش تنظیم عاطفه، آموزش کاهش اختلالات شخصیتی، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای
اختلالات روحی، روانی	تنش زدایی تدریجی، آموزش مهارت های زندگی (شامل مهارت های ده گانه)، آموزش ارزشهای اخلاقی، آموزش تنظیم عاطفه، آموزش کاهش اختلالات شخصیتی، آموزش های مهارت های فنی و حرفه ای

نتیجه گیری

آسیب اجتماعی، نوعی بی نظمی است که چالشی برای ارزش های محوری جامعه است و در بستر جامعه و متأثر از نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به مسائلی نظیر بیکاری، تكدی گری، فقر، طلاق، اعتیاد، خودکشی و... منجر می شود. بنا به نظر بسیاری از کارشناسان این حوزه، زنان تحت تأثیر مشکل ها، بیش ترین قربانیان آسیب های اجتماعی هستند. بر اساس مطالعات انجام شده و بررسی های صورت گرفته و تدوین جداول روش های آموزش کاهش آسیب اجتماعی به زنان آسیب دیده پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می شود:

توانمندسازی زنان آسیب دیده اجتماعی بر مبنای آموزش بسیار مهم است. توانمند سازی تلاشی است تا افراد خانواده ها، گروه ها یا جوامع بتوانند قدرت به دست آورند (کیمیایی، ۱۳۹۰: ۶۸). آموزش و آگاهی زنان از اهداف توسعه هزاره و توانمندی آن ها برای مشارکت فعالانه در عرصه های اجتماع، نقش مهمی در استفاده از سرمایه ارزشمند جوانان به ویژه دختران در جهت توسعه کشور و تحقق اهداف آرمانی و عدالت خواهانه سازمان ملل خواهد داشت. نخستین گام در جهت بهره گیری از مشارکت فعالانه زنان در برنامه ریزی توسعه، ایجاد آگاهی و اطلاع رسانی درباره اهمیت گذاری از وضعیت موجود و ضرورت نیاز برای تغییر است.

مرحله بعد، توانمندسازی و ایجاد ظرفیت در زنان است. چنانچه با بهبود مهارت‌ها و توسعه میانی شناختی بانوان در جهت پذیرش ضرورت نیاز به تغییر همراه شود به مشارکت فعالانه آن‌ها منجر خواهد شد. چهار فرایند توانمندسازی در انجام توانمندسازی زنان نقش بسزایی دارد. شامل:

- رشد خود
- کار آمدی
- کاهش خود سرزنشی
- قبول مسئولیت برای تغییر و تشکیل گروه
- خود آگاهی نقادانه
- استفاده از ظرفیت سمن‌ها و نهادهای مردمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی بسیار موثر است.
- جامعه‌پذیری زنان آسیب‌دیده باشد

ایجاد شهرک‌های توانبخشی^۱: بازگشت به زندگی عادی برای زنانی که از طریق آسیب امرار معاش می‌کنند، بسیار سخت‌تر از بازگشت به زندگی زنان صرفاً بزه‌کار است. ایجاد شهرک‌های توانبخشی زنان آسیب‌دیده نیز از بسیاری جهات مناسب است. البته نقش نهادهای مدنی را در این شهرک‌ها مناسب تعریف کرد و از ظرفیت‌های آنها استفاده کرد. نهادهای مدنی می‌توانند با ایجاد کمپین‌هایی همچون «بازآفرینی اجتماعی» ساماندهی زنان آسیب‌دیده را به مراتب بهتر و کم‌خسارت‌تر از دولت انجام دهند. باید دانست که بهره‌وری اجتماعی این نهادها یعنی اثر بخشی و کارآمدی‌شان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

مهم‌ترین مشکل روانشناختی زنان آسیب‌دیده ترس آنهاست و ترس از مجازات یکی از پررنگ‌ترین این ترس‌هاست، همین ترس مانع شکل‌گیری اعتماد میان آنها و نهادهای دولتی می‌شود. در حالی که نهادهای مدنی می‌توانند اعتماد زنان آسیب‌دیده را بهتر جلب کنند. این نهادها به شرطی که خود به شکل مناسب در جغرافیای آسیب ساماندهی و توزیع شوند، می‌توانند آسیب‌های اجتماعی را به شکل محله محور رصد کرده و با ایجاد کمپ‌ها و کمپین‌ها این آسیب‌ها را با حمایت دولت مدیریت کنند.

۱- برای امن کردن محیط اجتماعی زنان آسیب‌دیده مدتی است صحبت از ایجاد شهرک‌های توانبخشی زنان آسیب‌دیده مطرح می‌شود. این طرح که به تازگی در جلسه کارگروه تخصصی زنان و خانواده استانداری تهران مطرح شده، قصد دارد با ارائه برنامه‌های هدفمند آموزشی، الگویی مطلوب برای ساماندهی زنان آسیب‌دیده ایجاد کند. این طرح موافقان و مخالفان بسیار دارد. عده‌ای معتقدند ایجاد این شهرک‌ها مفهومی جز ایزوله کردن آسیب‌های اجتماعی ندارد. این شهرک‌های آسیب، زنان آسیب‌دیده را کنترل می‌کند، اما باعث بازگشت آنها به زندگی عادی نمی‌شود. به باور برخی فعالان در حوزه اجتماعی قرار گرفتن زنان آسیب‌دیده در مراکز شبه خانواده، یعنی مراکز نگهداری کودکان بد سرپرست و افراد آسیب‌دیده نتیجه بهتری دارد.

منابع

- کیمیایی، سید علی، شیوه های توانمند سازی زنان سرپرست خانوار، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۴۰، ۱۳۹۰
- پور عزت، علی اصغر، نقش زنان در فقر زدایی بر اساس اهداف توسعه هزاره سازمان ملل، ۱۳۸۹
- آزاد ارمکی، تقی، بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳.
- محمدی گوهر، امیرعلی اکبری صدیقه*، رمضان خانی علی، علوی مجد حمید بررسی وضعیت بهداشت باروری زنان خشونت دیده مراجعه کننده به مراکز کاهش آسیب شهر تهران در سال ۱۳۸۹ نشریه: پژوهنده شماره: آذر و دی ۱۳۹۰، دوره ۱۶، شماره ۵ (پی در پی ۸۳)؛ صفحه ۲۱۹ تا صفحه ۲۲۵.
- دشت بزرگی زهرا تاثیر مداخله مبتنی بر شفقت خود بر احساس تنهایی و تنظیم هیجانی زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی نشریه: دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی شماره: زمستان ۱۳۹۶، دوره ۱۸، شماره ۴ (پیاپی ۷۰)؛ صفحه ۷۲ تا صفحه ۷۹.
- پاکیزه علی مقایسه اختلالات شخصیت در زنان آسیب دیده اجتماعی با زنان عادی استان بوشهر اصل مقاله نشریه: شخصیت و تفاوت های فردی شماره: تابستان ۱۳۹۱، دوره ۱، شماره ۱؛ صفحه ۷۹ تا صفحه ۹۷.
- فرزادفر منیر، مولوی حسین، آتش پور سید حمید تاثیر آموزش شادمانی به شیوه فوردایس بر کاهش افسردگی زنان بی سرپرست شهر اصفهان نشریه: دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی شماره: زمستان ۱۳۸۵، دوره ۸، شماره ۳۰؛ صفحه ۳۹ تا صفحه ۵۰.
- مساواتی، مجید، آسیب شناسی اجتماعی ایران، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات نوبل (تبریز)، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱.
- رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸، ص ۱۸.
- ساروخانی، باقر، طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷.
- سوزان فوروارد، مردان زن ستیز، ترجمه شیما نعمت الهی، انتشارات خجسته، ۱۳۷۷، ص ۳۳۵ و ص ۳۴۰.
- تایبر، بچه های طلاق، ترجمه توران دخت تمدن، انتشارات روشنفکران، ۱۳۶۹، ص ۱۰۶.
- فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی و ستیزه های خانوادگی و طلاق، نشر منصوری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳ تا ص ۱۶۳.
- حسینی، بیرجندی، سید مهدی، مشاوره ازدواج، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷، ص ۲۶۴.
- ویلیام، جی، گود، خانواده و جامعه، ویدا ناصحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۲۶۵.
- عبدی، عباس، گودرزی، محسن، تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸، صص ۱۶۴-۱۶۳.
- حسینی، بیرجندی، سید مهدی، مشاوره ازدواج، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷، ص ۲۶۴.
- آتش پور، سید حمید، اثرات روانی - اجتماعی طلاق، مجله بهداشت جهان، سال یازدهم (۱۳۷۵)، شماره دوم، ص ۴۶.
- دکتر آزاد، تقی، بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳.
- چلبی، مسعود، ۱۳۹۰، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نی.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۹)، آسیب شناسی اجتماعی جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: آوای نور.
- سراجزاده، سید حسین؛ فیضی، ایرج (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف مشروبات الکلی در بین دانشجویان «، نامه علوم اجتماعی، شماره پیاپی ۳۱، صص ۱۰۲-۸۱.
- صدیق سروسرستانی، رحمت الله (۱۳۸۷)، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات، تهران: سمت.
- مدنی قهفرخی سعید وضعیت تن فروشی در ایران همایش سالانه انجمن علمی روانپزشکان ایران، انجمن علمی روانشناسان، دوره ۲۸، ۱۳۹۰
- شادی طلب، علل تن فروشی و فحشا در ایران چیست؟ بر گرفته از پایگاه خبری تحلیلی انتخاب
- احمدی، سید احمد: «روان شناسی نوجوانان و جوانان»، انتشارات رودکی، ۱۳۶۹.
- اورنگ، جمیله: «پژوهشی درباره اعتیاد»، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷.
- خسروی، زهره. خاقانی فرد، میترا. (۱۳۸۳). بررسی رابطه همسر آزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب رسانی به همسر. مطالعات زنان، ۲(۶)، ۹۹-۱۱۳.
- سهرابی، فرامرز، دارینی، مهرنوش. داوودی، حسین. (۱۳۹۰). اثربخشی روش آموزش ایمن سازی در مقابل استرس بر کاهش استرس، اضطراب و افسردگی زنان شاغل. مطالعات روانشناسی بالینی، شماره ۵، ۲۹-۵۰.
- زهره خسروی، فاطمه شاهی صدرآبادی زنان و آسیب های روانی برگرفته از پرتال امام خمینی

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹
۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

ISSN: 2645-4475

